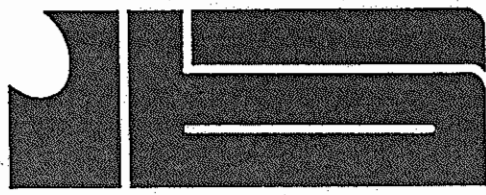


جنگ قدرت در افغانستان

شورش افغانی می‌شود. گروه‌های مجاهدین مستقر در کابل در نخستین اعلامیه‌های خود تحت عنوان "شورای رهبری موقت افغانستان" صادر کرده‌اند گفته‌اند که نیروهای انتظامی و مجاهدین کنترل کامل آمدودش و برقراری نظم و امنیت در پایتخت افغانستان را بعهده

روز شنبه هفته گذشته شورشیان افغانستان در پی محاصره ده روزه کابل پایتخت افغانستان وارد شهر شده و بطور مسالمت‌آمیز کنترل کاخ ریاست جمهوری، اماکن دولتی، رادیو تلویزیون و فرودگاه کابل را در دست گرفتند. بنا به گزارش خبرگزاری‌ها گروه‌هایی که وارد کابل شده و قدرت را در دست گرفته‌اند، شامل همه دستجات



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۷۱ - ۲۹ آوریل ۱۹۹۲ - دوره سوم - شماره ۳۳



روز جهانی کارگر گرامی باد!

افغانستان: تضادها و راه‌صلح

در روز شنبه گذشته، پس از چهارده سال جنگ و شورش علیه حکومت افغانستان، سرانجام کابل به تسخیر مجاهدین درآمد. روندی که از مسیر مرگ صدها هزار انسان و ویرانی یک کشور گذشته است، بهنگام رسیدن به دروازه پایانی کابل به مسالمت طی شد. بی تردید، تنها جنبه خوشایند این فرجام آتست که در جریان شکست ناگزیر یک طرف جنگ چهارده ساله، گروه بزرگ دیگری به خیل قربانیان این جنگ اضافه نشد و خرابی بزرگ دیگری در مرکز کشور، بروبرانی بصیبت بار سراسر کشور نیفتاد. بی تردید، در جلوگیری از جنگ خونین در آخرین روزهای مصاف مجاهدان شورشی با حزب وطن و جمهوری افغانستان، امتناع حکومت از جنگ، برخورد معتدل و منعطف مجاهدان تحت فرماندهی احمد شاه مسعود، تمایل حکومت‌های ذیدخل در امور افغانستان به انتقال مسالمت آمیز قدرت، کوشش‌های صلح جویانه سازمان ملل متحد، و بویژه بیزاری اکثریت قاطع شهر وندان کابل از کشت و کشتار، نقش ایفا کردند.

اما جنگ حکومت و نیروهای ضد حکومت، دیگر پدیده‌ای است متعلق به گذشته و تمام شده. اینک، پدیده‌ای که سالهاست نطفه بسته و بر بستر مناقشات خونین درون جبهه‌ای رشد کرده است، بگونه‌ای بسیار مخاطره آمیز رخ مینماید: جنگ قدرت و تقسیم قدرت.

کشورهایی که در جبهه مشترک ضد حکومت مرکزی، به دستجات مسلح و غیر مسلح در افغانستان یاری می‌رسانند، اینک در موسم میوه چینی سخت مواظب همدیگر هستند. با بر کناری "دشمن مشترک"، مانع جنگ داخلی بین دهها دسته ریز و بقیه در صفحه آخر

گزارشی از انتخابات مجلس شورای اسلامی

حذف شدگان شدیداً به شورای نگهبان اعتراض نمودند. بهزاد نبوی طی نامه‌ای سرگشاده از شورای نگهبان خواست ادله "رد صلاحیت" وی را از طریق مطبوعات اعلام نماید. خلغالی در مصاحبه با روزنامه سلام اعلام کرد که نمی‌دانم به چه مناسبت صلاحیت‌م رد شده است چون شورای نگهبان در پرده آهنگی قرار دارد. فتواد کریمی طی شکوائیه‌ای اظهار داشت هیچ دلیل معتبری برای رد صلاحیت وی وجود ندارد. مجتهد عبدالرضا احدی کاندیدای حوزه قم اعلام کرد که به گفته یکی از اعضای شورای نگهبان بخاطر هواداری از دفتر تحکیم وحدت صلاحیتش مورد تأیید قرار نگرفته است. دیگران نیز نامه‌های اعتراضی به شورای نگهبان نوشتند.

شورای نگهبان به این اعتراض‌ها و تقی‌نگذاشت و از بین افراد حذف شده تنها صلاحیت ۷ نفر را تأیید کرد که ۵ نفرشان جزو جناح راست بودند و یکی جزو تندروها (هادی خامنه‌ای). لیست‌های اصلی متعلق به بقیه در صفحه ۲

شرکت نموده‌اند. وزیر کشور میزان شرکت کنندگان در انتخابات در کل کشور را ۱۸ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر اعلام کرد. به گفته او ۶۵ درصد از واجدین شرایط حق رای در انتخابات شرکت جستند. او فریبکارانه دلیل پائین آمدن میزان شرکت کنندگان را در قوت صندوق‌های رای دانست.

انتخابات صحنه مصاف حاد بین جناح تندرو و ائتلاف حاکم بود که در صف آرائی "جامعه روحانیت مبارز" و "مجمع روحانیون مبارز" تجسم یافته بود. این امر بویژه در لیست‌های ارائه شده توسط این دو جریان در تهران آشکار بود.

هیئت‌های اجرائی وزارت کشور و هیئت نظارت شورای نگهبان و در مرحله آخر خود شورای نگهبان عده قابل توجهی از کاندیداهای تندروها و بخشی از چهره‌های سرشناس آنها را حذف کردند و این مسئله بر حدت درگیری‌ها افزود. به نوشته مطبوعات کشور ۳۹ نفر از نمایندگان فعلی مجلس شورا فاقد صلاحیت اعلام شدند. عده‌ای از

دور نخست انتخابات چهارمین مجلس شورای اسلامی برگزار گردید. در این دور ۱۳۳ نفر به مجلس راه یافتند. در دور دوم انتخابات که روز ۱۸ اردیبهشت ماه برگزار می‌شود، رقابت بر سر ۱۳۷ کرسی دیگر مجلس جریان خواهد یافت.

میزان شرکت مردم در انتخابات و ترکیب مجلس برآمده از آن برای نیروهای حکومتی حائز اهمیت زیادی بود. رژیم اسلامی که تمام قوای خود را برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای بسیج کرده بود، نتوانست به هدف خود دست یابد. به گفته خبرگزاری‌های خارجی میزان شرکت مردم در انتخابات کمتر از

دوره‌های پیشین بوده است. این امر بویژه در تهران به چشم می‌خورد. به گفته حکومتیان مجموعه آراء ریخته شده به صندوق‌ها در تهران حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بوده است. روزنامه سلام میزان افراد واجد شرایط در تهران را ۴/۵ میلیون نفر اعلام کرده است اگر این رقم صحیح باشد تنها حدود ۳۷ درصد مردم تهران در انتخابات

وزارت کشور را باید بیشتر از تعداد واقعی شرکت کنندگان دانست. نمایندگان دوره کنونی مجلس نمونه‌های متعددی از تقلب‌های انتخابات و رای سازی‌های مصنوعی را افشا کردند. گزارش‌های مختلف از ایران از خلوت بودن حوزه‌های رای گیری حکایت دارند. بر پایه همین گزارش‌ها بخش مهمی از آرای ریخته شده به صندوق‌ها سفید بوده است. آرای سفید که همواره نشانگر اعتراض رای دهندگان به انتخاباتی غیر دموکراتیک است، در انتخابات تهران از صدها هزار تجاوز کرده است. خبرگزاری‌های غربی نیز میزان شرکت مردم در انتخابات را بسیار کمتر از میزان اعلام شده توسط وزارت کشور اعلام کردند. بررسی نتایج رای گیری در منطقه تهران بزرگ، یعنی جایی که آرایش سیاسی و گرایشات موجود در آن تأثیر تعیین کننده در تمام کشور دارد، نشانه بارزتری از شکست جمهوری اسلامی در جلب آرای مردم است. مطابق آمارهای رسمی یک میلیون و ۷۰۰ هزار رای در منطقه تهران به صندوق‌ها ریخته شد که نسبت به کل افراد دارای حق رای (۴/۵ میلیون نفر) تنها ۳۷ درصد را تشکیل می‌دهد. این آمار رسمی اگر درست نیز باشد نشانگر آن است که اکثریت قابل توجهی از مردم در انتخابات شرکت نکردند، زیرا به نتایج آن و به مجموعه جناح‌های حاکم بر کشور بی‌باورند.

از کسانی که در انتخابات شرکت کرده‌اند، بخش عمده کسانی بودند که در رای گیری‌های دوره‌های قبل نیز شرکت کرده بودند، اما گزارش‌های رسیده نشانگران است که احتمالاً نیروهای تازه‌ای نیز هر چند در ابعاد محدود در این انتخابات شرکت کرده‌اند. بخش کوچکی از این تعداد کسانی هستند که با طرح شعارهای آزادیخواهانه و عدالت جویانه از سوی نمایندگان جناح بقیه در صفحه ۲

همزمان با نزدیک شدن انتخابات مجلس چهارم، رژیم تبلیغات گسترده‌ای را به منظور کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای آغاز کرد. تابه "دنیا" و بیش از همه به خود این مردم ثابت کند که جمهوری اسلامی هنوز در جامعه مشروعت و پایگاه قابل توجعی دارد. توده‌های مردم زیر بمباران تبلیغاتی رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها، مساجد، روحانیون و سخنرانی‌های متعدد قرار گرفتند. خامنه‌ای طی پیامی شرکت در انتخابات را وظیفه‌ای الهی-دینی-سیاسی و اخلاقی خواند. رفسنجانی از مردم تقاضا کرد: در انتخابات شرکت کنید و هر چه دلتان می‌خواهد روی ورته رای بنویسد سایر مقامات رژیم نیز بطور دسته جمعی یا فردی، هر یک به فراخور حال خود، تقاضاهای مشابهی را تکرار کردند. بمباران تبلیغاتی برای جمع آوری رای یکی از بزرگترین برنامه‌های تبلیغی بود که در جمهوری اسلامی به راه افتاد.

با اینحال نتیجه این تدارکات گسترده، که خامنه‌ای در نخستین روزهای پس از انتخابات آن را شرکت بی‌نظیر مردم در انتخابات و "پیروزی شیرین" خواند، برای سران رژیم ناامید کننده بود. آنچنان که صحبت از این "پیروزی شیرین" به سرعت فروکش کرد و اعتراف به عدم کامیابی جای آن را گرفت و مطبوعات رژیم نگرانی خود را از اینکه چهره‌های سرشناس حکومتی نتوانستند آرای لازم را برای ورود به مجلس به دست آورند آشکار ساختند. مطابق آمار رسمی منتشره توسط وزارت کشور، ۱۸ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر، یعنی قریب ۶۵ درصد مردم دارای حق رای، در انتخابات شرکت کردند. یعنی رقمی "معمولی" و حتی کمتر از درصد شرکت کنندگان در انتخابات بسیاری از کشورهای جمهوری اسلامی اندر که رژیم بودن است، چنین ادعایی ندارند. اما همین آمار آرایه شده از سوی

تظاهرات مردم در تهران و شهرستانها

اعتراض برمی‌خیزند. دو ماه قبل معلولین جنگی در اعتراض به گرانی اجاره خانه‌ها و مشکل مسکن در مقابل دفتر بنیاد جانبازان دست به تظاهرات زدند. * خبرگزاری رویتر گزارش داده است که بین آلونک نشین‌های حومه خرم‌آباد و نیروهای انتظامی رژیم درگیری شدیدی رخ داده است. مامورین شهرداری با بولدوز و لودر به آلونک‌ها حمله برده و آنها را درهم کوبیدند. آلونک نشین‌ها که به خشم آمده بودند به مقابله برخاستند و با نیروی انتظامی که به حمایت از مامورین شهرداری آمده بودند، درگیر شدند و چندین خودرو دولتی را به آتش کشیدند. مامورین زنان آلونک نشین را که حاضر به ترک خانه‌هایشان نبودند به زور در پتو و فرش می‌پیچیدند و از خانه‌ها بیرون می‌آوردند.

روزنامه جمهوری اسلامی بعد از این درگیری به نقل از یک مقام دولتی شهر خرم‌آباد نوشت که حمله مامورین انتظامی علیه عده‌ای افراد "سودجو" بود که بر روی زمین‌های دولتی خانه ساخته بودند. در این جریان عده‌ای از آلونک نشین‌ها بوسیله مامورین رژیم اسلامی دستگیر

بقیه در صفحه ۲

افزایش قیمت‌ها، در خیابان‌ها دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات گروه زیادی از معلولین جنگی شرکت داشتند و عده‌ای از آنها با صدای‌های چرخ‌دار در صف اول تظاهرات کنندگان قرار داشتند. تظاهر کنندگان با پرتاب سنگ شیشه‌های چند بانک را شکستند و اتومبیل‌های نیروهای انتظامی را به آتش کشیدند.

این چندمین باری است که در ماه‌های اخیر معلولین جنگی به

در فروردین ماه همزمان با جریان برگزاری انتخابات مجلس شورا تظاهرات، اعتراضات و درگیری فراوانی در مناطق مختلف کشور جریان داشت. بخشی از آنها در ارتباط با انتخابات بود و بخش دیگر در رابطه با گرانی و تخریب آلونک‌ها.

* به گزارش خبرگزاری‌های خارجی در روز چهارشنبه ۲۶ فروردین ماه هزاران تن از مردم شیراز در اعتراض به گرانی و

اعتصاب رانندگان شرکت واحد

گوسفند و یا ۲۰۰ گاو و یا ۱۰۰ شتر است که بهای روز آن ۷۰ میلیون ریال می‌شود. از اینرو در حوادث رانندگی منجر به مرگ، دادگاه‌ها رانندگان را به پرداخت این مبلغ محکوم خواهند کرد. رقمی که پیش از این از رانندگان گرفته می‌شد ۷۰۰ هزار تومان بود.

بدنبال سخنان مقتدائی و در همان روز شرکت‌های بیمه با استناد به این تصمیم، حق بیمه حوادث را ۱۰ برابر افزایش دادند.

بقیه در صفحه ۹

در روز شنبه ۲۲ فروردین رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب، آمدورفت را در این روز در تهران مختل کرد. اعتصاب، در اعتراض به مقررات جدید قضائی پیرامون جرایم نقدی حوادث منجر به مرگ و یا نقص عضو صورت گرفت. این مقررات در روز ۲۰ فروردین توسط مقتدائی رئیس دیوانعالی کشور اعلام شده بود. مقتدائی طی یک مصاحبه با استاد به کتاب تحریر الوسیله خمینی اظهار داشت که دیه یک انسان ۱۰۰۰

ماهنامه "فاراد" تعطیل و مسئولین آن دستگیر شدند

بار دیگر بر سر "طرحی" مندرج در یکی از نشریات جنجال بپا شده است. در ماهنامه فاراد همراه یکی از مقالات "طرحی" چاپ شده است که گویا شباهت به خمینی دارد. عده‌ای از دانشجویان دانشگاه در اعتراض به چاپ این طرح به دفتر این ماهنامه در مقابل دانشگاه تهران ریختند و فریاد کشیدند که: "پیرو سلمان رشدی اعدام باید گردد"، "مجامع فرهنگی اصلاح باید گردد" و "ناشر امریکائی

بقیه در صفحه ۲

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت روز جهانی کارگر

در صفحه ۶

روز معلم گرامی باد!

در صفحه ۹

نتیجه انتخابات مجلس چهارم شکست حکومت

بقیه از صفحه اول

تندرو، رای خود را به سود آنها به صندوق هار یختند و بخش بزرگتری به دلیل نفرت از عملکرد ۱۰ ساله جمهوری اسلامی که تجسم آن را در تندروها می بینند و هم چنین باور به وعده ها و توهمات هاشمی رفسنجانی، به سود او رای داده اند.

در غرب و حتی در پاره ای از نیروهای اپوزیسیون از پیروزی ائتلاف حاکم و به ویژه رفسنجانی در این انتخابات سخن می رود. اما این سخن تنها تا آنجا درست است که ناظر بر بیرون کشیدن اکثریت مجلس، با توسل به انواع شگردها، از چنگ تندروها است. این انتخابات نشانگر شکستی فاحش بر نیروهای بود که خواهان حفظ جمهوری اسلامی به شکلی هستند که خمینی پایه گذاری کرد و تا پایان همر از آن دفاع کرد. لیست نمایندگان این خط که وابسته به جناح تندرو بودند، در تهران بین ۱۰ تا ۱۴ درصد آرای رای دهندگان و کمتر از ۵ درصد رای کسانی را که میتوانستند رای دهند، به دست آوردند. اما این شکست فاحش تندروها به هیچ وجه به معنای پیروزی رفسنجانی و طرفدارانش در بین مردم نیست. از ۳۰ نماینده ائتلاف حاکم در تهران تنها ۲ نماینده توانستند بیش از ۳۳ درصد آرا، یعنی حداقل لازم برای انتخاب شدن را، به دست آورند. این دو تن هیچ کدام از عناصر موثر حکومتی به شمار نمی آیند. اولی یک معلم اخلاق در تلویزیون

ماهنامه "فاراد" تعطیل و مسئولین آن دستگیر شدند

بقیه از صفحه اول

رسیدگی و تکمیل مراحل لازم جهت صدور حکم شرعی و قانونی به دادگاه انقلاب اسلامی ارسال خواهد شد.

ماهنامه "فاراد" یک نشریه علمی و پژوهشی است که از هفت سال پیش منتشر میشود و وابسته به یک گروه فرهنگی به همین نام است.

این مسئله موجب شده است که برخی مطبوعات بویژه روزنامه کیهان نوک حمله را متوجه وزارت ارشاد نمایند. کیهان می گوید: "بعضی از دانشجویان در گفتگو با خبرنگار ما گفتند ما این افراد را تصویر کار نمی دانیم زیرا مسئولین فرهنگی و جامعه مسئول این گونه مسائل هستند." این روزنامه به نقل از یکی از دانشجویان می نویسد: به نظر من مقصود اصلی مسئولان وزارت ارشاد اسلامی هستند. آخرین چه سیاستی است که آقایان وزارت ارشاد به بسیاری از افراد وابسته جریان های منحرف فرهنگی و مذهبی امتیاز نشریه و مجله داده اند و کافذ دولتی هم در اختیار آنان می گذارند؟

(کیهان ۲۳ فروردین ۱۳۷۱).

روزنامه کیهان اضافه میکند ریشه این مسائل و بروز چنین انحرافات و اهانت هایی در نشریات و دیگر آثار فرهنگی و هنری، در سیاست گذاریهای قلم و قیر اصولی وزارت ارشاد است.

اکنون فشار برای برکناری خاتمی از راس وزارت ارشاد و تغییر سیاستهای آن تشدید یافته است. معترضین خواستار تعطیل یکسری از نشریات غیرحکومتی هستند که در طی چند سال اخیر اجازه انتشار یافته اند.

اهدام باید گردد؟! کارکنان نشریه با اطلاع از حمله قریب الوقوع دانشجویان حزب الهی از محل دفتر گریختند. این عده در دفتر راکستند، وسایل آن را به خیابان ریختند و آنها را آتش زدند.

بدنبال اقدام دانشجویان، موج اعتراض وسیعی از جانب نیروهای رژیم برخاست. طلاب مدرسه فیضیه قم تظاهرات پر سرو صدائی راه انداختند و خواستار اهدام مسئولین نشریه فاراد شدند. بسیج روحانیون حوزه علمیه قم نامه ای به خاتمی ارسال کردند. عده ای از استادان دانشجویان دانشگاه امام حسین گردهمایی تشکیل دادند و با امضای طومار خواستار برخورد و مجازات مسئولین نشریه شدند. جنتی عضو شورای نگهبان چاپ کاریکاتوری شبیه خمینی را غیر قابل بخشش توصیف کرد و از دادگستری خواست که تاشران را به حداکثر مجازات برساند. مطبوعات دولتی از جمله روزنامه کیهان به حمایت از دانشجویان برخاستند.

وزارت ارشاد اسلامی بلافاصله جلسه فوق العاده هیات نظارت بر مطبوعات را تشکیل داد و پروانه انتشار نشریه را لغو نمود. معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اعلام کرد که "ناصر هربها" مدیر مسئول فاراد در "دادگاه صالحه" به صورت علنی و با حضور هیات منصفه محاکمه خواهد شد. ولی روابط عمومی دادستانی انقلاب اسلامی تهران اعلام نمود: که "با تلاش پیگیر برادران نیروهای انتظامی، چند نفر از عوامل قریب خورده و منحرف دستگیر و تحویل دادسرا گردیدند که پرونده آنها در حال

تظاهرات مردم در تهران و شهرستانها

بقیه از صفحه اول

شدند.

به گفته داود توحیدی نماینده بروجن و لردگان (در جلسه روز ۲۵ فروردین) موقع رای گیری در حوزه انتخابیه وی درگیری شدیدی بین مردم و نیروهای انتظامی صورت گرفته و به گلوله بسته اند. نماینده مجلس می گوید: "آیا جواب مردمی که آمده اند و گفته اند که آرا ما به کجا رفته، در یک صندوق ما سه هزار رای داشته ایم، چطور شده که یک هزار رای خوانده شده، با مسلسل است؟ آیا باید با رگبار مسلسل جواب آنها را بدهند؟ چگونه شده در یک بخشی که مردم فقط حرفشان این است که آقا صندوق ها را باز شماری کنید، نیروهای انتظامی علنا باید با اسلحه و روبروی آنها بایستند و تعداد زیادی از آنها را به خاک و خون بکشند. علت چیست؟ بعد هم بگویند که این مساله، مساله شورش بوده. ما این سؤال را باید بکنیم که چطور می شود که در یک جایی وقتی مردم اعتراض می کنند که باید صندوق های ما باز شماری شود آقایان باید وقیحانه با خانواده های شهدا آنچنان برخورد کنند، آنها را بیاورند داخل پادگان لخت بکنند و آب زیرپایشان بریزند و یا شلاق و کابل بزنند که رگ های دستان آنها از بین برود و خونریزی شدید ایجاد شود. برای چه این مسائل باید اتفاق بیافتد؟"

عده زیادی از مردم بهمان در اعتراض به گرانی دست به تظاهرات زده و با مامورین درگیر شدند. در جریان این درگیری ها مامورین عده ای از مردم را دستگیر و روانه زندان ها ساختند.

اخراج اعراب از جزیره ابو موسی

گزارشات رسیده حاکی از آن است که جمهوری اسلامی دست به اقداماتی علیه اعراب مقیم جزیره ابوموسی زده است. از جمله این اقدامات می توان تعطیل تنها مدرسه عربی آن جزیره، تبعید بیش از ۷۰۰ نفر از اعراب از این جزیره و انحلال ایستگاه پلیس عربی این جزیره را برشمرد. جزایر ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ در سال ۱۹۷۱ و پس از خروج ارتش انگلستان از این منطقه به تصرف ایران در آمدند، با این حال ساکنین عرب ابوموسی از حقوق خاصی برخوردار بودند. اقدامات اخیر، اعتراض برخی از کشورهای عرب منطقه را برانگیخته است. این کشورها خواهان پادر میانی عمان شده اند. لازم به تذکر است که عمان دارای روابط نزدیکتری با ایران است. گزارشات همچنین حاکی از آن است که احتمالاً این مسئله در ردیف موضوعات بحث ولایتی و نخست وزیر و وزیر امور خارجه کویت در دیدار اخیر وی از این کشور بوده است.

کمال خرازی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل ضمن رد خبر اخراج اعراب از جزیره ابوموسی تأکید کرده است که تنها اتباع ایران و امارات متحده عربی از حق زندگی در این جزیره برخوردارند.

گزارشی از انتخابات مجلس شورای اسلامی

بقیه از صفحه اول

"روحانیت مبارز" و "مجمع روحانیون مبارز" بودند. در این دو لیست سه نفر مشترک بودند که دو نفر آنها جزو اسیران آزاد شده و نفر سوم دهائی سرپرست روزنامه اطلاعات بود. خانه کارگر ۷ نفر را به عنوان کاندیدای خود معرفی کرده بود. از این لیست سه نفرشان با "مجمع روحانیون مبارز" مشترک بودند. بیش از یکصد و پنجاه نهاد کارگری شامل انجمن ها و شوراهای اسلامی و تعاونی های مسکن و مصرف، واحدهای تولیدی و خدماتی از لیست خانه کارگر اعلام حمایت کرده بودند.

لیست جمعیت زنان جمهوری اسلامی پنج نفر خانم بود که اسامی چهار نفرشان در لیست "مجمع" قرار داشت. اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویی و فارغ التحصیلان دانشگاه ها و مراکز عالی - تهران ۶ نفر را کاندید کرده بود که ۱۰ نفر از آنها جزو لیست "جامعه" بودند.

بقیه کاندیداهای منفرد بودند. بخشی از نیروهای جناح تندرو در تهران برای هماهنگ کردن فعالیت های خود و اعلام کاندیداهای مشترک ائتلافی را به عنوان "ائتلاف خط امام" تشکیل داده بودند. این ائتلاف متشکل بود از: اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت)، انجمن اسلامی معلمان ایران، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه ها، انجمن اسلامی مهندسان ایران و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی. آنها در آستانه انتخابات بیانهای صادر کردند و اعلام نمودند که بعنوان اعتراض به روند حذفی موجود از ارائه لیست کاندیداتوری معذور هستند.

این ائتلاف در بیانیه اش اظهار داشت: بخاطر اعلام وفاداری به نظام جمهوری اسلامی و مصالح عالیه آن در انتخابات شرکت می کنیم و علیرغم اختلاف نظر با مشو سلیقه های سیاسی و اقتصادی معدودی از کاندیداهای معرفی شده از طرف "مجمع روحانیون مبارز تهران" در مجموع این لیست را ارجح می دانیم.

جناح تندرو قبل از برگزاری انتخابات تا آستانه تحریم پیش رفته بود. خلخالی در مصاحبه با روزنامه سلام اعلام کرد که تصمیم بر این بود با توجه به خلاف کاری های روشن و واضح از شرکت در انتخابات امتناع نمایند. روزنامه سلام هم اظهار کرد که احتمال می رفت "مجمع" و دیگر نیروهای جناح تندرو از شرکت در انتخابات منصرف شوند. ولی کربوبی قبل از تصمیم گیری نهائی با خامنه ای ملاقات کرده و بدنبال آن جلسه "مجمع" تشکیل می گردد.

"مجمع" بعد از این جلسه اعلامیه ای صادر کرده و می گوید علیرغم فضای ناسالم موجود در انتخابات شرکت خواهد جست. در این اعلامیه آمده بود که ما در اصل به ولایت فقیه پای بندیم و در عمل نیز همواره این را نشان داده ایم. بنابراین با وجود شواهد و دلائل محکم و کافی بر وجود فضای ناسالم، اینک "مقام رهبری به صراحت نظر خود را مبنی بر شرکت ما در انتخابات به ما ابلاغ فرمودند و اظهار داشته اند که:

"بر فرض که به شما و دوستانتان در سراسر کشور در این انتخابات جفا شده باشد باز مصلحت انقلاب و نظام و کشور ایجاب می کند که در انتخابات شرکت کنید."

تبلیغات "مجمع" در تهران کم و قابل مقایسه با "روحانیت مبارز" نبود. به گفته روزنامه سلام از آنجا که شورای نگهبان تا آخرین ساعات نظر خود را در خصوص صلاحیت کاندیدها اعلام نکرده بود برای این مجمع مشخص نبود که چه تعدادی از کاندیدها حذف خواهند شد و چه تعدادی دیگری را باید کاندید کنند، لذا امکان چاپ لیست وجود نداشت. به همین جهت لیست نهائی با تأخیر انتشار یافت. "جامعه" که یقین داشت کاندیدهای آن حذف نخواهند شد از قبل بر روشهای تبلیغاتی خود را تهیه و به محض آزاد شدن تبلیغات آنها را از طریق پست به خانه ها ارسال کرده و پوسترها را بر دیوارها نصب کرده بود. "جامعه" که از منابع مالی کافی برخوردار است مبلغ کلانی در اختیار اداره پست قرار داده بود تا آنها برگهای تبلیغاتی را بموقع به خانه ها برسانند. ائتلاف حاکم با بهره گیری از امکانات گسترده خود به تبلیغ وسیعی دست یازیده بود تا هم مردم را به میدان انتخابات بکشاند و هم برنده این انتخابات شود.

در جریان برگزاری انتخابات تقلب های صورت گرفته است که بخشا در مطبوعات و در نطق های قبل از دستور نمایندگان مجلس بازتاب پیدا کرده است. به نوشته روزنامه سلام تعداد آرای اخذ شده در چند شهر از جمله مراغه، ساری و گرگان بیش از تعداد واجدین شرایط حق رای در این شهرها بوده است. به گفته داود توحیدی نماینده بروجن بعضی ها بایک شناسنامه در شهر بروجن ۱۸ بار رای داده اند.

عصاالله مهاجرانی معاون رئیس جمهور در امور پارلمانی در مقاله ای در روزنامه اطلاعات، اتهامات جناح تندرو در مورد تقلبات انتخابی و درگیری نیروهای انتظامی با مردم را بی اساس خواند. رفسنجانی نیز در سخنرانی نماز جمعه کسانی که صحت انتخابات را زیر سؤال می برند مورد انتقاد قرار داد.

در این دور انتخابات جناح حاکم به پیروزی قاطعی دست یافت. هم در تهران و هم در شهرستان ها. به گفته خیرگزاری ها ۷ درصد افراد منتخب از آن جناح حاکم است و اکثر کاندیداهائی که به مرحله دوم راه یافته اند وابسته به این جناح می باشند. روزنامه تهران تایمز اعلام نموده است که ۵۲ نفر از کاندیداهای جناح حاکم در شهرستان ها در دور اول رای آورده اند. به گفته خبرگزاری ها از ۱۳۵ نفر منتخب، تنها ۱۲ نفر معروف به حمایت از جناح تندرو هستند.

در تهران رقابت بین دو جناح فشرده بود و بالنتیجه آرای بین آنها تقسیم شده بود. تنها دو نفر که یکی از آنها کاندید مشترک هر دو جریان بود توانستند در دور اول به مجلس راه یابند. نفر اول حدود ۹۲۷ هزار (۵۵/۱ درصد) و نفر دوم ۶۷۹ هزار (۳۹/۵ درصد) و نفر پنجاه و ششم نزدیک به ۸۲ هزار رای آوردند. در مقایسه با

انتخابات دوره قبلی میزان آرای به شدت افت کرده است. جناح راست از تهران در این دور دو نفر را به مجلس فرستاد ولی از ۵۶ نفر مانده برای دوره دوم از نفر اول تا ۲۹ (بجز نفر مورد ۲۸) کاندیدهای این جناح هستند. نفر ۲۸ و از نفر ۳۰ تا ۵۶ (بجز نفر ۵۳ و ۵۵) از "مجمع" هستند. افراد سرشناس این جناح نظیر کربوبی و خویننی ها در ردیف ۳۲ قرار دارند.

کاندیداهای خانه کارگر (بجز سه مورد مشترک با "مجمع") رای نیاوردند. از بین منفردین ها که اکثریت کاندیدها را تشکیل می دادند تنها یک نفر به دور دوم راه یافت.

این مسئله نشان می دهد عناصر معتقد به نظام جمهوری اسلامی که از صافی شورای نگهبان هم گذشته اند، زمانی که در لیست جناح ها قرار ندارند، نمی توانند به مجلس راه یابند و تنها لیست های دو جناح امکان کسب آرا دارند. در شهرستان ها امکان رای آوردن برای منفردین بیشتر است.

نتیجه دور اول انتخابات نشان می دهد که "جامعه" در دور دوم هم باید با رقیب دست و پنجه نرم کند ولی با این وجود ائتلاف حاکم بطور قطعی انتخابات را برده است. در این مرحله انتخابات در حقیقت آنچه رای آورده در مجموع جناح ها بوده است نه افراد. چرا که موقعیت سیاسی و اجتماعی عده ای از کاندیدهای سرشناس تندروها قابل قیاس با برخی از کاندیدهای جناح حاکم نیستند در حالیکه آنها رای بیشتری را اخذ کردند.

انتخابات بازتاب های مختلف در مطبوعات داشت. روزنامه کیهان از قتل آرای "چهره های خوب انقلاب و کشور" اظهار تاسف کرد و روزنامه جمهوری اسلامی نیز از نتایج انتخابات ابراز نگرانی کرد و نوشت آنچه به روشنی قابل رویت است نه پیروزی یک جناح بر دیگری بلکه پیشی گرفتن افرادی است که در میدان مبارزت نبوده اند و هیچکس نمی تواند از اینکه چهره های مبارز در دور اول انتخابات وارد مجلس نشده اند خوشحال باشد. روزنامه جمهوری اسلامی از اینکه ۵۶ درصد انتخابات شده ها چهره های جدید هستند چنین نتیجه گرفت که جناح هاباید مناقشات خود را کنار بگذارد.

ترکیب افراد منتخب و کسانیکه به دور دوم راه یافته اند، هنوز بلحاظ گرایشها چندان روشن نیست. در این لیست معلوم نیست از نمایندگان منتخب روحانیت مبارز چه تعدادی بطور مشخص جزو جناح راست هستند و چه تعدادی طرفدار خط رفسنجانی. عده ای از افرادی که به طرفنداری از رفسنجانی مشهورند در لیست کاندیدهای تهران قرار داشتند. در جریان مجلس آتی صف بندی بین این دو، روشن تر و مشخص تر خواهد شد هنوز زود است که بتوان در این زمینه ارزیابی معینی ارائه داد. ولی آنچه مسلم است در مجلس آتی اکثریت مطلق نمایندگان جزو جناح حاکم خواهند بود و مواضع آن و ریاست مجلس، میثت رئیس و روسا و اکثریت کمیسیون ها از آن این جناح خواهند شد.

کیهان در کجا قرار دارد؟

گرایشها و جناحهای موجود در حکومت جمهوری اسلامی هنوز بصورت احزاب سیاسی برنامہ در نیامده است. گرچه این جناحها مدتی است که از نهادهائی بنام "جامعه روحانیت مبارز" و مجمع روحانیون مبارز، تجسم یافته اند، ولی این نهادها ساختار حزبی ندارند و در برگیرنده تمام نیروهای جناحها نبوده و فاقد ارگان مطلوباتی هستند.

در چنین وضعی گاه روزنامه ویا نشریه ای حالت ارگانی پیدا می کند و عملاً سخنگوی جناح معین می شود. جناح رسالت با وجود اینکه فاقد تشکل حزبی است ولی روزنامه رسالت در حقیقت ارگان مطبوعاتی آنست. دیدگاههای آن را بازتاب می دهد. روزنامه سلام هم کمابیش چنین وضعیتی پیدا کرده و به ارگان جناح تندرو تبدیل شده است.

برخی روزنامه ها گرچه حالت ارگانی ندارند ولی از گرایش معینی دفاع می کنند. روزنامه کیهان سالها در چنین وضعی قرار داشت ولی در عین حال تعدادی از مطبوعات تلاش می کنند که از گرایشهای جناحی تبعیت نکنند و ضمن دفاع از نظام و ولی فقیه، مستقلانه موضع بگیرند.

نقدان احزاب سیاسی و پراکندگی در صفوف جناحها بلحاظ سازمانی، نقش روزنامه ها را بالا برده است. روزنامه ها هم نقش تبلیغی و ترویجی پیدا کرده اند و هم نقش سازمانگری. با توجه به تأخیری که روزنامه های حکومتی در شرایط نقدان روزنامه های مستقل و ارگان های سازمان سیاسی اپوزیسیون بر حیاب سیاسی کشور دارند، شناخت مواضع و جایگاه هر یک از آن دارای اهمیت است و ما را در تبیین تحولات در درون حکومت یاری می رساند.

* * *

کیهان قبل از انقلاب بیشترین تیراژ را در بین روزنامه ها داشت و موقعیت بهتری در بین خوانندگان کسب کرده بود. موسسه کیهان نیز بزرگترین موسسه مطبوعاتی بحساب می آمد. این وضع بعد از انقلاب تاکنون ادامه یافته است و با وجود انتشار روزنامه های دیگر، هنوز کیهان در موقعیت برتر قرار داشته و خواننده بیشتری دارد. کیهان قبل از انقلاب با وجود اینکه خصوصی بود ولی همواره از مواضع رژیم شاه دفاع میکرد. بگونه ای که کیهان و اطلاعات در محافل سیاسی ارگان های غیر رسمی حکومت قلمداد میگردید. در عین حال در روزنامه کیهان عناصر دموکرات و چپ هم کار میکردند که برخی از نوشته های آنها چاپ میشد. این موسسه بعد از انقلاب صادره شد ولی جزو مالکیت دولت در نیامد. با انتصاب خاتمی (وزیر فرهنگ و ارشاد) به عنوان سرپرست کیهان توسط خمینی، این روزنامه به روزنامه حکومتی تبدیل گردید. کیهان همواره از نظام جمهوری اسلامی، مواضع خمینی و دولت موسوی دفاع مینمود و چهره ضد سرمایه داری و ضد گشورهای غربی داشت.

کیهان در این سالها ارگان جناحی نبود ولی همان مواضع خط امام را داشت و خود را با آن تنظیم میکرد. بعد از مرگ خمینی

و تحولات در رای حکومتی، کیهان هم چنان در موضع دفاع از خط امام باقی ماند بگونه ای که تدریجاً به صورت ارگان غیر رسمی جناح تندرو تبدیل شده بود.

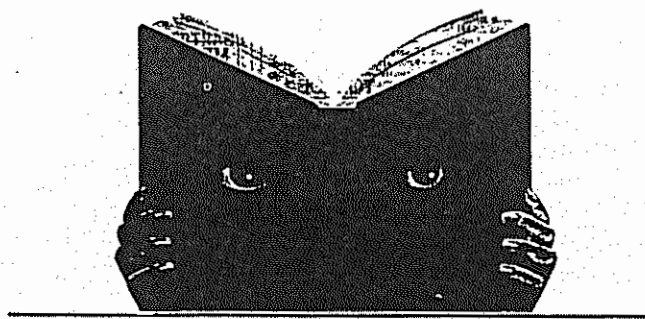
وضعیت در مطلع انتخابات مجلس خبرگان تغییر یافت. تندروها زمانی که دیدند ائتلاف حاکم آنها را کنار گذارده است حملات خود را با تشدید نمودند. این حملات سرانجام بطور غیرمستقیم و مستقیم متوجه خامنه ای شد. کیهان باین مسئله تن در نداد و نپذیرفت که در حمله به خامنه ای با تندروها همراه شود. لذا خط خود را در این مورد از تندروها جدا کرد و اعلام نمود که زیر سؤال بردن ولی فقیه به معنی نفی جمهوری اسلامی است.

کیهان بعد از آن کوشید که از حالت ارگانی فاصله بگیرد و چهره دیگری برای خود بسازد و با وجود اینکه در یکسوی زمینه ها با تندروها هم موضع بود ولی تدریجاً از آنها دور شده در موارد زیادی بدفاع از دولت رفسنجانی برخاست ولی در مواقعی موضع انتقادی خود را هم حفظ نمود.

از جمله آنها موضع کیهان نسبت به مسائل فرهنگی بود. کیهان در تبعیت از سازمان تبلیغات اسلامی، پرچم "تعمیم فرهنگی دشمن" را برداشت و حجم زیادی از مطالب خود را باین موضوع اختصاص داد. کیهان یکبار در مبارزه پیگیر با "شرکت های مضاربه" به موفقیت هایی دست یافته بود.

این بار همان شیوه را بکار بست و "تعمیم فرهنگی" را به یک مسئله مهم حاکمیت تبدیل نمود. کیهان در مسئله فرهنگی از موضع بشدت واپس گرایانه و سرکوب گرانه برخورد کرده و کینه فوق العاده شدیدی را نسبت به نویسندگان و هنرمندان غیر مذهبی و گاه حتی مذهبی نشان میدهد. پایه تحلیل کیهان این است که دشمن در هر صه سیاسی و اقتصادی نتوانسته است جمهوری اسلامی را بشکست بکشاند، این بار از در مسائل فرهنگی وارد شده است. بنظر گردانندگان این روزنامه، فعالیت روشنفکران فیروابسته به رژیم همده ترین خلع در این زمینه بحساب میامد. نوک حمله کیهان متوجه سیاستهای وزارت ارشاد اسلامی و در راس آن خاتمی است.

کیهان مرتباً آثار نویسندگان غیر مذهبی را بعنوان کتب ضاله معرفی میکند و با انتخاب نقل قولهای مورد نظر خود، آنها را بعنوان کتابهایی که علیه ارزشهای جمهوری اسلامی است قلمداد میکند. هم چنین نشریات فیروابسته به رژیم و حتی روزنامه ها و مجلات وابسته به نیروهای حکومتی را که بازتر برخورد میکنند، مورد حمله قرار میدهد. در حقیقت کیهان که



نتایج و پیامدهای انتخابات

با وجود آنکه سرنوشت نصف بیشتر کرسیهای نمایندگی مجلس در انتخابات اخیر به دور دوم کشیده شد و حکومت مجبور است یکبار دیگر برای گشاندن مردم به پای صندوقهای رای همچنان تقلا کند، اما می توان گفت نتایج انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی دیگر روشن شده است. جناح حاکم حکومت اسلامی با اکثریتی تقریباً دور از انتظار مجلس را از دست رقبای حکومتی خود خارج کرد. گفته می شود از ۱۳۳ نفر نماینده که در دور اول به مجلس راه یافته اند، تنها ۱۲ نفر در شمار کاندیداهای مورد حمایت تندروهای حکومت اسلامی بودند. در تهران ترتیب آرا کاندیدها در دور اول انتخابات، نشاندهنده شکست کامل "خط امامیها" در جنگ قدرتی است که از بعد از انتخابات مجلس شورای اسلامی میان دو جناح از حکومت در جریان بود. کاندیداهای تندروها در تهران که جزو افراد سرشناس این جناح محسوب می شدند از بابت میزان آرا در ردیف های آخر قرار دارند. و اگر همین تناسب آرا در دور دوم انتخابات نیز - که ۱۸ اردیبهشت ماه برگزار می شود، حفظ شود، تقریباً همه کاندیداهای تندرو حذف خواهند شد.

اما شکست "خط امامیها" بواقع پیروزی جناح رفسنجانی هم نبود. هر چند که آنها با این انتخابات، یک پیروزی دیگر در قبضه اهرمهای قدرت توسط خود بدست آوردند. عدم استقبال مردم از انتخابات هلیبرشم آنهمه تلاش و تقای رژیم، در عین حال شکست سختی نیز برای رفسنجانی و خامنه ای بود. نتایج انتخابات در تهران در این زمینه مثال بسیار گویایی است. نزدیک به ۶۰ درصد افراد دارای حق رای در تهران، در انتخابات شرکت نکردند. و اینکار نشانه آشکاری اهتمادی آنها به دل رژیم و پیشاز همه به رفسنجانی و اطرافیان اوست. بی جهت نبود که نگرانی عمده رفسنجانی و خامنه ای در این انتخابات نه سرنوشت جنگ قدرت آنها با رقبایشان - که پیشاپیش روشن بود - که چگونگی استقبال مردم از انتخابات بود.

و اما چرا خط امامیها در این کشاکش با رقبای خود شکست خوردند؟ با اینکه تقلب و رای سازی دست اندرکاران در حکومت اسلامی امریست روشن و نشانه هایی از آن در مطبوعات حکومت هم بازتاب پیدا کرد و با آنکه عدم برخورداری خط امامیها از امکانات تبلیغی و اعمال نفوذ برابر با طرفداران جناح حاکم تأثیر جدی در نتایج آرا

نفر از شخصیت های سیاسی به رفسنجانی، دستگیر شده بودند. بازداشت آنها بازتاب وسیعی در سطح بین المللی و در داخل کشور است. در گزارش های گالیندو پل به این گروه بازداشتی توجه ویژه ای شده بود. اخیراً نهضت آزادی در بیانیه ای اعلام کرده بود که بخاطر محدودیتهائی که برای فعالیت این جریان ایجاد شده در انتخابات مجلس شورا شرکت نخواهد کرد. ابراهیم یزدی در مورد علت آزادی یاران خود

آزادی ۸ تن از اعضا نهضت آزادی

۸ تن از اعضای نهضت آزادی که در زندانهای جمهوری اسلامی بسر می بردند، یک هفته قبل از برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی آزاد شدند. این عده در اوایل سال ۱۳۶۹ در پی انتشار نامه سرگشاده به امضای ۹۵

خبردار داشته باشد، می خواهند همه گذشته رژیم و آنهمه بدبختی و مصیب را بحساب این جماعت دست از همه جا کوتاه "تندرو" بگذارند.

در محال انتخابات "پرماجرا"، برگزار شد و اگر رفسنجانی و خامنه ای چشم بر واقعیات نتایج انتخابات بپوشانند، می توانند به این خوش باشند که در تلاش سه ساله خود برای قلبه بر بحران ساختار قدرت در حکومت اسلامی به یک پیروزی بزرگ دست یافته اند. این پیروزی در زمینه های دست و بال آنها را برای پیشبرد سیاستهایشان خواهد گشود. اصلاحات اقتصادی رفسنجانی از قبیل واگذاری صنایع به بخش خصوصی، حذف سوبسیدها، آزادسازی نرخها و کاهش کنترل دولت در اقتصاد کشور تسریع خواهد شد. در سیاست خارجی و جلب کمک های مالی خارجی نتایج انتخابات چه بسا بیشتر موثر افتد. اهمیتی که شرب به نتایج انتخابات ایران می داد و واکنش جانبدارانهای که قرب نسبت به پیروزی طرفداران رفسنجانی در انتخابات از خود نشان داد، می تواند دستاوردهائی برای دولت رفسنجانی دربر داشته باشد. اما مشکلات و مصائب جامعه و بحران همه جانبه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور همچنان لاینحل باقی مانده و با این انتخابات تشدید هم خواهد شد. تورم و گرانی و فقر و تنگدستی مردم که نتیجه تاکنونی اصلاحات رفسنجانی در زندگی روزمره مردم است، ادامه یافته و با سرعت گیری برنامه ائتلاف حاکم، تشدید خواهد شد.

با حذف تندروها از مجلس که عملاً به حضور موثر آنها در ارگانهای اصلی قدرت پایان داد و تمرکز قدرت در دست یک جناح بخش دیگری از جامعه را که جزو "حزب اله" و نیروی خود رژیم هم است، از حکومت دور خواهد کرد. بحران سیاسی ناشی از تمرکز انحصاری قدرت و استبداد و نقدان آزادی و امنیت در کشور تشدید شده و بی باوری و بی اطمینانی مردم نسبت به حکومت و پیشاز همه نسبت به رفسنجانی افزایش خواهد یافت. پیامدهای این انتخابات گریبان رفسنجانی را خواهد گرفت. دیگر "مجلس ناهمگون" و مجلسی که "چوب لای چرخ دولت می گذارد" وجود ندارد و زمامداران کنونی و قبل از همه رفسنجانی بی هیچ بهانه و با کمترین امکان هوام فریبی و توهم پراکنی در برابر مردم و انبوه مصائب و مشکلات جامعه قرار خواهد داد. بنابراین ماجراهای اصلی این "انتخابات پرماجرا"، هنوز پیش روست و اگر ماجراهای تاکنونی این انتخابات دلخواه حاکمان و بیشتر ساخته و پرداخته خود آنها بود، بعید بنظر می رسد ازین پس چنین باشد.

می گوید: "آزادی ۸ عضو نهضت آزادی در صورتی که به نهضت اجازه فعالیت قانونی داده شود می تواند علامت انعطاف حکومت ایران در قبال اپوزیسیون لیبرال" باشد. علاوه بر عبدالله نوری در مصاحبه با خبرنگاران خارجی قبل از انتخابات اعلام داشت که پرونده نهضت آزادی در کمیسیون ماده ۱۰ مربوطه به احزاب در دست بررسی است و در آینده و نزدیک در این مورد تصمیم گیری خواهد شد.

نفر از شخصیت های سیاسی به رفسنجانی، دستگیر شده بودند. بازداشت آنها بازتاب وسیعی در سطح بین المللی و در داخل کشور است. در گزارش های گالیندو پل به این گروه بازداشتی توجه ویژه ای شده بود. اخیراً نهضت آزادی در بیانیه ای اعلام کرده بود که بخاطر محدودیتهائی که برای فعالیت این جریان ایجاد شده در انتخابات مجلس شورا شرکت نخواهد کرد. ابراهیم یزدی در مورد علت آزادی یاران خود

از میان رویدادها

بهنی نفت

اندکی افزایش یافت

گزارش خبرگزاری رویتر حاکی است کشورهای عضو اوپک نتوانسته‌اند تولید نفت را تا حد ۲۲ میلیون و ۹۸۰ هزار بشکه در روز کاهش دهند. این رقم، سقف تولیدی بود که در ماه فوریه در کنفرانس ژنو مورد توافق وزیران نفت کشورهای عضو اوپک قرار گرفته بود. به گزارش خبرگزاری رویتر، عربستان سعودی در ماه گذشته میلادی روزانه ۸/۵۹ میلیون بشکه نفت تولید کرد در حالی که سهمیه آن کشور تنها ۷/۸۸ میلیون بشکه بوده است. طی همان ماه تولید نفت ایران اگرچه به ۳/۳۵ میلیون بشکه کاهش یافت ولی با سهمیه‌اش که ۳/۱۸ میلیون بشکه است همچنان فاصله دارد.

با وجود فزونی عرضه نفت به بازار، طی ماه آوریل بهای نفت کمی افزایش یافت و به بشکه‌ای ۱۸/۸۸ دلار رسید. نظر کارشناسان نفتی بر اینست که بحران ناشی از مجازات لیبی و کاهش نسبی تولید عربستان و ایران از جمله عوامل این دگرگونی بوده‌اند.

ضبط ۵ تن تریاک در بلوچستان

در بلوچستان درگیری سنگینی میان نیروهای انتظامی و یک گروه از قاچاقچیان مسلح روی داد. محل این درگیری، منطقه‌ای در جاده خاش-زاهدان بود. درگیری این درگیری که ساعتاً به طول انجامید قاچاقچیان با بجا گذاشتن ۵ تن تریاک و بخشی از تجهیزات خود عقب‌نشینی کردند. در میان تجهیزات جنگی بجا مانده از قاچاقچیان چندین قبضه آر پی جی، موشک سام و گلوله‌های توپ ۱۵۷ دیده می‌شود. در ماههای اخیر درگیری میان مأمورین انتظامی و گروههای مسلح در سه استان جنوب شرق کشور بلوچستان ادامه یافته است. تاکنون در استانهای بلوچستان، هرمزگان و کرمان دهه زیادی از مأمورین انتظامی به قتل رسیده‌اند. گروههای مسلح از تجهیزات پیشرفته، سلاحهای سنگین و نفرات زیاد برخوردارند.

۵ تن از عاملان سرقت های مسلحانه اعدام شدند

فرمانده ناحیه انتظامی آذربایجان قریب اعلام کرده است که در سال هفتاد ۲۳ نفره راه‌بندان و سرقت مسلحانه در سطح استان روی داده است بگفته او کلیه عاملان آنها دستگیر و پنج نفر از آنان نیز پس از محاکمه، اعدام شدند.

در این سال پنج هزار و سیصد و هشت کیلو نفرین از قاچاقچیان کشف شده است که این میزان چهارصد کیلو بیشتر از سال ۷۹ بوده و تعداد قاچاقچیان دستگیر شده به ۲۸۶ نفر رسیده است که ۱۵۹ نفر بیشتر از سال قبل بوده است.

این گزارش نشان میدهد که با وجود شدت حمل رژیم جمهوری اسلامی و تداوم اعلام‌ها، قاچاق مواد مخدر و راه‌بندان و سرقت مسلحانه همچنان در حال افزایش است.

رئیس جمهور اوکرائین در تهران

دیدار با هیئتی از مقامات اوکرائینی گفت قرار است شرکت مشترکی از سه کشور ایران، اوکراین و آذربایجان تشکیل شود. از سهام این شرکت ۴۵ درصد به هر یک از دو کشور ایران و اوکراین و ۱۰ درصد باقیمانده متعلق به آذربایجان خواهد بود. این شرکت وظیفه خواهد داشت طی سه سال خطلوله‌ای به قطر ۵۶ اینچ از ایران به اوکراین بکشد و در این زمینه مجاز است از منابع مالی بین‌المللی نیز سود جوید.

رفسنجانی در دیدار با کراچوک از استقلال اوکراین و

تحوالات در شوروی سابق ابراز خوشنودی کرد و بر زمینه‌ای موجود برای گسترش روابط مابین دو کشور به خصوص در زمینه اقتصادی تاکید نمود. ایران و اوکراین از روابط خوبی بویژه در زمینه دادوستد تجهیزات جنگی برخوردارند، از جمله جمهوری اسلامی از اوکراین می‌توان به سه زیر دریایی اشاره نمود. در این دیدار روسای جمهور دو کشور مکرراً بر روابط حسنه مابین ایران و اوکراین و اهمیت این روابط تاکید کردند.

تیم کشتی آزاد ایران بر سکوی قهرمانی آسیا

یک مدال نقره و ۳ مدال برنز نیز بدست آوردند. تیم چین با ۲ طلا، یک نقره و ۲ برنز و مجموع ۶۴ امتیاز سوم شد. ژاپن، تایوان و

در مجموع تیم ایران با کسب ۹۲ امتیاز بر سکوی قهرمانی ایستاد. تیم‌های کره جنوبی با ۷۲ امتیاز و ژاپن با ۶۸ امتیاز به



رسول خادم در مقابل کشتی گیر مغول در فینال ۸۲ کیلو کشتی آزاد

مقام‌های دوم و سوم رسیدند و هندوستان، چین و مغولستان به عنوان های چهارم تا ششم دست یافتند. در کشتی فرنگی تیم ایران با کسب ۹۰ و ۷۴، ۶۸، ۶۲ و ۶۰ کیلوگرم بودند. تنها نقره ایران را علی خوش‌طینت در ۸۲ کیلوگرم به سینه آویخت. ایران در ۳ و ۵۲، ۵۷ و ۱۰۰ کیلوگرم توسط محمد جهانپور، حمید صمدی و جابر عباسی زاده به مدال برنز رسید.

در کشتی فرنگی تیم ایران با تنها یک امتیاز کمتر به نایب قهرمانی رضایت داد. کره جنوبی با کسب ۲ مدال طلا و ۳ نقره و ۵ برنز و مجموعاً ۸۷ امتیاز به سکوی قهرمانی تکیه زد. مدال‌های طلای فرنگی کاران ما دوبرابر رتبه مشابه کره جنوبی بود. کشتی‌گیران ایرانی علاوه بر آن

تهدید به حمله هوایی مجدد به عراق

از سوی دیگر مطبوعات تهران گزارش‌هایی منتشر کردند دال بر اینکه پرواز هواپیماهای عراقی در مقابل با هواپیماهای ایرانی مغایر موافقت نامه آتش‌بس میان آمریکا و عراق بوده است. مطبوعات تهران تاکید کردند وزارت دفاع آمریکا از پرواز مقابل جویانه هواپیماهای عراقی نگران شده است. مبادله باقیمانده اسیران جنگی ایران و عراق به رغم توافق اولیه همچنان متوقف مانده است.

ترکیه تجارت مرزی با ایران را ممنوع کرد

محصولات کشور ترکیه، در فروشگاهیهای آن به فروش میرسد. در شش ماه اخیر دولت ترکیه هراز چندگاه در مقررات تجاری مرزی با ایران تجدیدنظر میکند. در ترکیه قیمت کالاها بخاطر هزینه‌های بالای تولید و تورم سرسام‌آور بالاتر از کالاهای وارداتی ایران است.

در پی تجاوز هوایی جمهوری اسلامی به عراق و بمباران مقر سازمان مجاهدین، دولت عراق به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد. شورای امنیت در اجلاس ۱۷ فروردین از اعلام نظر نسبت به این تجاوز خودداری کرد و بجای آن دفاتر سازمان ملل در تهران و بغداد را مأمور بررسی این مسئله کرد. کمال خرازی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل با ابراز خشنودی از این تصمیم دولت عراق را به حملات مجدد تهدید کرد.

دولت ترکیه بار دیگر واردات کالاهای مختلف ایران از طریق تجارت مرزی را ممنوع کرد. براساس این تصمیم واردات خشکبار، میوه و سبزیجات، پشم‌شیشه، مواد شوینده و نمک ایران ممنوع گردید. طی چند ماه گذشته این نوع محصولات بدلیل کیفیت بهتر و مناسب بودن قیمت آنها نسبت به

از زندگی در دناک مردم

نان جو و سرکه

تنها غذای یک خانواده

بخش‌هایی از صحبت خرم استاندار هرمزگان در یکی از جلسات اداری استان: «وضعیت طوری است که طبق آمارهایی که اخیر تهیه شده بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ خانوار تنها یک شلوار گرمکن و یا جوراب برای عید راضی هستند اما خرید آن در توانشان نیست»

یک مورد که خود من شاهد بودم یک مادری از خانواده شهداست و سه بچه صغیر دارد و ما فهمیدیم که این مادر ۴۰ شبانه روز به این بچه‌ها نان و آب گوچه فرنگی میداد و اخیراً اظهار ناتوانی کرده و گفته است همین نان و آب گوچه هم ندارم به بچه‌هایم بدهم یا به ما کمک کنید و یا ما تا چند روز دیگر میمیرم!

چندی پیش مادر یک خانواده‌ای وقتی شایعه گرانی نان را شنیده بود که قرار است ۲ تومان شود گفته بود در آن صورت ما چه خاکی برسرم! من که یک مادر هستم و با رختشویی در خانه مردم خرج خانواده‌ام را تامین می‌کنم الان ماهی ۱۸۰۰ تومان پول نان میدهم اگر این مبلغ دو برابر شود من از کجا بیاورم؟ (روزنامه سلام - ۱۱ فروردین ماه ۱۳۷۱)

فقر و فلاکت کارمندان

فقر و فلاکت کارمندان از زبان نماینده مجلس شورا: «بر اساس مطالعات انجام شده، حداقل هزینه یک خانوار شهری ۲ نفره در سال ۱۳۶۹ بطور متوسط حدود ۱۵۲۶۲۷ ریال در ماه برآور گردیده است که اگر کارکنان با درآمدی کمتر از این رقم را فقر بنامیم نتیجه خواهیم گرفت که بیش از ۹۰ درصد کارکنان دولت زیر خط فقر زندگی میکنند و بطور کلی میتوان گفت که اکثر بخواهیم بر اساس تبصره ۲۲ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در جهت تثبیت قدرت خرید کارکنان به میزان ۱۳۵۸ گام برداریم، ضرورتی بایستی حقوق و مزایای کارمندان در سال ۶۹ شش و نیم برابر حقوق و مزایای سال ۵۸ اضافه نمایم» (ملی هوش زاده نماینده شیروان).

از حرف‌های مردم

* «گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من!... گرانی وحشتناک شده آقایان! مرغ هفته قبل ۱۷۵ تومان بوده، این هفته شده ۲۲۵ تومان!! این گرانی کمر قشرم درآورد و متوسط را دارد می‌شکند» (از تلفن‌های مردم به روزنامه سلام - ۲۸ اسفند ۱۳۷۰).

* «رحمت فرموده ما رامس کنید!! آقا این خبر افزایش حقوق بعد از چند سال "شل کن سفت کن" بالاخره کار خودش را کرد. یعنی قیمت‌ها مثل نواره بالارفت و بعید است سرنگون شود!! اجناس و کالاهای مورد نیاز با این خیریکدفعه بالارفت و بعددوستان خبر را تکذیب و لایحه را مردود اعلام کردند. قیمت‌ها اما، همچنان بالااست» (همان منبع).

آهی که از دل برآید

* «بیمار بازنشسته، با ۶۰ ساله و تحمل مخارج ۳ دختر دانش آموز، در حالی که بریده روزنامه را در دست داشت. درمانده و رانده از همه جا به گمان اینکه "ملی آباد" هم شراست، آمده بود غم‌هایش را با ما قسمت کند و بگوید که: "دریافتی ماهانه‌ام، در این گرانی و تورم فقط ۶۴۸۷۷ ریال است هیچ پس‌اندازی هم ندارم که بتوانم با آن بیماریم را علاج کنم. به دکتر متخصص مراجعه کردم دفترچه بیمه‌ام را قبول نکرد و ویزیت

۲۵۰ تومانی‌اش را دادم. پس از عکس برداری و سونوگرافی معلوم شد فده‌ای دز پروستات دارم که باید عمل شود از من برای عمل ۴۵ هزار تومان و هزینه بیمارستان ۱۰ هزار تومان طلب کردند نداشتیم که ببردارم. متأسفانه وسایل قیمتی منزل هم ندارم که آنرا بفروشم و خرج بیمارستان کنم. این بیماری سخت عذابم میدهد ولی مجبورم با آن بسازم و درد را تحمل کنم... گفتم ما نیز جز اظهار

همدردی و تاسف، درمانی و راه علاجی نشان نداریم مگر اینکه باز هم توصیه کنیم به بیمارستانهای دولتی مراجعه کنی. شاید با هزینه کمتری بتوانی درد را درمان کنی. گفت: "فعلاً که درها از همه سو برابم بسته است و به علت فقر مالی با درد و رنج دست به گریبانم و جز "آه" چیزی ندارم که با "ناله" سودا کنم...» (کیهان ۱۹ اسفند ۱۳۷۰)

بمناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

سال ۱۳۷۰

سال اعتراضات پر شمار مردمی

بمناسبت روز جهانی کارگر

پیام شورای مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اسلامی کار است. با تصویب قانون کار، نه تنها قانون شوراهای اسلامی لغو نشده بلکه انجمن های اسلامی نیز بمثابة یکی از «تشکلهای کارگری» تثبیت قانونی یافته است! هر چند در قانون کار، روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) بعنوان روز کارگر رسمیت و «قانونیت» یافته، اما مجموعه سیاستها و اقدامات رژیم در قبال کارگران و زحمتکشان، همچنان حاکی از بیگانگی رژیم با روح و اهداف انسانی اول ماه مه است؛ خودکامگی و آزادی ستیزی، تاریک اندیشی و جعل پروپیگندا، ترور و شکنجه، سانسور و تفتیش عقاید و انواع تحمیلات ارتجاعی دیگر بویژه علیه زنان و اقلیت های ملی و مذهبی، سیاهه های است از کارگرد روزانه این رژیم، در شرایطی که فشار ناشی از بحران اقتصادی هر روز چنانکه اثر می شود، تلاش جون آمیز رژیم برای افزایش هزینه های تسلیحاتی و تبدیل ایران به «ابر قدرت اسلامی» بی وقفه ادامه دارد.

اما این خودکامگی ها و این تشبیهات، بی پاسخ نمانده و نمی ماند؛ بی اعتنائی پرمعنا و چشم گیر مردم به فراخوان شرکت در انتخابات مجلس چهارم، افزایش تحرک محافل روشنفکری ایران در مبارزه فرهنگی، افزایش شمار اعتصابات و اعتراضات در واحدهای تولیدی و خدماتی کشور طی سال گذشته، افزایش نارضایتی و تظاهرات اعتراضی در دانشگاهها، افزایش واکنشهای اعتراضی مردم نسبت به فشار هزینه زندگی (از جمله واکنش موثر و موفق مردم تهران در برابر افزایش نرخ بلیط اتوبوسها) از جمله این پاسخهاست.

کارگران و زحمتکشان ایران! میهن ما امروز میرم تر از دیروز، نیازمند پاسخگویی درخور به خودکامگی رژیم آخوندی است. مبارزه در راستای آزادی و دموکراسی، برگزاری انتخابات آزاد و تامین مرجعیت مردم محور اصلی تلاش مشترک و حرکت هماهنگ اقشار گوناگون جامعه ما علیه رژیم کتونی است. مبارزه بخاطر تامین حقوق دموکراتیک و آزادی های سیاسی و سندیکایی، آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، حق اعتصاب، حق ایجاد و عضویت در تشکلهای سیاسی و سندیکایی، تضمین حق بازگشت آزادانه و امن مهاجران سیاسی، منع پیگرد بیخاطر عقیده و وجدان و دیگر آزادی های فردی و اجتماعی، مبارزه کرد.

کارگران مبارز! افزایش سطح دستمزدها متناسب با سطح هزینه زندگی، مقدم ترین خواست شایست و تامین حقوق صنفی و آزادی های سندیکایی - علیه رژیم تصویب قانون کار - همچنان در مرکز مطالبات جنبش سندیکایی قرار دارد. وظیفه مردم شما کارگران مبارزه برای افزایش سطح دستمزدها متناسب با سطح هزینه زندگی، مبارزه برای اصلاح قانون کار، لغو قانون شوراهای اسلامی کار، تامین حق برخورداری از تشکلهای صنفی مستقل، تامین حق اعتصاب، انتمال انجمن های اسلامی در همه محیطهای کار، تامین حق بیمه بیکاری با شرایط متناسب، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، بهبود وضعیت تعاونیهای مصرف و مسکن از طریق دموکراتیزه کردن ساختار اتحادیه های امکان و اسکان است.

فرخنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت اول اردیبهشت ۱۳۷۰

کارگران و زحمتکشان ایران! شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت، روز جهانی کارگر را بشما شادباش می گوید و میثاق مبارزه در راه رهایی زحمتکشان و محرومان از قید خودکامگی و بی عدالتی را، دیگر بار، با شما تجدید می کند.

روز کارگر را گرامی می داریم و این سنت کارگری را که از انگیزه ها، ارزشها و آرمانهای سوسیالیستی آکنده است، ارج می نمیم. تا زمانیکه استثمار و بی عدالتی، سيطرة طلبی و جهانخواهی، اجحاف و تبعیض و خودکامگی وجود در جهان هر صره جولان دارد، همبستگی قربانیان آن نیز پایا و پرمیزنا پذیر خواهد بود.

شکست تجربه سوسیالیسم در بلوک شرق، نظریه پردازان انحصارات سرمایه داری و منادیان «نظم نوین جهانی» - بروایت آمریکا - را مجال آن داد که نقی ضرورت وجودی جنبش کارگری و انکار موضوعیت احزاب چپ و اتحادیه های مستقل کارگری را تبلیغ کنند و انواع مظالم و محرومیت ها علیه کارگران و زحمتکشان را نیز یکسره، موهوم شمارند.

بسیار پیش تر از آنکه اردوگاه شرق فروپاشد، تأثیرات ژرف ناشی از انقلاب های علمی - فنی در جامعه، از جمله در ترکیب و ساختار طبقه کارگر، نیازها و وظایف کیفیتا نوینی را در مقابل جنبش کارگری قرار داده بود. رواج تبلیغات موهومی چون پایان یافتن رسالت اتحادیه های کارگری، بیک تعبیر، تاوان درک دیر هنگام این ضرورتهاست. پیکار روشنگرانه احزاب و سازمانهای چپ و دموکرات و تشکلهای سندیکایی، در توضیح نقش ضرور و جانفشان ناپذیر اتحادیه های کارگری در تحولات اجتماعی، یکی از مرصه های مهم مبارزه نیروهای چپ و دموکرات است.

مبارزه برای استقرار نظامی عادلانه در مناسبات بین المللی بویژه در مناسبات «شمالی و جنوب»، مبارزه برای تامین آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک بر پایه منشور حقوق بشر، مبارزه برای تثبیت صلح جهانی و مقابله با خطر بازگشت جنگ سرد و نیز ماجراجویی های منطقه ای، مبارزه علیه تخریب محیط زیست و مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی و دسترس پذیری تر کردن دستاوردهای دانش و فن برای توده های زحمتکش و محروم، از مرصه های اصلی مبارزه نیروهای مترقی و عدالت خواه و از اهم شعارها و وظایف جنبش کارگری است.

زحمتکشان هم میهن! سيطرة استبداد مذهبی در کشور ما، محرومیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زحمتکشان را تشدید کرده و حقوق دموکراتیک و آزادی های سندیکایی را، پایمال نموده است. بدیهی ترین حقوق سندیکایی، از جمله حق برخورداری کارگران و زحمتکشان از تشکلهای صنفی مستقل، پذیرفته نمی شود. اگر منادیان انحصارات سرمایه داری، از طریق انتقاد از جنبش کارگری و کار شکنی در امور تشکلهای مستقل آن، در صدد «تثبات» بلا موضوع بودن آن هستند، رژیم اسلامی حاکم بر ایران، از طریق نقی فیزیکی آنها کوشیده است به این هدف موهوم دست یابد.

علیرغم تصریح حق تشکیل انجمن های صنفی در قانون کار مصوب مجلس شورای اسلامی، هنوز یگانه قانون حاکم بر تشکلهای کارگری، قانون شوراهای

پناه حمایت نیروهای مسلح رژیم در صدد تخریب آلودگی های محلات حومه شهر برآمدند. این حرکت با مقاومت مردم روبرو شد که چندین ساعت به طول انجامید. مردم خشمگین در اعتراض به ویرانی آلودگی هایشان ماشین های

زحمتکشان محله باقرآباد تهران در اعتراض به تخریب آلودگی هایشان توسط شهرداری تظاهرات بزرگ دیگری برپا کردند. این تظاهرات به درگیری ۴ ساعته ای بین نیروهای انتظامی و زحمتکشان محله انجامید. در

امسال نیز زحمتکشان ایران، اول ماه مه روز جهانی کارگران و زحمتکشان، را در شرایطی گرامی می دارند که کوه سنگین فقر بر شانه های آنان سنگینی می کند. گرانی و تورم و هزینه های سرسام آور معیشتی، زندگی را بر آنان دشوار کرده و به جای هر اقدامی در جهت رفع دشواری های طاقت فرسا فقط به آنها وعده داده می شود و از آنها صبر و بردباری طلب می گردد.

اما صبر و بردباری مردم زحمتکش دیگر بتدریج جای خود را به اعتراض علیه وضع موجود میدهد. از مدتی پیش، کارگران و زحمتکشان هر چه بیشتری به جای دل خوش کردن به وعده های سران - رژیم به اعتصاب، تظاهرات و اعتراض روی می آورند. بنابه گفته حسین کمالی وزیر کار جمهوری اسلامی مندرج در نشریه انگلیسی «میدلایت اکونومیست» از بهار تا پائیز سال گذشته ۴ هزار مورد اعتصاب در صنایع و واحدهای تولیدی کشور روی داده است. فشار بر دوش زحمتکشان چنان طاقت فرسا است که چاره ای جز اعتراض باقی نگذاشته است. اعتصاب، تظاهرات و تحصن مردم بجان آمده، افزایش چشمگیری یافته و هر چه بیشتر به واقعیت هر روزه در زندگی جامعه تبدیل میشود.

در میان صدها حرکت اعتراضی سال گذشته مردم زحمتکش علیه فقر و گرانی، برخی از آنها ابعاد پراهمیتی یافتند. اعتصاب کارگران و کارکنان صنایع نفت یکی از این موارد بود. این اعتصاب که در روزهای پایانی دی ماه در پالایشگاه تهران آغاز شد و به برخی از پالایشگاهها در شهرهای دیگر نیز گسترش یافت، بزرگترین و مهمترین اعتصاب کارگری سال گذشته بود. منتگران به خاطر افزایش دستمزدها و برخی دیگر از خواسته های رنهای و هم چنین پذیرش حق تشکلهای آنان از سوی رژیم، برپا شد. این اعتصاب که در تهران با تحصن گروهی از کارگران همراه شد، انعکاس گسترده ای در کشور و خارج یافت و مقامات رژیم نیز به وقوع آن اعتراف کردند. منتگران موفق شدند تعدادی از خواسته های خود از جمله افزایش دستمزدها و حقوق ها را به رژیم تحمیل کنند.

از مهمترین اعتراضات سال گذشته، دو تظاهرات بزرگ در تهران بود. در تیرماه و در پی افزایش بلیط اتوبوسها مردم زحمتکش تهران دست به تظاهراتی زدند که چند روز ادامه یافت. در این تظاهرات مردم جوانان خشمگین در برابر مأمورین و پاسدارانی که قصد درهم شکستن تظاهرات آنها را داشتند، به مقاومت برخاستند و در چندجا آنها را مجبور به فرار کردند. به دنبال این تظاهرات دولت عقب نشینی کرد و بلیط اتوبوسها مجدداً ارزان شد. یک ماه بعد از این تظاهرات،



این تظاهرات و درگیری هزاران نفر شرکت کردند و علیرغم تیراندازی های قوای سرکوبگر، ماشین ها و وسایلی را که شهرداری برای تخریب آلودگی به منطقه آورده بود، منهدم ساختند و مانع اجرای نقشه های رژیم شدند.

مهرمان با این تظاهرات، مردم اصناف نیز تظاهراتی بر ضد رژیم برپا کردند. این تظاهرات بر ضد گرانی و حجاب اجباری صورت گرفت. تظاهرات هنگامی آغاز شد که مأمورین رژیم کوشیدند گروهی از زنان را به بهانه «بدحجابی» دستگیر کنند. این خودسری با مخالفت مردم روبرو شد و این مخالفت به تظاهراتی بزرگ انجامید. تظاهرکنندگان به چندین اداره و مرکز دولتی و بانک حمله بردند.

از زمستان سال گذشته تحریک تازه ای در جنبش توده ای پدید آمد و اعتراض و تظاهرات علیه گرانی، کمبود دستمزدها و حقوق ها و فقر و تنگدستی دامن گستر، گسترده تر شد. از آخرین نمونه های همده این سلسله اعتراضات، تظاهرات مردم در شیراز علیه گرانی بود. این تظاهرات که گروهی از معلولین جنگی نیز در آن شرکت داشتند روز ۲۷ فروردین به وقوع پیوست. مردم در این تظاهرات علیه گرانی شعار دادند و به چند موسسه دولتی حمله کردند. درگیریهایی نیز بین مأمورین انتظامی و مردم رخ داد.

شهر خرم آباد نیز ماه گذشته شاهد درگیری های گسترده زحمتکشان حاشیه نشین با مأمورین انتظامی بود. درگیری و تظاهرات زمانی رخ داد که مأمورین شهرداری خرم آباد در

دولتی را به آتش کشیدند. از جمله حرکات اعتراضی اخیر مردم و کارگران علیه گرانی و پایین بودن سطح حقوق و دستمزدها تظاهرات مردم مسجد سلیمان و چند شهر دیگر استان خوزستان علیه گرانی، اعتصاب در موسسه کیهان به خاطر افزایش دستمزدها و چندین اعتصاب دانشجویی بوده است.

فهرست کردن حرکات اعتراضی مردم در سال گذشته و حتی موارد نسبتاً مهم این اعتراضات بدلیل سانسور و اختناق حاکم بر جامعه و سکوت رژیم نسبت به اعتراضات مردم از یکسو و گستردگی تعداد این اعتراضات از سوی دیگر، ناممکن است. اما میتوان نتیجه گیری کرد که جنبش اعتراضی طی یک ساله گذشته از گستردگی قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است. به اعتقاد ما این روند در سال جاری نیز ادامه خواهد یافت. زیرا هیچ چشم اندازی در جهت بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم دیده نمی شود و با قدرت گیری بیشتر رفسنجانی و متحدین او باید منتظر فشارهای بیشتر از طریق حذف برخی از خدمات و کمک های دولتی به مردم کم درآمد و زحمتکش بود.

جنبش اعتراضی در ایران هنوز به یک جنبش توده ای گسترده و همومی تبدیل نشده است، اما به شواهد حاکی از آن است که زمینه های یک چنین جنبشی بتدریج فراهم می آید و مبارزه و مقاومت مردم در مقابل سیاست های دولت و کل رژیم به عاملی هر دم نیرومندتر در کشور ما تبدیل می شود. در آستانه روز جهانی کارگران و زحمتکشان این مهمترین و امیدبخش ترین واقعیتی است که باید بر آن انگشت نهاد.

اعتصاب رانندگان شرکت واحد

شرکت واحد را وادار سازند پرداخت ماهه التفاوت ۶۳ میلیون ریالی را متعهد شود. با این تعهد، رانندگان به اعتصاب پایان دادند و رفت و آمد اتوبوسها در تهران از سر گرفته شد. با وجود پایان اعتصاب در شرکت واحد، اعتراض دیگر رانندگان همچنان ادامه یافت. احتمال تبدیل این اعتراض به یک تظاهرات بزرگ مردم افزایش بیشتری پیدا می کرد. برای جلوگیری از تحقق این احتمال، یزدی رئیس قوه قضائیه ناچار گردید در روز ۲۳ فروردین اعلام نماید که دادگاهها مبلغ دیه را مطابق روال پیشین تعیین خواهند کرد. یزدی در گفتگو با خبرنگاران حاضر نشد پیرامون سخنان مقتدائی اظهار نظر کند.

ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۷۰ و ماده ۳ قانون سابق دیات مقرر می دارد: «چه قتل مرد مسلمان یکی از امور مشکیه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مجرم می باشد و تلفیق آنها جایز نیست: ۱- بکشد شرم سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد. ۲- دوست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد. ۳- بکشد گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد. ۴- دوست دست لباس سالم از حله های بدن ۵- بکشد دینار مسکوک سالم و غیرمقشوش که در دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است. ۶- در هزار درهم مسکوک سالم و غیرمقشوش. که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می باشد.»

پرداخت حق بیمه ای در این حد و نیز تامین مبلغ ۷۰ میلیون ریال در صورت حادثه منجر به مرگ، چه برای رانندگان و سایل نقلیه همومی و چه برای اکثریت قریب به اتفاق رانندگان و سایل شخصی ناممکن بود. ازینرو واکنش سریعی برانگیخت و برپایه آن اعتصاب شرکت واحد شکل گرفت. علاوه بر این عده زیادی از رانندگان وانت بار و مینی بوس در میادین تهران ویا در برابر دفاتر روزنامه های کثیرالانتشار تجمع کردند. آنها نیز خواهان لغو مقررات تازه گردیدند. در پی این حرکات اعتراضی، مدیرعامل شرکت واحد به مذاکره با رانندگان پرداخت. در این مذاکره رانندگان موفق شدند

پیرامون اوضاع سیاسی کشور

گزارش مصوب شورای مرکزی سازمان

آمریکایی همچنین سخن از چشم انداز جنگی میان ایران و عراق طرف ده تا پانزده سال آینده به میان آورده‌اند. این اظهارات که در ارتباط با تلاش جمهوری اسلامی برای افزایش زرادخانه خود بیان شده است عملاتی‌تری تهدید تهران است.

مجموعه این روندها تابلوی نگران کننده‌ای از منطقه بدست می‌دهد. آمریکا هم‌چنان به منطقه به عنوان تامین کننده بخش عمده‌ای از نفت جهان، چشم طمع دوخته و جمهوری اسلامی با ماجرایی و توسعه طلبی خود زمینه را برای شکل‌گیری کانون‌های خطرناک بحران در پیرامون ایران فراهم آورده است. از سوی دیگر هشت سال جنگ خانمانسوز با عراق به مردم ایران امکان می‌دهد باتکا به تجربه‌ای نزدیک، به مسائل مربوط به امنیت خارجی با چشمان بازتری بنگرند. مردم ما از جنگ بیزارند و شاید از این لحاظ یک گام تعیین کننده از مردم سایر کشورها منطقه جلوتر باشند. در ایران زمینه کمتری برای سوداگری جنگ افروزی که بخاطر توجیه استبداد خود همواره انگشت اشاره به دشمن موهوم یا واقعی خارجی دارند، دیده می‌شود. علاوه بر موضوع بنیادگرایی اسلامی تا آنجا که به جامعه ایران مربوط می‌شود یک پارادوکس است. در واقع آنچه که اکنون برای بسیاری از توده‌های مسلمان سرخورده از انواع راه‌حل‌های قومی، ملی‌گرایانه، فزایی و نیز الگوهای رشد مخالف سرمایه‌داری جذابیت پیدا کرده است، سیزده سال است که نحوس خود را در همه شئون زندگی مردم ایران نشان داده است. بنیادگرایی اسلامی اگر در خارج از ایران برای توده‌های کثیری یک آقا و یک امید تازه است، در دهن اکثریت مردم ایران یک پایان و یک درداست. رژیم جمهوری اسلامی اگر در خارج از ایران در موضع تهاجمی است در مقابل در درون کشور در موضع حفظ وضع موجود و به اعتباری در موضع دفاعی قرار دارد. هم استفاده از صدور اسلام برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات رژیم در داخل کشور منطبق دارد و هم احتراز از ماجرایی در سیاست صدور اسلام. برخی رگه‌های «واقع بینی» در سیاست خارجی تهران تهاجمی و تهاجمی نه ناشی از صلح طلب شدن ناگهانی آخوندهاست. بلکه تا حدی به حساب آوردن تحلیلی تهاجمی افکار همومی ایران به احتراز از جنگ طلبی و ماجرایی است. این زمینه مساعد برای امشی صلح دوستانه وجود دارد. از همین روست که اپوزیسیون دمکرات ایران باید پرچمدار این مشی باشد؛ سیاستی که در موارد زیر خلاصه می‌شود:

- احتراز از مسابقه تسلیحاتی، تلاش برای توافق با کشورهای منطقه بر سر کنترل و کاهش تسلیحات و نیروهای نظامی،
- انعقاد پیمان‌های جمعی عدم تجاوز و امنیت مشترک با حضور همه کشورهای منطقه بدون استثنا،
- چشم‌پوشی از هرگونه فرامتن طلبی از عراق و امضای قرارداد صلح دائمی با این کشور،
- تلاش برای گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با همه کشورهای منطقه و پیروی از سیاست مرزهای باز.

- کوشش در راه به اجرا در آوردن حقوق بشر در کشورهای منطقه و جلوگیری از پایمان شدن آن توسط حکومت‌ها.

بدیهی است که چنین مشی صلح طلبانه‌ای نمی‌تواند سیاست رژیم باشد که در داخل، حقوق بشر را زیر پا می‌گذارد و برای اراده و خواست مردم خود ارزشی قائل نیست، صلح و حقوق بشر پیوندی ناگسستی دارند، همانگونه که جنگ و سرکوب نیز د روی یک سکه‌اند. با این همه، مبارزه برای تحقق اصول نامبرده در سیاست خارجی نباید به بعد از پایان دادن به حیات حکومت سرکوبگر فقلی موکول شود. این اصول نیز مانند خواستهای روزمره مردم باید مورد تاکید و تبلیغ مداوم قرار گیرد. راه درست دفاع از منافع ملی در برابر توسعه طلبی کشورهای قدرتمند و به ویژه آمریکا پیروی از این اصول است که در صورت تحقق، خود بخود سد راه قلدر منشی و مداخله خارجی در امور منطقه خواهد شد.

نگاهی گذر بر سیر اوضاع کشور

تحولات سال‌های ۶۷-۶۵

برای درک روندهای جاری در کشور مروری کوتاه بر تحولات سال ۶۷ و سالهای بعد ضروری است. حاکمیت رژیم «ولایت فقیه» و سیاست‌های آن تا سال ۶۷ جامعه ما را با بحران عمیق اقتصادی، سیاسی و ساختار حکومتی مواجه ساخته بود. بخشی از سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی دریافته بودند که با تداوم سیاست‌های چندین ساله، ادامه جنگ ایران و عراق و تخریب شدید اقتصاد نمی‌توان حکومت اسلامی را زمان طولانی حفظ کرد و هرگاه دیر بجنبند قافله را خواهند باخت. سیاست‌های گذشته گرچه محصول کل نظام بود، ولی بحران رژیم، قبل از هر چیز به بن بست رسیدن مشی افراطی در حکومت

دادن به جبهه ضد کمونیستی بهره‌گیرد. اما شوروی حتی رودتراز موعدی که قرب انتظار داشت، فرو پاشید. آسیای میانه ناگهان در برابر هجوم ایدئولوژیک بنیادگرایی اسلامی بی دفاع ماند. از نظر بسیاری از نظریه پردازان غرب، خطای نیمه ترن بیستم تکرار شده است: «همانگونه که تمرکز قوا علیه فاشیسم، باعث شد تا قدرت عظیمی در قامت «سوسیالیسم واقع موجود» سر بر آورد، تلقی کردن کمونیسم بعنوان دشمن اصلی و کم‌بها دادن به خطر اسلام ستیزه جو خطر رویا رویی با قدرت جدیدی بنام بنیادگرایی اسلامی را ایجاد کرده است».

از جمله عواملی که باعث شده است آمریکا در تلاش برای حل و فصل مسائل میان اسرائیل و کشورهای عربی همسایه آن شتاب نشان دهد، احساس همین خطر است. حالت نه جنگ و نه صلح فعلی در خاور نزدیک، یکی از عوامل عمده ارتزاق افراطی گری اسلامی است. رژیم‌های عرب اگر بتوانند امتیازهای مشابهی مانند پس گرفتن صحرای سینا را کسب کنند، از نظر واشنگتن در برابر افراطی گری اسلامی مصونیت بیشتری خواهند داشت. در ایالات متحده، حامیان اسرائیل نفوذ سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای دارند که مانع تحرک سیاست این کشور در قبال خاور نزدیک است و نمی‌گذارد ایالات متحده فشار لازم را برای امتیاز گرفتن از اسرائیل به این کشور وارد کند.

اروپا، که تا چندی پیش در مقابل جمهوری اسلامی سیاست متفاوتی با آمریکا در پیش گرفته بود، به نظر می‌رسد که در مقابله با خطری که از ناحیه افراطی گری اسلامی احساس می‌کند، به مشی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی نزدیک شده است. این نکته بسیار قابل توجه است که هانس دیتریش گنشر، وزیر خارجه آلمان و سیاستمدار محبوب آخوندها، در نیویورک از رهبری روسیه خواسته است تا کمک‌های نظامی به ایران را قطع کند. اروپا و به ویژه آلمان تحت فشار آمریکا از مشارکتی در بازسازی ایران پس از جنگ خودداری می‌کند. تغییرات در سیاست اروپا به ویژه با تحولات اخیر الجزایر، همسایه جنوبی بلانف اروپایی‌ها، مشهورتر شده است.

- برچین زمینه ایست که می‌توان به درک روشن‌تری از آنچه در پیرامون ایران می‌گذرد، رسید. دور تا دور ایران کانون‌های بالفعل و بالقوه بحران وجود دارد:

- در نیم دایره‌ای که از شمال غربی تا شرق ایران امتداد دارد، رقابت سختی میان جمهوری اسلامی از یک سو و ناسیونالیسم ترک و محافظه‌کاری اسلامی به سبک پاکستان و عربستان از سوی دیگر، در گرفته است. رقابتی میان جمهوری اسلامی مورد حمایت آمریکا قرار دارند. آمریکایی‌ها به حمایت از ترکیه مانع نزدیکی از بایجان و آسیای میانه به ایران گردد. ایالات متحده به بوی آبگاه است که هر چند هم نفوذ فقلی جمهوری اسلامی در افغانستان کم باشد، جمهوری اسلامی ایران در صورت کسب مواضع نیرومند در جمهوری‌های سابق شوروی، امکان این را می‌یابد که در سرنوشت افغانستان نقش بیشتری کسب کند. موفقیت آمریکا در دور نگه داشتن جمهوری اسلامی از سیاست قفقاز و آسیای میانه تا حدی به این بستگی دارد که ایالات متحده تا چه حد بتواند منافع مالی عربستان را جلب این کارزار کند. آمریکا خود حاضر به سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای که بتواند نیازهای شش جمهوری مسلمان نشین سابق شوروی و نیز افغانستان را تامین کند، نیست. ترکیه نیز چنین توانی ندارد.

- در جنوب ایران آمریکا سیاست خود را با موفقیت پیش برده است. عربستان و سایر حکومت‌های محافظه‌کار عرب اتحاد تنگاتنگ با آمریکا را به هرگونه همکاری امنیتی با تهران ترجیح داده‌اند. خلیج فارس و دریای عمان کماکان تیول آمریکاست و نیروی دریایی این کشور آبهای جنوبی ایران را در اختیار خود گرفته است. پول نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس را از نفوذ بنیادگرایی مصون نگه داشته است و به نظر می‌رسد آمریکا از این ناحیه کمتر احساس نگرانی دارد.

- عراق یکی دیگر از هرصه‌های رقابت است. آمریکا تغییر رژیم صدام حسین به سود پیروزی ائتلاف احتمالی شیعیان و کردها را نپذیرفته است. آمریکا حذف صدام حسین را با شرط استقرار حکومتی «معتدل» گره زده است. این محدودیت‌ها به صدام حسین امکان داده است تا رژیم خود را پابرجا نگهدارد. برخی از مقامات

ایالات متحده آمریکا با دعوی رهبری جهان به سوی «نظم نوین» و قبل از هر چیز باتکا به قدرت نظامی، سعی در تبدیل شدن به ابر قدرت بلامنازع دارد. بر زمینه اضمحلال ابر قدرت اتحاد شوروی، آمریکا می‌خواهد اداره خود را بر همه جهان اعمال کند و بویژه میکوشد تا سازمان ملل متحد و شورای امنیت را به عامل پیشبرد مقاصد خود بدل سازد. در خاور میانه، آمریکا بیش از سایر مناطق جهان موقعیت کسب کرده است. پس از پیروزی بر عراق، بر نفوذ ایالات متحده در جهان عرب افزوده شده و واشنگتن کارگردانی مذاکرات اعراب و اسرائیل را بر عهده گرفته است.

- اروپا که به سوی وحدت پیش می‌رود، از آنجا که کمتر از ایالات متحده به نیروی نظامی متکی است، میکوشد تا تقسیم مجدد قدرت در جهان بیشتر بر مبنای توان اقتصادی و نفوذ سیاسی باشد تا قدرت نظامی. در اروپا بیش از سایر کانون‌های قدرت میکوشند تا معیار قدرت و نفوذ با اصولی مانند تعهد به دمکراسی و بازار آزاد تعریف شود. کنفرانس چندی پیش سران کشورهای عضو بازار مشترک در ماستریخت که جدی بودن روند وحدت اروپا را نشان داد، گام مهمی در راستای حضور قدرتمندتر اروپای غربی در صحنه جهانی بود.

- سرمایه داری به لحاظ اقتصادی بسیار پویایی ژاپن هم‌لاند قدرت نظامی است. توسعه طلبی این سرمایه داری، در استراتژی و تاکتیک‌های تهاجمی آن در فتح بازارهای جدید، حتی بازار داخلی رقبای خود در آمریکای شمالی و اروپا، بازتاب می‌یابد. قدرت پول، شعار ژاپن است و این قول اقتصادی در مناطقی از جهان دارای امکانات مساعد برای بسط نفوذ خود است.

- در کنار این سه نیرو با دایره نفوذ جهانی، قدرت‌های منطقه‌ای وجود دارند که طیف آنها بسیار گسترده است: از روسیه پهناور گرفته تا چین پر جمعیت ترین کشور جهان، از هند گرفته تا برزیل. در این بخش عقب مانده جهان که حدود ۸۵ درصد انسانها در آن زندگی میکنند، علائق و منافع متنوع و گاه متضاد است. هنوز این بخش از جهان در برابر سه قدرت اصلی سرمایه داری حول منافع مشترکی که بی تردید وجود دارد، و در راس آن ضرورت عادلانه کردن نظام اقتصادی بین‌المللی است، متحد نشده است. به نظر نمی‌رسد در آینده قابل پیش‌بینی چنین اتحادی شکل بگیرد.

بخشی از دنیای عقب مانده امروزی با یک ششم جمعیت کل جهان، کشورهایی را در بر میگیرد که اکثریت قاطع جمعیت آنها مسلمان است. خصوصیات مشترک مذهبی و فرهنگی، ملل این کشورها را به هم پیوند می‌دهد که عقب ماندگی فرهنگی و اجتماعی بارزترین آن است. در اغلب کشورهای این بخش از جهان، رژیم‌های مستبد حاکم‌اند. در هیچ بخشی از جهان مانند این کشورها، رقابت بین ایدئولوژی‌های تمامیت‌گرا برای کسب هژمونی حاد نیست.

انگیزه در قیاس با سالهای قبل که ناسیونالیسم‌هایی چون ناسیونالیسم عرب برای بخشهایی از این دنیا گیرایی خاصی داشت به نظر می‌رسد بنیادگرایی اسلامی زمینه‌های مساعدتری برای گسترش نفوذ خود می‌یابد. بارزترین نشانه این روند تحولات شمال آفریقا است. اگر الجزایر به دست بنیادگرایان بیافتد، احتمال پیوستن مراکش و تونس به این روند کم نیست. سودان و یادر چه کمتری پاکستان، تحت نفوذ بنیادگرایی اسلامی‌اند. در مصر اگر رژیم حاکم در حل مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی همچنان ناموفق بماند، ثبات فقلی نظام سیاسی از سوی افراطیون اسلامی مورد تهدید قرار خواهد گرفت. در فلسطین، لبنان و اردن تجاوزگری لجام گسیخته اسرائیل زمینه را برای رشد اسلام رادیکال فراهم کرده است. در ترکیه، مسلمانان - بنیالو اکثریتاتیو نیرومندی در برابر پان ترکیست‌های غیر مذهبی محسوب میشوند. در ایران بنیادگرایی اسلامی سیزده سال است که حکومت می‌کند و در جمهوری‌های مسلمان نشین شوروی سابق بنیادگرایی روبه رشد است.

تردیدی نیست که کل جهان غرب به این پدیده با نگرانی و سو ظن بسیار می‌نگرد. تا وقتی شوروی وجود داشت و خود مانع عمده‌ای بر سر راه بسط نفوذ بنیادگرایی محسوب میشد، نگرانی غرب تا این حد نبود. قرب در افغانستان تا به آخر از افراطی گری اسلامی در برابر شوروی دفاع کرد و حتی کوشش‌هایی به عمل آورد تا از جمهوری اسلامی نیز در شکل

در روزهای ۱۲ و ۱۵ مارس، اجلاس وسیع سازمان جهانی خلق ایران (اکثریت) طبق تصمیم دومین کنفرانس سازمان مبتنی بر تشکیل جلسه‌ای از اعضای شورای مرکزی، مسئولان واحدهای جمهوری و اعضای گروه‌های کار، برگزار شد. در این نشست، پیرامون اوضاع سیاسی کشور، وظایف جاری سازمان، بررسی کارکرد شورای مرکزی و دیگر امورات مربوط به حیات و عملکرد سازمان بحث و بررسی بعمل آمد و تصمیماتی در راستای پیشرفت فعالیت‌های سازمان اتخاذ شد.

اجلاس پیرامون گزارشی سیاسی ارائه شده از سوی شورای مرکزی اظهار نظر کرد و ضمن طرح انتقادات و تذکرات بمنظور تصحیح و تکمیل این گزارش، موافقت خود را با کلیات این گزارش و انتشار آن اعلام داشت. شورای مرکزی سازمان در اولین نشست خود پس از برگزاری اجلاس وسیع، با در نظر داشت پیشنهادها و تذکرات مدهوین به اجلاس، این گزارش را تدقیق و تصویب کرد که اینک متن کامل آن از نظر خوانندگان میگذرد.

اماییش از مطالعه این گزارش، لازم میدانیم عین توضیحی را که در مقدمه گزارش ارائه شده به اجلاس وسیع آمده بود، برای اطلاع خوانندگان از کم و کثیف این گزارش در میانه‌های درج کنیم.

سخنی کوتاه درباره گزارش سیاسی

در جریان تدوین گزارش سیاسی اوضاع کنونی، شورای مرکزی سازمان تصمیم گرفت که با اتکا بر گزارش مصلی که توسط شورای مرکزی قبلی به کنفرانس دوم ارائه شد و سپس در نشریه کار انتشار یافت، گزارش سیاسی حاضر را صرفاً به تغییرات جدید قابل تاکید در کشور محدود کند و از ورود در هر صدهایی که هنوز سخن جدیدی در باره آنها ندارد، خودداری کند. از اینرو:

اولاً گزارش از اوضاع ایران بیشتر متوجه تحولات در حکومت و نیز پاره‌ای تحولات در صفوف اپوزیسیون است. خط مشی سیاسی مصوب کنفرانس دوم موضع کلی ما را در برابر کلیت رژیم تصریح و نیز مشی عمومی ما را فرمولبندی کرده است. در این گزارش کوشش شده تا بنحو مشخص تری مشی سیاسی سازمان در وظایف روزمره ماتجلی یابد.

ثانیاً، در حالی که در شورای مرکزی نظر بر این بود که هم بلحاظ اهمیت روندهای جاری در سطح جهان و هم از نقطه نظر متدیک ضرورت دارد که گزارش سیاسی از ارائه تصویری از جهان آغاز شود، معمداً نظر به عدم آمادگی کافی برای ورود در این هر صه بفرنج و نیز کمبود وقت، تصمیم بر این شد که به گزارشی کوتاه از اوضاع منطقه و کشورهای پیرامونی ایران، که در آنها حوادث مهم و تاثیرگذار بر آینده کشورمان جریان دارد، بسنده شود.

درباره تحولات منطقه

فرو پاشی اتحاد شوروی که مهمترین تحول پس از جنگ جهانی دوم است، جهان و مشخصاً منطقه ما را در وضعیت کاملاً جدیدی قرار داده که نیازمند نگاهی جدید و تلاشی جدید برای جهت یابی است. با توجه به اینکه تحلیل ریشه‌های دراز مدت تحولات جهان، منطقه و چشم انداز آینده آن در دهه‌های بعد نیازمند بررسی بیشتر و کار برد خرد جمعی است در این گزارش درنگ کوتاه روی روندهای عمده و بررسی آینده قابل پیش‌بینی اکتفا میشود.

سروندهای جهانی، اساساً تحت تاثیر منافع، اهداف و سیاست‌های جهان سرمایه داری پیشرفته رقم می‌خورند. در این بخش از جهان، با آنکه در مقایسه با دهه هشتاد بحران‌های اقتصادی پرحاشیه و هوارض اجتماعی آن‌ها رو به گسترش است، معمداً این واقعیت نافی بی رقیب بودن آن در جهان امروز نیست و باید گفت که هیچ اکثراتیوی جدی در برابر آن وجود ندارد.

- این بخش از جهان دارای منافع مشترکی است که آنرا در برابر هر کشور و یا نیروی منطقه‌ای و یا جنبش‌های مقابله جویانه با این منافع، متحد میکنند و به واکنش مشترک و امیدارد. دفاع از اشتراکات در برابر این یا آن نیروی مقاومت و ستیز، در اشکال گوناگون نظیر مجازات‌های اقتصادی، اعمال فشار سیاسی و روانی و نیز استفاده از زور نظامی تجلی مییابد. اختلاف در اشکال و تفاوت در حد اعمال فشار بر نیروی «اخلال» بهیچوجه در برابر اشتراک و اتحاد عمل‌های آنها جنبه عمده ندارد.

- با اینهمه، تضاد منافع در درون جهان غرب که مهمترین قبل از همه و بیش از هر چیز بر سر بازار متمرکز است، واقعیت مهم دیگر این جهان است. دهباب سر بازارهای موجود و نیز بازارهای نوپدید، جدی است و تلاشها برای تامین تفاهم تاکنون نتیجه چندانی نداشته است. علاوه بر حذف شوروی از معادلات سیاست جهانی، قطبهای مختلف قدرت در جهان قرب میکوشند در پر کردن خلا قدرت ناشی از این تحول سهم بیشتری داشته باشند.

بود. بخشی از سران حکومت راه نجات نظام را در آن دیدند که برای مهار بحران از یکسو بدرجائی از سیاست‌های قبلی فاصله بگیرند و از سوی دیگر به تغییراتی در ساختار حکومت دست بزنند. در این رابطه خمینی در اواخر مهرش "جام زهر نوشید" و به جنگ ایران و عراق خاتمه داد و راه را برای فاصله‌گیری از سیاست‌های گذشته گشود. او همچنین با خلق منتظری از قائم مقام رهبری و تکنیک امر مرجعیت از رهبری شرایط برای حل مسأله رهبری مورد نظر خود آماده کرد و با توافق بر سر حذف پست نخست و زیری به شکل‌گیری ائتلاف مناسب برای تدوین حکومت جمهوری اسلامی یاری رساند. منتظری با مشی انتقادی که نسبت به سیاست‌های خمینی پیش برده بود در چارچوب تدابیر برای آینده "نظام" نمی‌گنجید. در سایه این تدابیر، بعد از مرگ خمینی تلاطم چندانی در "بالا" پیش نیامد و خامنه‌ای با نشستن در منزلت رهبری و رفسنجانی با در دست گرفتن قدرت اجرایی کشور، مشترکاً مسئولیت حفظ نظام را بر عهده گرفتند. خمینی می‌خواست ثقل قدرتمندی بوجود آورد تا خلا ناشی از مرگ او جبران گردد. این ثقل همان ائتلاف خامنه‌ای و رفسنجانی بود.

میر حسین موسوی، بلاگردان سیاست‌های گذشته رژیم شد. بر اثر تحولاتی که قبل و بعد از مرگ خمینی در صحنه سیاسی کشور پیش رفت او و کابینه‌اش حذف گردید و جناح تندرو که قبل از آن اکثریت مجلس، کابینه و حمایت قدرتمند خمینی را یدک می‌کشید به موقعیت جناح غیر مسلط رانده شد. ورشکستگی سیاست‌های تندروانه از یکسو و تلاش جمعی همه جناح‌های حکومتی برای حفظ نظام از سوی دیگر، مانع از این شد که تندروها جلو این تغییرات بایستند و به مقابله برخیزند. در ائتلاف شکل گرفته موقعیت و خط مشی خامنه‌ای و رفسنجانی متفاوت بود. خامنه‌ای از زمان حیات خمینی با جناح رسالت نزدیکی‌های قابل توجهی داشت، بی‌آنکه خود جزو این جناح باشد. او رئیس جمهور دولتی بود که ناراضیاتی خود از سیاست‌های آن را پنهان نمی‌کرد. خامنه‌ای در انتقاد از عملکرد دولت میر حسین موسوی تا آنجا پیش رفت که چند بار بخاطر مقابله‌اش با او، با توپ و تشر خمینی مواجه شد.

رفسنجانی که سال‌ها همسو با خمینی، مواضع تندروها را تایید و تبلیغ می‌کرد زودتر و بارزتر از دیگر سران حکومتی به بی‌سرانجامی و درماندگی سیاست‌های حاکم پی برد و بتدریج از جناح تندرو فاصله گرفت و درصدد طرح سیاست‌های دیگر برآمد. او شیوه خوراندن این سیاست به خمینی را در پیش گرفت. "ایران گیت" اولین برآمد این سیاست‌ها بود که هنوز در چارچوب مشی سابق "جنگ، جنگ تا پیروزی" قرار داشت. سیاست‌ها و موقعیت مساعد رفسنجانی در میان مجموعه طرفداران جمهوری اسلامی، سردمداران حکومت از جمله خمینی را به این نتیجه رسانده بود که مدیریت کشور را به او بسپارند. زمانی که رفسنجانی بر سر ریاست جمهوری صاحب اختیار نشست. برنامه خود را به عنوان "بازسازی کشور" ارائه داد. هدف اصلی برنامه او مهار بحران اقتصادی و به تعادل رساندن اقتصاد کشور، درآوردن رژیم از انزوای بین‌المللی و ساختن سیمای قابل پذیرش‌تر از رژیم جمهوری اسلامی در مجامع بین‌المللی بود. او در مجموع می‌خواست سیاست‌های معتدلی را پیش ببرد. اما او می‌خواست برنامه خود را در چارچوب حفظ حاکمیت رهبریت پیش‌برده و لاجرم نقض شدید حقوق بشر و تداوم سیاست انحصارگری و سرکوب مخالفان از مشخصه‌های اصلی سیاست او بود. رفسنجانی در آخرین ماه‌های حیات خمینی، از عناصر اصلی گروه حاکمه بود که کشتار بیرحمانه زندانیان سیاسی را طرح و به اجرا گذاشتند. برای رفسنجانی نه نئی نظام بلکه برعکس اصلاح و طولانی‌تر کردن همین امر مطرح بود. خطوط زیر را کمابیش می‌توان محورهای برنامه او تلقی کرد: که البته فقط در طی زمان از روشنی برخوردار شد:

۱- تلاش برای نزدیکی به غرب با هدف جلب کمک فعال آن در بازسازی اقتصاد کشور و خروج از انزوای بین‌المللی، چهره آرایبی در صحنه جهانی به عنوان رژیم معتدل اسلامی، فاصله گرفتن از روش‌های ماجراجویانه در صدور انقلاب اسلامی و کوشش در اشاعه اسلام به شیوه‌هایی که با موازین بین‌المللی مغایرت پیدا نکنند.

۲- کاستن از نقش فوق‌العاده دولت در اقتصاد کشور، ایجاد تسهیلات بیشتر برای بخش خصوصی، راه انداختن صنایع کشور و جلب سرمایه‌های تجاری بسوی تولید، جلب نیروهای متخصص و سرمایه‌های ایرانی خارج از کشور.

۳- تعدیل جزیی فشارهای وارده بر مردم در زمینه مسائل اجتماعی، گسترش پایگاه اجتماعی دولت در بین اقشار متوسط جامعه و جلب تکنوکرات‌ها، پذیرش فعالیت فرهنگی روشنفکران غیر وابسته به رژیم به صورت محدود و در همانحال مخالفت قاطع با فعالیت هر نوع تشکل سیاسی منتقد حکومت جمهوری اسلامی و سرکوب سازمان‌ها و ترور شخصیت‌های اپوزیسیون.

برنامه‌های اقتصادی رفسنجانی گرچه از نیازهای جامعه برخاسته بود ولی به هیچوجه پاسخگوی بحران همیق نبود. بحران موجود، تحولات پایدای و رادیکالی را می‌طلبد. مهار بحران و بازسازی کشور، مستلزم شرکت فعالانه مردم، نیروهای متخصص و روشنفکران جامعه است و این نیاز با استبداد مذهبی و سیاست سرکوب مغایرت داشته و دارد. با نیروهای واپسگرا و با فارتگران جامعه و بدون تغییر اساسی در ساختار سیاسی و حکومت و شیوه‌های اداره کشور نمی‌توان بر بحران فائق آمد. ناتوانی و ناکامی برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی رفسنجانی از ابتدا روشن بود.

جناح رسالت با این خطوط اشتراکات و تمایزاتی داشت. درحالی‌که این خطوط در وجه اصلی‌اش با مشی تندروها اساساً ناهمخوان بود. بگونه‌ای که، تقریباً از همان ابتدا تندروها آن را فاصله گرفتن از "خط امام" و خمینی زدایی تلقی کردند. آنچه مسلم بود پیشبرد سیاست‌های رفسنجانی با تقابل تندروها روبرو می‌شد و در تداوم خود در مواردی نیز هکس‌العمل رسالتی‌ها را بر می‌انگیخت. رفسنجانی با توجه به برنامه و موضع جناح‌ها و نیروها به یک سری ائتلاف‌ها دست زد. او از یکسو دست در دست جناح رسالت که در پیوند تاریخی و پایدار تجار بازار و روحانیون است و قشری‌ترین و محافظه‌کارترین نیروی سنتی مذهبی را نمایندگی میکند، گذاشت و از سوی دیگر به جلب همکاری نیروهای تکنوکرات برآمد و کابینه خود را عمدتاً از تکنوکرات‌ها تشکیل داد. رسالت که تا آن موقع مخالف دولت بوده به حمایت از رفسنجانی برآمد و جناح تندرو در پیجابه مقابله با آن برخاست.

با فاصله گرفتن از مرگ خمینی و تلاش رفسنجانی برای نزدیک شدن به غرب، درگیری بین جناح تندرو و ائتلاف حاکم حدت یافت، بی‌آنکه این تلاش‌ها برای جلب نظر غرب به نتایج چندانی برسد. بعلاوه حالت نه جنگ و نه صلح با عراق ادامه داشت که بعنوان مانعی برای خروج جمهوری اسلامی از انزوای بین‌المللی تاثیر می‌کرد. جنگ خلیج فارس فرصت‌های مالی برای رفسنجانی بوجود آورد. او نیز با اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه توانست از موقعیت جدید حداکثر بهره‌برداری را بکند. مسائل مربوط به جنگ ایران و عراق تا حدود زیادی حل شده، تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی لغو گردید، درآمدهای ارزی افزایش یافت و مناسبات با کشورهای غربی و منطقه گسترش پیدا کرد. جمهوری اسلامی از حالت انزوا درآمده و قرارداد‌های اقتصادی چندی با کشورهای اروپایی غربی بسته شد. بعلاوه ائتلاف حاکم در پی این گشایش‌ها و تحرک‌های موقعیت آمیز سیاسی، توانست ضربه‌کاری بر جناح تندرو وارد آورد و به این ترتیب، زمینه را برای پیشبرد سیاست‌های حاکم فراهم کند.

رفسنجانی علاوه بر برقراری مناسبات نزدیک با یکسری از کشورهای غربی و منطقه نظیر عربستان سعودی، مراکش، مصر و غیره برای مذاکره با آمریکا به تلاش‌هایی دست زد. اقدامات او تا آنجا پیش رفت که جلسه‌ای با شرکت وزیر اقتصاد و دارایی و رئیس بانک مرکزی با سرمایه‌داران فرای ایرانی تشکیل و آنها دعوت به بازگشت شدند.

وضعیت کنونی حکومت

پیشرفت‌های دولت رفسنجانی چندان ناپایید و بعد از مدتی با موانع و سدهای جدی روبرو گردید. در حالیکه او هنوز بهره چندانی از مناسبات سیاسی و اقتصادی جدید با غرب و حکومت‌های باصطلاح "مرتد" نبرده بود که تندروهای حکومت به تهاجم سنگین علیه دولت برخاستند و مذاکره با سرمایه‌داران ایرانی متوقف خارج از کشور، خشم شدید جناح تندرو را برانگیخت و در پی آن کارزار شدیدی علیه سیاست‌های جدید براه افتاد. مجموعه فشارها موجب شد که رفسنجانی در این زمینه و مذاکره با آمریکا عقب بنشیند. فشار تندروها، تداوم نقض حقوق بشر، ترور بختیار، فعالیت اپوزیسیون خارج از کشور، تحرک جمهوری اسلامی در جمهوری‌های مسلمان نشین شوروی بویژه پس از استقلال آنها، و اهمیت قرب از نیرو گرفتن بینادرگرای اسلامی در تعدادی از کشورهای بنوبه ترندیدت‌تر برای سرعت و گسترش بخشیدن به رابطه با جمهوری اسلامی را افزایش داد. دولت، پس از یک رونق کوتاه در پیشبرد سیاست‌های خود، دچار رکود شد.

از چندی پیش، وضع بدینگونه است که رژیم ایران تحت فشار شدید آمریکا و برخی از کشورهای غربی و مجامع بین‌المللی است و در منطقه خاور میانه هم در وضع مساعدی قرار ندارد. در داخل کشور نیز، دولت رفسنجانی با مشکلات زیادی روبروست. جناح تندرو گرچه بر اثر ضربات ائتلاف حاکم تضعیف شده است ولی همچنان اهمال نیرو کرده و موانعی را در این یا آن عرصه بوجود آورده است.

موقعیت‌های دولت رفسنجانی در عرصه اقتصادی چندان کار ساز نیست. تلاش‌های او برای جلب سرمایه‌های سرگردان بسوی تولید و سرمایه‌گذاری به نتایج محسوس نرسیده است. بازاری‌ها همچنان از سرمایه‌گذاری در تولید و خرید امدادهای صنعتی امتناع می‌ورزند. عملکرد مخرب سرمایه‌های

سرگردان همچنان ادامه دارد. بخش مهمی از بودجه کشور صرف تسلیحات نظامی و ارگان‌های سرکوب می‌شود. قول بوروکراسی مانند گذشته بخش اعظم بودجه و نیروی کشور را می‌بلعد. فساد در دستگاه دولتی ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده و حیف و میل اموال دولتی و تجمل‌گرایی تشدید شده است.

زمانی که رفسنجانی روی کار آمد وعده‌های زیادی در مورد بهبود زندگی مردم داد. ولی در وضع مردم بهبودی حاصل نشده است. افزایش مداوم قیمت کالاها و خدمات، زمین و مسکن و اجاره خانه‌ها فشار سنگینی را بر اقشار متوسط کم درآمد جامعه وارد می‌آورد. برنامه اقتصادی دولت رفسنجانی نتوانسته مانع از فقر و فلاکت بیشتر مردم و انباشت ثروت‌های عظیم در دست عده‌ای فارتگر شود. کاهش ناچیز فشار بر زندگی اجتماعی مردم به تشدید تقابل مردم با فرهنگ حاکم منجر شده است. مردم از فرهنگ اسلامی زده شده‌اند. این مسأله سران حکومت را بشدت نگران کرده است. عدم رعایت کامل حجاب اسلامی، حرکت فرهنگی نویسندگان و هنرمندان، عدم تمایل جوانان به فرهنگ حاکم و فاصله گرفتن از آن، از رونق افتادن مساجد، استقبال وسیع مردم از نوارهای صوتی و ویدئویی "مضره" و خرید و فروش و دست بدست گشتن وسیع این نوارها، طرح مسأله جدایی علم و اداره کشور از

مذهب توسط طیفی از نیروهای حکومتی اشکال مختلف الجعت و متفاوت تقابل فرهنگی با رژیم است که از سوی حکومت، "تهاجم فرهنگی" نام گرفته است.

برای مقابله با این مسائل موج مبارزه با "تهاجم فرهنگی دشمن" راه افتاده است. ابتدا سازمان تبلیغات اسلامی و سپس کیهان پرچم مبارزه با "تهاجم فرهنگی" را برافراشتند و بدنبال آن‌ها خامنه‌ای بمیدان آمد. جناح رسالت با همه قوا علیه "تهاجم فرهنگی دشمن" برخاسته است. هدف این حرکت پس گرفتن آن چیزهایی است که در سایه مبارزه مردم بدست آمده است. این حرکت توسط تشری‌ترین نیروهای رژیم برپا شده و خصلت واپسگرانه و استبدادی دارد و در حقیقت بازگشت بسالهای نیمه اول دهه ۶۰ است. رفسنجانی گرچه با این جریان همصدا نشده است اما در همین حال به صراحت در مقابل آن نایستاده است. از نظر سیاسی این حرکت از سویی متوجه نیروهای جریانات روشنگر، ترقیخواه و دموکرات جامعه است و از سوی دیگر متوجه افراد و گرایش‌هایی هم در نیروهای موسوم به تندرو و هم در درون ائتلاف حاکم است.

جناح رسالت در جریان انتخابات نمایندگان مجلس در دوره قبلی بخاطر قرار گرفتن محتشمی در راس وزارت کشور و حمایت خمینی از آن وزارت خانه در مقابل شورای نگهبان، نتوانست تعداد قابل توجهی را به مجلس بفرستد. جناح رسالت و بویژه ارگان مطبوعاتی آن در گذشته با سرزنش خمینی روبرو بود.

این جناح بعد از مرگ خمینی برزمینه ورشکستگی سیاست‌های تندروانه، و با اتکا برمناسبات دیرینه با خامنه‌ای و نیز ائتلاف با رفسنجانی از زیر ضرب خارج شد و فعلاً نه مسائل سیاسی کشور شرکت جست. بعد از خمینی هملاسه توه کشور بین جناح‌ها تقسیم گردید: اکثریت مجلس با تندروها بود، توه اجراییه بدست جناح میانه افتاد و توه قضائیه به رسالت داده شد. در همین حال رسالتی‌ها شورای نگهبان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و روحانیت مبارز را در قبضه خود داشتند. جناح رسالت در دو سه سال اخیر نتوانسته است موقعیت خود را استحکام بخشد. این جناح در تقابل شدید با تندروهاست و تمام نیروی خود را برای حذف آن‌ها از نهادهای حکومتی بکار می‌گیرد. جناح رسالت در ائتلاف با جناح میانه است. برخورد این جناح با دولت رفسنجانی چند جانبه است: از یکسو از یکسری برنامه‌های دولت وی حمایت می‌کند و در مقابل تندروها در صف او است و از سوی دیگر در عرصه‌هایی نظیر مسائل فرهنگی، کندی در دادن واحدهای تولیدی موسده به بخش خصوصی، پابرجایی قول بوروکراسی به اشکال مقتضی به مخالفت بر می‌خیزد. کوشش رسالت بر آن است که ائتلاف موجود در مقابل تندروها حفظ شود ولی رفسنجانی برنده این ائتلاف در نیاید.

در حال حاضر، شورای نگهبان ابزار حذف تندروها در انتخابات مجلس شده است. این ارگان مدام با چماق دادگاه ویژه روحانیت و قوه قضائیه بر سر نمایندگان تندرو می‌کوبد.

رابطه جناح رسالت با خامنه‌ای در شرایط کنونی رابطه‌ای ظریف و پیچیده است. رسالت از رهبری خامنه‌ای دفاع می‌کند ولی حربه مرجع نبودن او را در دست دارد. رسالت با رفسنجانی در ائتلاف است ولی خامنه‌ای را در کنار خود دارد. خامنه‌ای نیز گرچه جزو جناح رسالت نبوده ولی نزدیکی زیادی با آن دارد. خامنه‌ای تلاش می‌کند با توجه به نقطه ضعف‌های خود نظر مساعد "علمی‌الهام" را حفظ کند. رسالت در زمینه اقتصاد طرفدار آزادی عمل کامل وی قید و شرط بخش خصوصی و مخالفت سرخشاقتصاد دولتی است. این جناح به فقه سنتی و اداره کشور بر پایه آن

اعتقاد دارد. مجلس را بیشتر یک ارگان مشورتی تلقی می‌کند. از استبداد مذهبی و سرکوب مخالفان حمایت بعمل می‌آورد و طرفدار گسترش ارتباط اقتصادی با غرب است اما با فرهنگ غربی و فرهنگ متجدد شدیداً مخالف است. جناح تندرو بر اثر ضربات کاری ائتلاف حاکم تضعیف شده است ولی تشکلهایی نظیر روحانیون مبارز و دفتر تحکیم وحدت و تعدادی از روزنامه‌ها و نشریات راهنوز در اختیار خود دارد. بعلاوه افزایش شتابان قیمت‌ها و فقر و فلاکت مردم و حرکات اعتراضی آنها بستر مساعدی را برای فعالیت این جناح فراهم آورده است. این عوامل به جان سختی و مقاومت نیروهای تندرو در مقابل حذف آنها توسط ائتلاف حاکم یاری می‌رساند. در برخورد به مسأله آزادی بیان و مطبوعات، مسائل فرهنگی، نحوه برخورد با ائتلاف حاکم گرایش‌های متفاوتی در بین این جناح شکل گرفته است که بویژه دو گرایش عمده بارز است: در گرایش اول کسانی چون خامنه‌ای و گردانندگان روزنامه سلام (خوئینی‌ها و اصغرزاده...) و عده‌ای از نمایندگان که از آزادی بیان و مطبوعات دفاع می‌کنند حضور دارند. این گرایش با موج مبارزه با "تهاجم فرهنگی دشمن" همراهی نکرد اما گرایش دیگر که توسط حزب‌اللهی‌های عقب مانده و سرکوبگر نظیر محتشمی، فخری و خلخالی نمایندگی می‌شود طرفدار اجرای بی‌کم و کاست "خط امام" با همان مشخصات گذشته است. این جناح، خصلت جناحی خود را اساساً از سابقه و گذشته خود و از مخالفت با ائتلاف حاکم کسب می‌کند. در حالی که آنجا که به برنامه حمل و سیاست‌های روز بر می‌گردد هرچه بیشتر خصلت جناحی خود را از دست می‌دهد. بعلاوه، در رابطه با نحوه برخورد نسبت به ائتلاف حاکم که مشخصاً در چگونگی موضع‌گیری نسبت به مشی ائتلاف حاکم در جریان انتخابات مجلس دوره چهارم تجلی پیدا کرده است، در این جناح تفاوت در تاکتیک‌ها جدی است. در حالیکه بخشی از این جناح در تصریح اختلافات خود با ائتلاف حاکم محتاطانه‌تر عمل می‌کند، بخشی چون محتشمی‌ها، خلخالی‌ها و فخری‌ها به مخالفت صریح با جناح حاکم برخاسته‌اند و بخشی نظیر خوئینی‌ها می‌کوشند در موضع انتقادی سیاست‌های حاکم قرار گیرند بی‌آنکه در برابر رژیم جلوه کنند، و بالاخره گروهی نیز در پی ایجاد و یا احیا تشکل‌های سیاسی خود هستند (مجاهدین انقلاب اسلامی و...).

بدینسان گرچه در این جناح گرایش‌های متعددی مشاهده می‌شود ولی هنوز در برخی عرصه‌ها برخورد‌های قبلی با شدت و ضعف ادامه دارد. در کل، تندروها طرفدار سرمایه‌داری دولتی و مخالف گسترش مناسبات با آمریکا و برخی از کشورهای غربی هستند. این جناح فاقد شخصیت با اتوریته و مورد پذیرش در بین نیروهای آن و نیز فاقد تمرکز و ارگان سیاستگذار و هماهنگ کننده است. جناح تندرو در پراکندگی شدید و بی‌سابقه‌ای قرار دارد. با توجه به تحولات در این جناح و وجود گرایش‌های متفاوت، اطلاق صفت تندرو به تمامی گویای خصوصیات این جناح نیست. این جناح سیر تکوینی خود را طی می‌کند. گرچه گرایش‌ها هنوز به جدایی منجر نشده است ولی در آینده باید شاهد شکل‌گیری نهایی گرایش‌ها بود. گرایش آزادخواهی در بین بخشی از این جناح با فعالیت روشنفکران غیر مذهبی همسویی‌هایی با هم پیدا کرده‌اند.

حرکات اعتراضی مردم مردم از گرانی روزافزون کالاها و خدمات، افزایش اجاره خانه‌ها و قیمت مسکن و زمین، از کمبودها و تشدید فقر و فلاکت و از فشارهای رژیم به تنگ آمده‌اند. در زمستان سال قبل یکسری حرکات اعتراضی شکل گرفت. دولت رفسنجانی در مقابل اعتراضات عقب نشست و به برخی از خواسته‌های مردم تن داد. تابستان امسال موج دیگری از حرکات اعتراضی مردم برخاست که ابعاد وسیع‌تری داشت: اعتراض نسبت به افزایش قیمت بلیط‌ها و وسایل، حرکت اعتراضی مردم در باقر آباد تهران نسبت به خراب کردن خانه‌ها توسط شهرداری، تظاهرات مردم اصفهان در رابطه با برخورد بد مامورین با زنان، ... مردم در جریان باقر آباد شعار می‌دادند: "خو ند خدایی می‌کند، ملت گدایی می‌کند". اعتصاب پیرامنه کارگران پالایشگاه‌ها در اوایل زمستان امسال از جایگاه ویژه‌ای در حرکات اعتراضی مردم برخوردار بود. نگرانی رژیم از این حرکت بارز بود. رژیم در این آخرین روزهای سال با اعتصاب گسترده در چند دانشگاه تهران که به تظاهرات خیابانی و حمله پاسداران به دانشجویان منجر شد و در جریان آن گروه زیادی از دانشجویان بازداشت شدند، قرار گرفت. اعتصاب هشدار دهنده کارکنان موسسه کیهان و تظاهرات گروهی از فارغ‌التحصیلان در برابر مجلس شورای اسلامی، از آخرین نمونه‌های بارز جنبش ناراضی و اعتراضی است.

سیاست‌های اقتصادی دولت رفسنجانی موجب تشدید فقر و فلاکت در بین مردم شده است. او می‌خواهد بریان اقشار کم درآمد جامعه، "تعادل اقتصادی" بوجود آورد. بخشی از نهادهای دولتی گوی سبقت در افزایش قیمت خدمات و کالا را از بخش

پیرامون اوضاع سیاسی کشور

خصوصی ر بوده‌اند و دولت به انحاء مختلف مردم را سرکشی می‌کند.

بر اثر این وضع افشار وسیع‌تری از جامعه به خط زیر فقر کشیده می‌شوند. بر اساس آمارهای سال ۶۵ حدود ۲۲/۷ میلیون نفر از مردم کشور ما زیر خط فقر بسر می‌برند. مسلماً با افزایش شتابان قیمت‌ها و افزایش ناچیز درآمد کارگران و کارمندان، رقم مزبور بالاتر رفته است.

در همین حال هر ساله نزدیک به دو میلیون نفر بر جمعیت کشور افزوده می‌شود که امکانات موجود را بلعیده و بعنوان عامل موثر در تشدید فقر و عقب ماندگی عمل می‌کند. افزایش تولیدات صنعتی در سالهای ۶۹ و ۷۰ به بهبود زندگی مردم منجر نشده است.

اکنون شکاف طبقاتی در جامعه ما بی‌سابقه است و ثروت بی‌کرانی در دست عده قلیلی متمرکز شده که در فعالیت‌های تولیدی دخالت کمتری داشته و هم‌داست به بخشهای خدماتی و دولتی است.

این مسائل همراه با سایر فشارهای اجتماعی حالت انفجارگونه در مردم بوجود آورده است که بصورت ناراضیتی گسترده و حرکات اعتراضی نمود پیدا می‌کند. کمالی وزیر کار می‌گوید که از بهار تا پائیز سال گذشته دوهزار مورد اعتصاب در صنایع و واحدهای تولیدی کشور روی داده است. این آمار نشان از وضعیت انفجاری در بین مردم است.

دولت رفسنجانی این وضعیت را می‌بیند و به همین جهت از یکسو در مقابل اعتراضات مردم اکثر اعیان نشینی میکند و از جهت دیگر با افزایش میزان سوبسید در بودجه سال ۷۱ و افزایش ناچیز حقوق کارمندان و کارگران می‌خواهد جلو انفجار مردم را بگیرد. ولی اقدامات رفسنجانی چندان کارساز نیست و به همین جهت حرکات اعتراضی روز بروز گسترده‌تر می‌شود.

حرکاتی که اخیراً مشاهده می‌شود دبیانگر آنست که روحیه اعتراضی در بین مردم بالاست و طیف گسترده‌تری را در بر می‌گیرد. مردم چندان واهمه‌ای از سرکوب رژیم ندارند و رژیم هم از سرکوب همه جانبه خودداری می‌کند و در مواردی در مقابل خواست مردم عقب می‌نشیند. رژیم از تداوم و گسترش اعتراضات مردم وحشت دارد. گرچه میزان کیفیت حرکت اعتراضی مردم از چنان ابعادی برخوردار نیست که اوضاع سیاسی کشور را رقم زند ولی باید در نظر داشت که ناراضی مردم همانند آتش زیر خاکستر است که هرگاه شرایط مساعد فراهم شود، شعله‌ور می‌گردد.

نتیجه‌گیری‌ها

با توجه به آن چه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که تغییرات قابل ملاحظه‌ای در اوضاع اخیر کشور، بیش همه در وضعیت حکومت و آرایش نیروها در درون آن بوده است. رفسنجانی که همچنان چهره مرکزی رژیم است و تحولات در حکومت با سم‌تگیری‌ها و عملکردهای وی مرتبط است با عملکرد نیروها و مراکز متعدد قدرت روبروست که به دولت اجازه نمی‌دهد که برنامه‌هایش را پیش ببرد. تندر وها با وجود ضرباتی که متحمل شده‌اند از موضع اپوزیسیون جناحی به دولت حمله می‌کنند. رسالتی‌ها به برخورد فعال و تهاجمی رو آورده‌اند. رفسنجانی نتوانسته است روشنگران جامعه و تکنوکرات‌ها به حمایت فعال از خود و ادار سازد. اما با اینهمه امکانات و سیاست‌های رفسنجانی برای تسخیر آینده رژیم، از هر جریان و شخصیت دیگری در جمهوری اسلامی بیشتر است. در ماههای اخیر، موقعیت متناقض‌خامنه‌ای بیش از پیش هیان شد. او از یکسو با حضور فعال در صحنه سیاسی و اتخاذ برخی مواضع کوشید تا در موضع برتر و بالاتر از جناح‌ها ترار گیرد و در عین حفظ ائتلاف با رفسنجانی، تفاوت‌های خود با او و برنامه‌هایش بگذارد. اما از سوی دیگر به علت حدت تضادهای جناحین، او مجبور شد تا در مواردی چندان کسی خود را درگیر اختلافات کند و در موضع رهبر جناحی برآمد کند. موقعیت متناقض‌خامنه‌ای از یکسو، نشان از تناقض‌های ناشی از بحران ساختاری حکومت است و از سوی دیگر تناقض بین شخصیت او و موقعیت وی است (در مقایسه با خمینی) تلاش‌های خامنه‌ای نتوانسته و نمی‌تواند است خلا‌خیمینی را پر کند. بنظر می‌رسد که ملاقات عده‌ای از نمایندگان مجلس با منتظری‌رانه بقدرت رابطه با بحران سیاسی بلکه در بحران رهبری و ساختاری رژیم هم باید دید. این ملاقات در حقیقت بشکلی نفی خامنه‌ای از جانب بخشی از طرندگان ائتلاف حاکم بود. بخشی از جناح تندرو از خامنه‌ای و از اتخاذ موضع بی‌طرفانه از جانب او در رابطه با انتخابات مجلس و مسائل جناحی ناامید شده‌اند و می‌خواهند پای منتظری را به میدان بکشانند.

ائتلاف حاکم را به یبند تا بتواند با گرفتن مجلس تضعیف جناح تندرو و می‌بند تا بتواند با گرفتن مجلس نیروی متمرکزی بوجود آورد و برنامه خود را پیش ببرد. ولی معلوم نیست با حذف تندر وها ترکیب مجلس به نفع رفسنجانی خواهد بود یا رسالتی‌ها و قابل

پیش‌بینی است که در شرایط حذف تندر وها، تضاد بین جناح رسالت و رفسنجانی آشکارتر شده و حدت خواهد یافت. آنچه روشن است این است که تضعیف تندر وها به تمرکز بیشتر قدرت در نوک هرم حکومت منجر خواهد شد و زمینه را برای استبداد فردی فراهم ساخت. اگر چه، این امر لزوماً به معنی تشدید فشارهای اجتماعی در جامعه نیست.

با وجود این که رژیم اسلامی با بحران حادی روبروست ولی وضع اپوزیسیون بگونه‌ای نیست که بتواند از آن سود جوید و در صحنه سیاسی کشور نقش ایفا کند. هنوز مسائل سیاسی کشور را کشمکش‌های درون حکومت رقم می‌زند. به همین خاطر شناخت گرایشها و تحولات در جامعه و درون حکومت حائز اهمیت است و نسبت به وضعیت جدید و گرایش‌های شکل گرفته باید موضع‌های ضرور را اتخاذ کرد. از میان روندهای متعددی که در کشور جاری است گرایشی بالنده به تدریج سر بیرون آورده است. مدتی است که در صحنه سیاسی کشور مسئله آزادی بیان و مطبوعات به یک مساله جدی و مبرم تبدیل شده است. در شکل‌گیری این گرایش تلاش پیگیر و خستگی‌ناپذیر نویسندگان و هنرمندان غیر وابسته به رژیم، تحولات بین‌المللی، رشد گرایش آزادیخواهی در بین بخشی از جناح تندرو، انتشار نشریات متعدد در دو سال اخیر و تلاش بخشی از تکنوکرات‌ها موثر بوده است. این گرایش روز به روز نیروی بیشتری را جلب می‌کند. موج مبارزه با "تهاجم فرهنگی" هم‌دستار در مقابل این گرایش است و قصد سرکوب آن را دارد. این گرایش هم‌مسو و هم‌پیوند با مبارزه نیروهای اپوزیسیون در راه دموکراسی است و لذا دارای اهمیت جدی برای دسته‌ای از نیروهای سیاسی است که برای دموکراسی پیکار میکنند.

گرایش دیگری در ماه‌های اخیر در بین بخشی از نیروهای حاکمیت شکل گرفته است که دارای اهمیت است. در مطبوعات که توسط تکنوکرات‌های وابسته به رژیم منتشر می‌شود هم چنین در سمینارهایی که توسط ارگان‌های رژیم برگزار می‌گردد مساله "مدیریت علمی و مدیریت فقهی" مطرح گردیده است. این نیروها بر آنند که مدیریت فقهی یعنی اداره کشور توسط آخوندها میهن ما را به فقر و فلاکت کشانده است و باید مدیریت علمی جایگزین آن شود. آن‌ها درمان دردهای کشور را در رابطه با مدیریت علمی جامعه می‌دانند.

جدایی اداره کشور از فقه هم توسط بخش اعظم نیروی اپوزیسیون و هم توسط نیروی متخصص همواره مطرح شده است. آنچه حائز اهمیت است طرح موضوع توسط نیروهایی از درون حکومت است. در سال اخیر موقعیت نیروهای تکنوکرات در سیستم اداره کشور تحکیم و نیروهای حزب‌اللهی تضعیف شده است. در حقیقت بخش‌های مهمی از سیستم اداره کشور در دست تکنوکرات‌هاست، اگر چه اهرم‌های اصلی در دست آخوندها قرار دارد. در عین حال برای این نیروها مساله آزادی بیان و مطبوعات مطرح است. بین گرایش به اداره علمی کشور و گرایش آزادیخواهانه پیوند نزدیک وجود دارد و این دو گرایش هم راستا و تقویت کننده یکدیگر هستند.

موقعیت نیروهای اپوزیسیون

اپوزیسیون هم چنان در وضع پراکنده بسر می‌برد و در روندهای درون کشور چندان تاثیر گذار نیست و فعالیت چشمگیری نیز در سطح بین‌المللی ندارد. در عین حال تلاش‌هایی برای نزدیکی در بین بخشی از نیروهای اپوزیسیون مشاهده می‌شود که نتایج مثبتی به بار آورده است این روندها هم در درون جنبش چپ و نیروهای ملی جریان دارد و هم بین آن دو. گرچه روندهای جهانی از جمله فروپاشی اتحاد شوروی هم چنان تأثیرات منفی خود را بر جنبش چپ ایران بجا می‌گذارد ولی بنظر می‌رسد چپ ایران بتدریج از سردرگمی و گججی بیرون می‌آید، موج طوفان راپشت سر می‌گذارد و جایگاه و هویت خود را در شرایط جدید تا حدودی روشن میکند. با این وجود روند کنده شدن نیرو، گرچه کند شده، ولی هنوز متوقف نشده است.

در روند تحولات چند ساله اخیر دو گرایش بارز در بین نیروهای چپ شکل گرفته است: گرایش اول در برگیرنده آن نیروهای چپ است که از احزاب کمونیست سنتی فاصله گرفته و سیمای نوینی بخود گرفته‌اند و گرایش دوم شامل نیروهایی است که بدرجات مختلف هم چنان از مواضع پیشین جنبش کمونیستی حرکت میکنند و تحول اساسی در دیدگاه‌های آنها صورت نگرفته است. نیروهای هر دو گرایش به هم نزدیک شده و دو بلوک در جنبش چپ ایران در حال شکل گرفتن است. بلوک اول شامل سازمان‌ها، حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان فدائیان خلق ایران و بخشی از نیروهای منفرد چپ است. همکاری این نیروها از مدت‌ها قبل جریان دارد. عناصری از این سازمان‌ها و عده‌ای از نیروهای منفرد چپ در بحث‌های یکسال اخیر توانسته‌اند به پلاتفرم مشترکی دست یابند.

در گرایش دوم از یکسو حزب توده ایران قرار دارد و از سوی دیگر راه کارگر، سازمان فدایی-ایران و بخشی از اقلیت، بین حزب توده ایران و سایر

نیروهای چپ همکاری وجود ندارد. راه کارگر، سازمان فدایی و شورای‌های در جهت نزدیکی و همکاری و ایجاد بلوک حرکت میکنند و اعلامیه‌های مشترک می‌دهند. راه کارگر و سازمان فدایی می‌خواهند یکی شوند.

مدتهاست که برخوردهای خصمانه در درون نیروهای چپ فروکش کرده و جای خود را به همکاری داده است.

در بین نیروهای ملی و جمهوریخواه نیز روند نزدیکی جریان دارد. بین جمهوریخواهان ملی ایران، سازمان سوسیالیست‌های ایران و جبهه ملی و بدرجاتی نهضت مقاومت ملی مذاکرات و همکاری ادامه دارد. بین نیروهای چپ دموکرات و جمهوریخواهان ملی مذاکره در سطح جبهه جمهوریخواهان در جریان است ولی هنوز بر سر همکاری موافقتی وجود ندارد.

بخشی از نیروهای میانی اپوزیسیون در داخل کشور و مهم‌ترین آنها نهضت آزادی است که همچنان از امکان فعالیت قانونی محروم است.

سازمان مجاهدین که در جریان بحران خلیج در موقعیت نامساعد قرار گرفته و در حالت انزوا قرار داشت، بعد از شدت گرفتن مشاجرات بین صدام حسین و رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر فعالیت‌های خود را وسعت بخشیده است. این سازمان هم چنان بر مشی پیشین خود پای می‌نهد. مساله جدیدی که در رابطه با مجاهدین مشاهده می‌شود، رشد ناراضی در بدنه این سازمان است.

رهبری مجاهدین برای سرپوش گذاشتن بر روند کنده شدن نیرو از این سازمان به نحاشی و تهدید دست یازیده است و برخورد با سایر نیروهای اپوزیسیون را خصمانه‌تر و کینه‌توزانه‌تر کرده است.

گرایش‌های موجود در بین سلطنت‌طلبان بارزتر شده است. گرایش تندرو در این مدت موفق شده است که نفوذ خود را در بین سلطنت‌طلبان از جمله در کیهان چاپ لندن گسترش بخشد. گرایش میانه‌رو هم چنان بر مشی خود مبنی با تأمین دموکراسی و تلاش برای همکاری و نزدیکی نیروها تکیه می‌کند. رضایحلو از این امر موضع حرکت میکند.

حزب دموکرات کردستان ایران تلاش میکند که با نیروهای ملی در کردستان یعنی کومله و حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) همکاری نزدیک داشته باشد. حزب شرط همکاری با کومله را مزبندی آن با حزب کمونیست ایران قرار داده بود که ظاهراً اکنون برآورده شده است و با حزب دموکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) صرف‌نظر کردن آن از اسم و هتوان کنونی آن است.

جبهات سیاست‌های ما

مخالفت ما با رژیم جمهوری اسلامی، باید با اتخاذ سیاست مشخص و متفاوت نسبت به جریان‌های متفکله رژیم و همه جریان‌ها و نیروهای موجود همراه باشد و از اینرو:

ما در کل باید در جهت تقویت گرایش‌های مثبت حرکت کنیم و نسبت به نیروهای آن موضع روشن داشته باشیم. مبارزه نویسندگان و هنرمندان غیر وابسته به رژیم مبارزهای است روشنگرانه، تجدد طلبانه و آزادیخواهانه علیه تاریک اندیشی و استبداد مذهبی، لذا باید با تمام قوا از آن پشتیبانی به عمل آورد. تلاش‌های تکنوکرات‌ها در راه جدائی علم و اداره کشور از فقه و تأمین آزادی بیان و مطبوعات مورد تأیید حمایت ماست.

لازم است تحولاتی را که در بین آن دسته از نیروی جناح تندرو که مساله آزادی بیان و مطبوعات و مرجعیت مردم را مطرح می‌سازند، جریان دارد بدقت تعقیب کرده و مورد توجه قرار دهیم و فشارهایی را که از جانب ائتلاف حاکم به آنها وارد می‌شود محکوم کنیم. ما از یکسو اقدامات معین آنها را در راه تأمین آزادی مثبت ارزیابی می‌کنیم و از سوی دیگر سیاست‌ها و گرایش‌های عقب مانده و کور آنها را انشاء می‌کنیم. این سیاست به منزله پشتیبانی از این جریان نیست و نباید باشد. گذشته این جریان جزو گذشته ننگین جمهوری اسلامی است و این گرایش سیر تکوینی را طی می‌کند. به علاوه جایگاه و آینده آن هنوز روشن نیست. در عین حال ما باید نیروی حزب‌اللهی و قشری این جناح را در تمام وجوه انشاء کنیم.

رفسنجانی سکاندار رژیم جمهوری اسلامی است و در اس‌توه اجرایی کشور قرار دارد. در مجموعه سیاست‌هایی که توسط رژیم جمهوری اسلامی پیش می‌رود او بیش از همه نقش و مسئولیت دارد. تضاد و اتخاذ سیاست نسبت به جمهوری اسلامی نمیتواند از تضاد و اتخاذ سیاست نسبت به او منگک باشد، ما باید از یکسو سیاست‌های سرکوبگرانه و نقض حقوق بشر دولت رفسنجانی را انشاء کنیم و از سوی دیگر نشان دهیم که مجموعه سیاست‌هایی که او در ائتلاف با رسالتی‌ها و فقه سنتی و بازاری‌ها می‌خواهد پیش ببرد به هیچوجه پاسخگوی مسائل جامعه ما نیست و سیاستی است سترون و ناکار.

با خامنه‌ای که وظیفه اصلی خود را حفظ حاکمیت اسلامی می‌داند، برخورد ما تابعی است از مخالفت ما با ابقا چنین حاکمیتی. تضعیف موقعیت او، تضعیف فزاینده حاکمیت فقه و ولایت امر است.

جناح رسالت، چنانکه گفته شده، قشری‌ترین و محافظه‌کارترین نیروی سنتی مذهبی را نمایندگی می‌کند و از سرکوب، فرهنگ و اسپگرا و از قارتگری بی‌تدیوبندتجار بازار حمایت می‌کند. این جناح ارتجاعی‌ترین نیروی رژیم است که می‌خواهد در تمام زمینه‌ها فقه سنتی را پیاده کند. باید با این جناح تماماً و در تمام عرصه‌ها مبارزه کرد و ماهیت ارتجاعی، سرکوبگر و اسپگرایانه آن را انشاء کرد. در یک جمع بست فشرده، سیاست‌های جاری ما با تکیه بر ارزش‌های فکری و نیز در خدمت تحقق استراتژی ما که همانا تغییر توازن قوا در کشور به سود نیروی دموکراسی و آزادی، رشد و ترقی و تجدد و تأمین شرایط برای ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی و مالا برای پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی است، حاکمیتی که در همه عرصه‌های فوق‌آزمون خود را پس داده و همچنان نشان می‌دهد که فاقد ظرفیت برای عملکرد ترقیخواهانه و آزادیخواهانه است، مبارتست از: حمایت از مبارزات و مطالبات روزمره مردم و کمک به ارتقای سطح این مبارزات در جهت بهبود وضع معیشتی و مقابله آنها با فشارهای فزاینده اقتصادی و اجتماعی که مسبب اصلی آنها حکومت و قارتگران تحت‌الحمایه حکومت است؛

انشاء اندیشه‌های آزادیخواهانه و حمایت از هر حرکت در جهت آزادی و دموکراسی چه در سطح جامعه و چه حتی در درون حکومت در برابر استبداد حکومتی، و ایجاد همکاری، پیوستگی و یگانگی بین نیروها و گرایش‌های آزادیخواه؛

تقویت اندیشه‌های اداره علمی کشور، رواج تفکر علمی و اتکا بر عرف و حقوق بجای سلطه فقه و احکام دینی بر شئون امر حکومت؛

تشدید کارزار فرهنگی و تقویت جنبش فرهنگی در کشور و خارج، و از این طریق گسترش روحیه و منش آزاد اندیشی و ایجاد فرهنگ دموکراسی در جامعه ایرانی و فضای دموکراتیک در میان نیروها و گرایش‌های متنوع فکر کشور؛

سیاست‌های جاری ما متوجه تغییرات در وضع فعلی کشور برای تأمین تغییر، در آینده است، بگونه‌ای که: به نیروی مردم آگاه و با اتکا بر بسیج نیروهای آزادی و ترقی، رژیم به عقب نشینی‌های هر چه بیشتری وادار شود، بر زمینه‌ناکامی‌های رژیم در تحمیل روش و منش و اندیشه‌های ارتجاعی و خرافی و مستبدانه بر جامعه از هر امکان و نیروی تغییر و تحول مثبت بهره گرفته شود؛ با تکیه بر نقاط ضعف رژیم و نیز حمایت گسترده جهانی، رعایت موازین اولیه حقوق بشر از سوی حکومتگران و از جمله عقب نشاندن آن در زمینه امر بازگشت ایرانیان مجاور به میهنشان تحقق پذیرد؛ با تحرک اپوزیسیون آزادیخواه رژیم که بر لزوم حاکمیت مردم از طریق انتخابات آزاد و رعایت همه ملزومات چنین انتخابی تأکید دارند در امر اتحاد عمل‌ها و نزدیکی‌ها به منظور رسیدن به یک آلترناتیو نیرومند و امیدآفرین در برابر رژیم پدید آید؛ و بالاخره تشدید فعالیت مشترک در سطح بین‌المللی برای افشای عملکرد مستبدانه رژیم و از این طریق اعمال فشار بر آن صورت گیرد. در یک کلام، تمرکز قوا حول مبارزه در راه آزادی‌های سیاسی، دموکراسی و تأمین حقوق بشر مشخصه اصلی خط مشی جاری سازمان ماست. در تنظیم مناسبات با نیروهای اپوزیسیون، ماضن تلاش در راه همکاری، همکاری و شکل‌گیری نیروهای چپ دموکرات، و کوشش در راه نزدیکی و اتحاد نیروهای دموکرات در راستای تشکیل جبهه‌ای از جمهوریخواهان آزادیخواه، در شرایط کنونی بر اتحاد عمل‌های متنوع و گسترده حول مبارزه برای خواستهای دموکراتیک و آزادیخواهانه تأکید داریم. سازمان ما برای تحقق این امر ضرور، از انواع ابتکارات در مضمون و تنوع در شکل اتحادها استقبال میکند و می‌کوشد در این عرصه مبتکرانه عمل کند.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

چهاردهم فروردین ماه ۱۳۷۱



رنج معلم مانندن

انسانی از فرمولها و راه‌حلها و پاسخهای درسی است. فاصله یافته از جستجوگری و نوآوری و احساس، هر روز چهار پنج نوبت مانند گرامافونهای سکه‌ای موضوعی را تکرار می‌کند.



همه قلمروها یک به یک به انحصار پیروان یک دین و به تنگ آفرین قلمرو بودند: سرگش و آفرین و پرورش، نه سرنگ، که از روی حکم، بارویی برپا شده از سنگ خاری و مینوی و دانش و عاقله، اگر بابت پیروزی را برین آید بازو برافرازد؟ - به همه مانا را که بگویند نواب نگیرد - از هم اکنون به علامت پیروزی صفهای می کشند. پیروان و پیروان گرفته است. سرداران و پاسداران دانش فرسوده اند، نه کجایات و سوسه و رنگباز و برای برخی گریزهای ارزشند. و این آیهان اشتغال بایند، «عرب آفرین است. صاحب ثروت و سرمایه حرم آفرین و پرورش را بورد تاج قرار داده اند. گریه می سازند، سر راها را به روی خود کشوده نمی بایند و از استیلا کامل هم چندان فاصله ای ندارند.

سنگینتر است. او به ناچار خود را در دو عرصه عرضه می‌کند. یک بخش دولتی خود را در مدارس دولتی و بخش آزاد را در مالیاتهای آزاد. مالیات‌افزاد طیف بزرگی از مردم را در برده‌دلالی گرفتار گرفته تا تدریس خصوصی. همه برای دو حکم "پاره سنگ اندک" را خواهند داشت: تعادلی محدود در رنجش به وجود ساروند هر چند که "پاره سنگها" هم هر روز کم‌تر و زودتر می‌شوند، بنابراین، معلم هر روز هم شده باشد ترجیح می‌دهد از بخش دولتی خود بگذرد. در نتیجه مانند دیگر کالاهای با نرخ دولتی، کباب و نان یک می‌شود، از کیفیت می‌افتد و به سزونی مشابه آنها گرفتار می‌آید. بی‌می‌کند هر جایی عرضه شود که خریدار بهتری داشته باشد. فغانهای زافزون انتقال از بهرستانها به تهران و از مناطق جنوب به شهرهای مناطق ۱ و ۲ و ۳ تهران دلجویایی نمی‌دارد. برخی از معلمان و گردانندگان مدرسه نیز به موضعی رسید که "مقتضای" دانش‌آموز را نسبتاً با امکانات چنین‌اشی دوره ارزانی قرار می‌دهند و شان و ارزش خود را نشان می‌دهند و مالیاتی را برایش می‌کند. در بخشی موارد دیده شده است که عده‌ای آگاهانه و با همدستی یکدیگر برنامه کلاس و برش را برای تفریبات تنظیم کرده‌اند که دانش‌آموز برای قبول شدن نیازمند تدریس خصوصی شده‌است. در تعدادی از مدارس خصوصی، پنهانی، بین

این دوره، مقارن است با افزایش درآمد بخش خصوصی، عده زیادی از دبیران و ترنشان و با تجربه، مدرسان آموزشگاههای خصوصی در این دوره هستند. آموزشگاههای خصوصی دارند با به غیرت کثیفترین اسامی آن بهمان در زمره هماران خود، دانشآموزان بیشتری را به سوی آموزشگاه جذب کنند. محدودیتهای اعزام دانشآموز و دانشجویان خارج از کشور به صورت رسمی از یک سو و فاجعه جنگ و سالها خدمت سربازی در

این دوره، نظارت است با افزایش درآمد بخشی خصوصی، عده زیادی از مدیران و شراکتان و با تجربه شدن آموخته‌گاههای تخصصی در این دوره هستند. آموخته‌گاههای یادمان به به غیرت کشیدن اساسی آن به‌همان در زمره حکمرانان و دانش‌آموزان بیشتری را به سوی آموخته‌گاه جذب کنند. آموخته‌گاههای اعزام دانش‌آموز و دانشجویان خارج از کشور به صورت رسمی از یک سو و دامنه جنگ و صلحه خدمت سربازی در

بیانیه مشترک

در باره انتخابات مجلس جمهوری اسلامی

انتخابات چهارمین دوره
جلسه با در نظر گرفتن جو حاکم
ییزی جز ادامه همان سیاست
روکوب ولی با شیوه و حربه‌ای
تفاوت نیست. این انتخابات
تنها چرخشی به طرف مردم
سالاری و آشتی با اجتماع مردم
بست، بلکه گامی است در جهت
ضربه و مطلق نمودن قدرت،
شبهی است در جهت خلع سلاح
نمودن دیگر اندیشان و
مطلق العنان نمودن رهبری.

استقرار و اهتلاي گسترش فرهنگي
ورفاه مادي است. ”
امضاءکنندگان اين اعلاميه،
به نکات مشترک ذيل نائل
آمده اند:

” ۱ - شامل اصلي اوضاع سياسي -
اجتماعي و اقتصادي فعلي کشور،
نظام ولايت فقيه ورژيم
جمهوري اسلامي بوده و ادامه
استيلاي اين نظام به مفهوم زوال
قطعي کشور در همه زمينه ها
خواهد بود.

انتخاب که در نفس خود وجود
 راه متفاوت و مخالف و آزادی در
 رگ زیدن را مستتر دارد، روشی

۲ - القای این نظام از طریق
 توسل به قهر راهگشای استقرار
 نظام استبدادی دیگری مشابه

روز معلم در عین حال یادآور
مبارزات فرهنگیان ایران به
خاطر احقاق حقوق سیاسی-
اجتماعی- فرهنگی و رفاهی
خویش است و پس از آن پایه
گذاری یک دهه در ۱۱ اردیبهشت
سال ۱۳۴۵، مامورین رژیم شاه
در جریان سرکوب مبارزات
معلمین و فرهنگیان جهت احقاق
حقوق خود، دکتر خاتلی معلم
رحمتکش و مبارز تهران را به
شهادت رساندند. پس از انقلاب،
حکومت اسلامی با دستاویز ترار
دادن ترور آیت الله مطهری در
۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، کوشید
روز معلم را که نیروهای چپ و
دمکرات جامعه در تجلیل از آن
بیستاز بوده اند، موضو کنند تا اولایه
آن جنبه ای مذهبی دهد و ثنائیروز
جهانی کارگر را در برابر آن
تضعیف نماید، اما جز نیروهای

نام "معلم" به دانش آموز و تدارک زمینه‌ای برای تدریس خصوصی و گاه حتی نمره، "نقش حق العمل‌کار" را پیدا کرده‌اند. دانش، این قبیل مایل در پاره‌ای موارد حتی نا حوره‌های تصحیح اوراق امتحانی و اتاقهای درسته، طرح سوال نیز گنبد شده است.

[illegible]

Age Group	1990	1995	2000	2005
0-14	14.5	13.5	12.5	11.5
15-24	13.5	12.5	11.5	10.5
25-34	12.5	11.5	10.5	9.5
35-44	11.5	10.5	9.5	8.5
45-54	10.5	9.5	8.5	7.5
55-64	9.5	8.5	7.5	6.5
65-74	8.5	7.5	6.5	5.5
75+	7.5	6.5	5.5	4.5

میلیون نفر آوارگان کشور من، به کشور شما که در آن روزگاران حامی زحمت‌کشان جهان نامیده می‌شد پناه آوردند تا در کنار دیگر هم‌زمان خویش تا روز بازگشت آزادی و دموکراسی به جامعه بر علیه نابرابری و بی‌عدالتی‌ها مبارزه نمایند.

جای بسی تأسف است که این افراد در کشور آلمانی خویش، نه تنها از حداقل امکانات زندگی حتی کشورهای امپریالیستی برای دیگر هم‌وطنانشان تهیه دیده بودند بی‌بهره ماندند، بلکه برای اجرای سیاست به اصطلاح دیکتاتوری زدائی و

میلیون نفر آوارگان کشور من، به کشور شما که در آن روزگاران حامی زحمت‌کشان جهان نامیده می‌شد پناه آوردند تا در کنار دیگر هم‌زمان خویش تا روز بازگشت آزادی و دموکراسی به جامعه بر علیه نابرابری و بی‌عدالتی‌ها مبارزه نمایند.

جای بسی تأسف است که این افراد در کشور آلمانی خویش، نه تنها از حداقل امکانات زندگی حتی کشورهای امپریالیستی برای دیگر هم‌وطنانشان تهیه دیده بودند بی‌بهره ماندند، بلکه برای اجرای سیاست به اصطلاح دیکتاتوری زدائی و

مقام معلم که در همه
کشورهای دموکراتیک و فرهنگ

توانی دولتی اشخاص معلم را برای کار در مدارس غیر اشخاصی افرایش می دهد. علاوه بر پرداخت اس مزارق کشاورزی، دانستن اشتراکهای دیگری با معاهدات دانستی آموختن در کلاس، کتابخانه، آموشی و غیره می تواند تأثیر حذب طلبی را بآورد و با تجربه خود، در سطح درسی نخواهد گذشت و مدارس دولتی را ایوه تأکید و چندینویس بودن مشوره و کشود تجهیزات آموشی و معضلات دیگر، نشانه یک مکانی تبدیل خواهند شد که کودکان و جوانان - مهربان - بر آید که حاصل داده های آن در حد ساعتی در درس نداشته باشند - مدتی از طول روز را در اتاقهای آن بکری و زیر نظر تعدادی حقوقی جز می یارند. لحظه های رشدی ایان به جای رازور شدن با مسائل علمی باقی بگرنی داده اند به جهان. کسب روح آفرندگی و شکوفایی هرب اسیان و سربلندی، بی یزید و از دست می رود و آنها به هنگام دواع محیط درس به وجوددانی عامل تبدیل می شوند.

ادارهٔ آموزش و پرورش منطقهٔ یک شهران
در یک کمپسی از میزان قبول‌شدگان سال
چهارم تحصیلی از سرپوش خود در سال
تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ به حقایق دست یافته
که آن را به زبان آمار باز گفته است:
دبیرستان غیر «اسفغان» اروپا را ارائه
فیزیلی دست در مد فرست اول این منطقه قرار
گرفته است. در برابر آن، دبیرستان بخش
الوساتان همان منطقه، اساساً به خاطر نداشتن
یک دبیر ورزیدهٔ فیزیکی، به‌جده درسد
فیزیلی در آخر جدول جای گرفته است.

Year	Japan	Germany	France	Italy	Canada	U.S.
1950	15.0	12.0	12.0	10.0	8.0	8.0
1960	16.0	13.0	13.0	11.0	9.0	9.0
1970	17.0	14.0	14.0	12.0	10.0	10.0
1980	18.0	15.0	15.0	14.0	11.0	12.0

السلامة

دیگر اسی طلبی به گرسنگی، عدم استفاده از امکانات تحصیلی و دیدار دیگر اعضای خانواده خویش که در دیگر کشورهای جهان بسر می‌برند نیز محروم گردیده‌اند...

مدارک شناسایی ما نه تنها مورد قبول کشورهای جهان نیست بلکه در پاره‌ای موارد مورد قبول کارگزاران خود شما نیز نمی‌باشد. در بیشتر اوقات رفقای مرا که هنوز آثار شکنجه‌های حیوانی در بدن آنها بیداست بعزت در دست داشتن "گواهنامه بدون وطن" به چشم دزدان و آدم‌کشان حرفه‌ای می‌نگرند.

در حال حاضر فرزندان خردسال ما، با خطر گرسنگی و عدم ادامه تحصیل روبرو هستند. هیچ ارگان صلاحیتداری مسئولیت ما را به عهده نمی‌گیرد. بنابراین در این برهه از زمان وجودان‌های سدار را به یاری

دوست از والاترین مقامها و مورد احترام جامعه است، در حکومت اسلامی به شکلی خشن لگد مال شده است. طی ۱۳ سال حکومت اسلامی هزاران معلم بدلیل اعتقاداتشان از کار اخراج شدند. عوامل متعدد رژیم در مدارس از امور تربیتی گرفته تا انجمن‌های اسلامی معلمین را تحت فشارهای گوناگون قرار داده‌اند، صدها هزار معلم کشور از داشتن سازمانی صنفی برای دفاع از حقوق اجتماعی و رفاهی خود محروم هستند و در تعیین سیاستهای مربوط به نظام آموزشی کشور فاقد هر گونه نقش و تاثیر گذاری می‌باشند. وضعیت معلمان در ایران آئینه تمام نمای ظلمی است که نه تنها بر این قشر زحمتکش بلکه بر علم و فرهنگ در جامعه ما می‌رود.

ما روز معلم را همراه با همه
فرهنگیان کشور گرامی می‌مداریم
و خود را در تلاش آنان برای رهایی
از شرایط دشواری که در آن
گرفتار آمده‌اند و برای نجات
دستگاه آموزش و پرورش کشور از
شر جهل و خرافات و تاریک
اندیشی سهم می‌دانیم.

آیا اگر همت آن جوانان سخت کوشی بخشی
لواآبانات اندکی سست تر می‌شود و نتیجه "صد
به صفر" گویای بسیاری از مسائل نمی‌بود؟ بر

شیرین آفتابی که بیست و سه سال تقسیم آریا این فیزیک حکم ندهد است که آموزش و بیروزش را از نیمه فلفلی کند؟ مدرسی با تعداد دانش آموز مبین، مدرسی کارآمد، دانش فنی الماده، برنامه‌ریز مرتب، کردارنده‌های نفی خنده روی مهربان، کرما و نورناسب، روایت برده‌های پرزده؟ نو، معلم خصوصی، لوازم التحریر لکونی و شاشی و بر پرکت و ... و از آن کوهی سازد و مدراس بنده نوشی، ملطو و کردارنده‌های خست و اخعو، کردارنده‌های طوطی و شاکراند سرشار از واهمه و خیالهای بر تن و ساز و خست معزوم از قلم و کاغذ، سرما و تاریکی، بی‌برنامگی و بی‌مصلتی، اشتیاق فسرده، بی‌امکان کاری افشانی در بی‌عجزجاری و بی‌مکاتاتی مدرسه، تخته سیاهی‌نه شکسته، بستی سی پاله از سوز خیل بیشتر کردارنده‌ها؟ از این غزبانه، آموزش و بیروزش سه همانند بر امکان دیگر اس مرز و بوم، سه‌مهی و ریز و درست نمی‌دود؟ صفرهای پرپوزی برای تخریب باروی آموزش و بیروزش خواب برده زنده، تست؟ آموزش سسم بی فروغ غبت این مرزوان‌تست جلجلاز داشت؟ چگونه می‌توان انتظار داشت که در چنین شرایطی آموزش و بیروزش بتواند لشکری از علم آرایشی و دانشی بتواند دلسته و استغلال این‌سرزمین را بیورود؟ آموختن‌ها و متواریهای رسمی در جاکگاه فلفلی‌شدن آموزش و بیروزش را خواهد کاست؟ توبیخه و نیمه‌ها او را از این مصمت زی‌هاند؟

فرزندانمان می‌طلبیم و از شما می‌خواهیم ضمن پذیرش حق پناهندگی ما، ترتیبی اتخاذ فرمائید تا ما بتوانیم به دیگر کشورهایی جهان مسافرت و از طریق کار و یاری گرفتن از نزدیکان خویش، زندگی حداقلی را برای فرزندانمان تامین کنیم.

امیدوارم با رسیدگی به وضعیت ما، سیاستی درست و اصولی در جهت اعتلای زندگی بهتر برای مردم خود و ما برگزینید. سیاستی که مورد قبول تمام زحماتکشان جهان و انتظارات آنان از شما باشد، زیرا من براین باورم که زحماتکشان کشور من و دیگر کشورهای گیتی هر گونه بی‌عدالتی را بر مچرانش نخواهند بخشید.

باتقدیم احترام - حمیدقام
نریمان اسفندماه ۱۳۷۵

دعوت جبهه نجات اسلامی الجزایر به قهر

ملکه گرنو کارشناس مسائل تربیتی و ازمنتقدان نظام آموزشی الجزایرند. در این شورا همچنین تعدادی از روزنامه نگاران، دانشمندان، فعالین سندیکایی و روحانیون عضویت دارند. اکثریت اعضا شورا را صاحبان حرفه‌هایی مانند پزشکی و وکالت تشکیل می‌دهند که مخالف جبهه نجات اسلامی‌اند. ریاست شورا برعهده مصطفی خراف جامعه‌شناس الجزایری است. اعضای شورا از سوی محمد بوضیاف رئیس شورای دولتی (رئیس‌جمهور) منصوب شده‌اند. بوضیاف در نطقی که به مناسبت انتصاب شورا ایراد کرد دیگر بر برنامه‌ای که قصد دارد آن را تا پایان دوره فعلی، که دسامبر ۱۹۹۳ اعلام شده است به اجرا بگذارد، تاکید ورزید. از جمله موارد برنامه بوضیاف عبارتند از: تامین امنیت عمومی، بهبود وضعیت اقتصادی و تشکیل یک «جنبش میهنی» که قرار است به پایگاه سیاسی حکومت در جامعه تبدیل شود.

در حال حاضر در الجزایر افراد مسلح بنیادگرا کماکان افراد پلیس را مورد حمله قرار می‌دهند و به قتل می‌رسانند. بر دیوارهای خیابانها پوسترهایی با عکس تروریستهای تحت تعقیب دیده می‌شود، شمار پست‌های کنترل در خیابانها رو به افزایش است. به ادعای جبهه نجات اسلامی، هفت هزار نفر در بازداشتگاههای برپا شده در صحرای الجزایر هنوز بدون محاکمه به سر می‌برند. قرار است تا روز ششم اردیبهشت دادگاهی در الجزیره در مورد ممنوعیت جبهه نجات اسلامی که روز ۱۴ اسفند اعلام شد، تصمیم نهایی را بگیرد. انتظار می‌رود دادگاه بر ممنوعیت جبهه نجات صحنه بگذارد. در آن صورت باید منتظر تشدید رویارویی بنیادگرایان با حکومت بود. وضع اقتصادی الجزایر بسیار وخیم است. ذخایر ارزی این کشور که از ۸۵۰ میلیون دلار تجاوز نمی‌کند تنها برای واردات یک ماه و نیم کافی است. بانک جهانی هنوز، با اعلای یک اعتبار جدید ۱۷۵ میلیون دلاری به الجزایر موافقت نکرده است زیرا دولت الجزایر با آزاد کردن قیمت مواد غذایی و خصوصی کردن واحدهای اقتصادی دولتی مخالف است. بوضیاف ۷۲ ساله برای احیای روند دمکراتیزه کردن الجزایر، می‌خواهد با هاربه گرفتن اسلوب این حال احزاب مزبور قدرت به کرسی نشاندن خواستهای خود راندارند. اپوزیسیون الجزایر دچار تفرقه‌ای شدید است.

به نظر می‌رسد اکثریت مردم الجزایر نه به اپوزیسیون و نه به رژیم بوضیاف اعتماد ندارند. مردم در بدو به قدرت رسیدن بوضیاف از وی و ارتش انتظار پیگرد موارد همده فساد در دستگاه دولتی و تصفیه این دستگاه را داشتند تا در الجزایر قضای سیاسی جدیدی ایجاد شود. و در از مدت، اوضاع بهبود یابد. لازمه اینکار آنست که بخش بزرگی از دستگاه دولتی مشمول تصفیه شود، در حالی که بوروکراسی الجزایریکی از تکیه‌گاههای همده بوضیاف است.

روز دوم اردیبهشت، رهبری الجزایر ترکیب یک هیات مشورتی و معرفی اعلام کرده که قرار است پیشنهادهای خود را به حکومت ارائه دهد. انتصاب این شورا، تلاشی برای دادن مشروعیت به حکومت الجزایر محسوب می‌شود که از ۲۰ بهمن‌ماه گذشته تاکنون بر حکومت نظامی متکی بوده است. از جمله اعضای شورای انتصابی، سه وزیر دوران زمامداری هواری بومدین رئیس‌جمهور سابق الجزایر و چند سیاستمدار زن مانند خالد مسعودی از فعالان جنبش برابر حقوقی زنان

برای نخستین بار، یک ارگان غیررسمی جبهه نجات اسلامی الجزایر خواهان مبارزه مسلحانه علیه دولت این کشور شد. نشریه «منبر الجمعه» که بطور غیرقانونی چاپ می‌شود، از مردم خواست «بدنبال تقاضاهای نافرجام برای مذاکره، از گفتگو به اسلحه‌روی آورند». این نشریه می‌افزاید علیه سرکوب در الجزایر مقاومت وجود دارد، و ما برای نجات الجزایر حاضریم میلیونها نفر را قربانی کنیم. ارگان بنیادگرایان الجزایر در «صف اول» قربانیان، از شورای دولتی حاکم نام می‌برد.

در پروچه میگذرد؟

بازگشت به کشورش مانند فوجی موری سخن از «نوسازی» به میان آورده تاکید کرد تصد انجام اصلاحات بدون «خودکامی و دیکتاتوری» را دارد. سان رومان با پیشنهاد فوجی موری برای انجام «گفتگوی ملی برای صلح و توسعه» مخالفت کرده و به نوبه خود پیشنهادی برای اصلاح قانون اساسی و «رفع نواقص» در قوانین مکتبه و قضائیه ارائه داده است. سان رومان که اصل و نسب او به سرخیوستان ساکن مناطق مرتفع داخل پرو باز می‌گردد، پیش از انتخاب به معاونت ریاست

روز شانزدهم فروردین البرتو فوجی موری رئیس‌جمهور پرو با اعزام واحدهای ارتش، پارلمان این کشور را منحل کرد. وی به ۲۳ میلیون نفر مردم پرو وعده داده است. شبه کودتای فوجی موری با واکنش تند آمریکا روبرو شد. ایالات متحده اقدام فوجی موری را محکوم کرده و خواهان «بازگشت پرو به قانونیت» شده است. کمکهای مالی آمریکا به پرو متوقف شده و اکثر کشورهای غربی از این اقدام پیروی کرده‌اند.



فوجی موری برای توجیه کودتای خود به مردم وعده اصلاحات داده است

جمهور سختگوی صاحبان صنایع کوچک بود. مخالفان فوجی موری، به او که از یک خانواده مهاجر ژاپنی است لقب «کینوشه» داده‌اند (مرکب از «کینو» با کتایه به اصل و نسب آسیایی فوجی موری و «پینوشه»). هر دو «رئیس‌جمهور» پرو سخن از اصلاحات و نوسازی می‌رانند. اما راه حل‌های مشخص هیچ یک برای انبوه معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پرو روشن نیست. مبارزه برای کسب قدرت در لیا، بر هدم اطمینان افزوده است. بورس لیما ناآرام است و در جلوی بانک‌ها، صف‌های طولانی از کسانی که می‌خواهند سپرده‌های خود را پس بگیرند، دیده می‌شود. خبری که اخیراً منتشر شد، بر نگرانی‌ها افزوده است: این خبر حاکی است فوجی موری می‌خواهد برای سرکوب جنبش چریکی چپ‌گرای «راه درخشان» که از دوازده سال پیش با دولت پرو مبارزه مسلحانه می‌کند، بودجه بیشتری در اختیار ارتش بگذارد و بدین منظور، در صدد است تا محدودیت‌های سیاست پولی دولت را کاهش دهد. این بدان معنی است که تورم در پرو افزایش خواهد یافت.

روز اول اردیبهشت بخش بزرگی از نمایندگان پارلمان منحل شده پرو در محل کانون وکلای دهاوی این کشور گرد آمدند و مایخیمو سان رومان، معاون فوجی موری را به عنوان رئیس‌جمهور جدید برگزیدند. سان رومان مدعی ریاست جمهوری قانونی پرو است. او اندکی کمتر از دو سال پیش همزمان با انتخاب فوجی موری، به معاونت وی برگزیده شد. سان رومان پس از سوگندی که در حضور نمایندگان پارلمان ادا کرد، از نظامیان خواست در برابر کودتای فوجی موری از دمکراسی حمایت کنند. اما تاکنون حداقل فرماندهی کل ارتش بطور یکپارچه پشتیبان فوجی موری است. قدرت واقعی در دست فوجی موری است. برخی نظرخواهی‌ها حاکی از آن است که اکثریت مردم پرو از رئیس‌جمهور طرفداری می‌کنند و اعتمادی به قوانین مکتبه و قضائیه ندارند. این دو قوه که قاعدتاً باید دو رکن مهم رژیم دمکراتیک باشند، در پرو به بی‌خاصیتی و فساد مشهورند. مایخیمو سان رومان به هنگام کودتای فوجی موری در ایالات متحده به سر می‌برد و اخیراً به پرو بازگشته است. وی در

تشدید فشار سیاسی و روانی امریکا علیه کوبا

کوبا بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و تحولات در کشورهای اروپای شرقی از حمایت آنها محروم شده و با مشکلات اقتصادی فراوانی روبرو است. دولت آمریکا با توجه باین وضع، بر اقدامات خود جهت سرنگونی دولت کاسترو افزوده است. از زمان فروپاشی شوروی در پاییز گذشته، تاکنون چندین گروه کوچک ولی منظم و متشکل به داخل کوبا اعزام شده است که عده‌ای از آنها دستگیر شده‌اند.

رسانه‌های آمریکا بر تبلیغات خود علیه کوبا افزوده‌اند. گروه قدرتمند کوبانی‌های مهاجر مقیم آمریکا که با کابینه دولت بوش رابطه‌ای بسیار نزدیک دارند، اخیراً میزان فعالیت‌های خود را افزایش داده‌اند.

دولت کوبا مانند سابق در مقابل فشارهای آمریکا ایستاده است. کاسترو می‌گوید: «ما نمی‌خواهیم بجنگیم اما آماده نیستیم. که در برابر امپریالیسم آمریکا زانو بزنیم. ما صدها تونل در اطراف جزیره ساخته‌ایم. به گفته چند شبکه رادیو تلویزیون آمریکا، دولت کوبا اخیراً یک نیروی نظامی که به سپاهیان واکنش سریع معروف‌اند، تشکیل داده است.

فیدل کاسترو و یاران او همچنان از انجام فرزندمهای سیاسی سر باز می‌زنند. فشارهای آمریکا موجب شده است که دولت کوبا بر اقدامات خود جهت سرکوب مخالفین بیفزاید. اخیراً راتول کاسترو وزیر دفاع (برادر فیدل کاسترو) تهدید کرده است دادگاههای انقلابی دوران ۱۹۵۹ که هزاران نفر توسط آن به مرگ محکوم شدند، مجدداً به صحنه باز خواهد گشت. در چند ماه اخیر عده‌ای از مخالفین حکومت دستگیر شده‌اند و تعداد زندانیان سیاسی افزایش یافته است.

بگزارش رسانه‌های گروهی آمریکا، حزب کمونیست کوبا اخیراً به توزیع اسلحه در بین کارگران کارخانه‌ها و اتحادیه‌های کارگری مبادرت ورزیده و اعلام کرده است کمیته‌های محلی، مأموران دولتی، پلیس و کارگران مسلح در یک نظام واحد مسلح اقدام خواهند شد تا علیه دشمنان خارجی و داخلی مبارزه کنند. امتناع دولت کوبا از گسترش و تسریع تحولات دمکراتیک در کشور، زمینه تشدید دخالت‌های آمریکاداران در کشور را مهیا می‌کند و اکنون آمریکا، فشار سیاسی و روانی علیه کوبا، اشدت بخشیده است.

این اقدام وجود دارد و در نهایت ممکن است یوگسلاوی بعنوان نخستین عضو سازمان ملل که در تاریخ این سازمان از این جامعه اخراج می‌شود، عضویت خود را در سازمان ملل متحد از دست بدهد. چنین تحولی، به معنای لطافت فزوان به موقعیت سیاسی و اقتصادی صربستان و مونه‌گری خواهد بود زیرا محروم شدن از عضویت در صندوق بین‌المللی پول و سایر سازمانهای بین‌المللی را بدنبال خواهد داشت. تاکنون صربستان از طرح تقاضای بمرسیت شناخته شدن خودداری کرده است زیرا هنوز معتقد به بقای یوگسلاوی است.

افغانستان در انتظار آینده‌ای تاریک

به یک تعبیر، آنچه امروز بر افغانستان، همسایه شرقی ما می‌گذرد، عوارض خام‌اندیشی کودتاه کودتاچیان ۱۳۵۷ و توسعه طلبی رهبری فرتوت شوروی در دوران برژنف است. اما این، تنها یک روی سکه است. از آنجا که یک شیوه دروغ‌گویی، مسکوت گذاشتن نیمی از حقیقت است، نباید این نکته را ناگفته گذاشت که قرب در قدرت گرفتن نیروهای تاریک‌اندیش ترون و سطلایی در افغانستان، مسئولیت اصلی را برعهده دارد. اگر تاپیش از خروج نیروهای شوروی از افغانستان و یا - در صورتی که بیش از حد خوش بین باشیم - تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی، برای قرب دلایل حداقل قابل توجیه در مسلح کردن شورشیان مرتجع افغانی وجود داشت، خودداری فرب از برقراری یک رابطه معقول با دولت نجیب‌الله در ماههای اخیر را نمی‌توان به هیچ چیز جز انتقام جویی کور تعبیر کرد. در خود کشورهای غربی نیز محافل واقع بین می‌دانند که برای آنها قدرت گرفتن اسلام ستیزه‌چور کابل خالی از دردسر نخواهد بود: افغانستان از هم اکنون به منشأ ناامنی و بی‌ثباتی برای تاجیکستان تبدیل شده است. اگر فرب در تصد اعلام شده خود برای جلوگیری از ایجاد زنجیره جمهوری‌های اسلامی در آسیای میانه جدی باشد، انتظار منطقی این است که از آنچه امروز در افغانستان می‌گذرد شدیداً احساس نگرانی کند.

اما ظاهراً در آمریکا و کشورهای متحدش کسانی حکومت می‌کنند که بر ایشان هنوز ریشه کن کردن هر اثر باقی مانده از تجربه فساد ساله سوسیالیسم واقعا موجود، مسئله همده است. دولت بوش در همین هفته گذشته حلقه محاصره اقتصادی به دور کوبا را تنگ‌تر کرد. در تاجیکستان فرب بیشتر از باقی ماندن نیاف در مقام رئیس‌جمهور نگران است تا از افزایش بجهن وار نفوذ طرفداران جمهوری اسلامی. و در افغانستان، آمریکا تا همین پنج‌ماه پیش سالانه رسماً دهها و بلکه صدها میلیون دلار اسلحه به کسانی می‌داد که اگر بتوانند، بساط بریدن دست و سگسار کردن و پردگی زنان را برپا خواهند کرد. از سیاستمداران واشنگتن که آموزش دیده مکتب جنگ سردند، انتظاری جز این نمی‌رود.

ژورنالیست‌های غربی عادت دارند هر جا که مقاصد سیاسی ایجاب کند، چیزهایی را کشف

کنند که ربطی به واقعیت ندارد. همانگونه که می‌توان با یک چرخش قلم، موجودی مانند رنستجانی را «میان‌رو» کرد، پیدا کردن چننین «میان‌رو»‌هایی در افغانستان هم دشوار نیست، بخصوص اگر دلار هم پشتوانه این جستجو باشد. اکنون در وجود «احمدشاه مسعود» مردی را یافته‌اند که گویا نقطه «اندکی» بنیادگراست. معلوم نیست سرکرده نظامی «جمعیت اسلامی» کی و کجا کدام حرف را زده و کدام مطلب را نوشته که اینچنین سهل‌الوصول، لقب میان‌رو را از آن خود کرده است. اگر این وعده او که جنگجویانش کابل را قارت نخواهند کرد، نشان از میان‌رویی او باشد، پس ضمنی بسیار میانه‌روتر بود زیرا قبل از به قدرت رسیدن همواره می‌گفت حکومت اسلامی حکومت رفت و عطفوف است. همین نکته که مسعود قول می‌دهد در کابل دست به قتل و قارت نزند، نشان می‌دهد که کار او و باندش در این سیزده سال چه بوده است. وی در آخرین مصاحبه‌اش تاکید کرده است که هدف برپایی حکومت اسلامی، وجه مشترک او و حکومت یار است.

اگر حکومت در کابل به دست کسانی مانند حکمت یار و احمدشاه مسعود بیافند که - خواهد افتاد - آینده‌ای تاریک در انتظار افغانستان است. در این کشور، قدرت و اسلحه در دست کسانی است که آمیزه مشمزلکننده‌ای از تعصب عشیره‌ای، واپس‌گرایی اسلامی و سرسپردگی به دلار، تعیین‌کننده عمل سیاسی آنهاست. با حکومت چنین نیروهایی، باید امیدهایی را که از چهارده سال پیش به مدرنیزه کردن افغانستان برانگیخته شد، به خاک سپرد. برای ما چنین تحولی جز نتایج منفی نخواهد داشت. حکومت آخوندها سعی خواهد کرد از آب گل‌آلود افغانستان ماهی بگیرد و به قدرت رسیدن «مجاهدین» - هر چند سرخ آنها دست «شیطان بزرگ» و وهابیت باشد - را یک پیروزی ایدئولوژیک برای خود به حساب آورد. در مورد مهاجرین افغانی نیز، هیچ چشم‌اندازی برای بازگشت اکثریت آنها به کشورشان وجود ندارد. مردمی را که از سالها پیش در ایران زیسته‌اند و در همه عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی به جزیی از جامعه تبدیل شده‌اند، نمی‌توان به‌زور بیرون راند.

سهراب مبشری

نبرد در بوسنی-هرزگوینا بقیه از صفحه ۱۲

آخر هشت شهر بوسنی به تصرف شبه نظامیان صرب و ارتش فدرال یوگسلاوی درآمده است. نیروی هوایی یوگسلاوی روز اول اردیبهشت حملاتی علیه فرب مرز ه گوبین انجام داد. به گزارش رادیو کرواسی در این حملات حداقل یک نفر کشته شد. یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا طی دیداری با میلو شوچ رئیس‌جمهور صربستان، «نگرانی جدی» دولت متبوع خود از بابت «تجاوز صرب‌ها» در بوسنی را به اطلاع او رساند. میلو شوچ اتهامات آمریکا را رد کرد و تاکید ورزید صربستان علیه

بوسنی ادعای ارضی ندارد. آمریکا و جامعه اروپا - به ویژه آلمان - در صددند فشار بین‌المللی علیه صربستان را افزایش دهند. کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، بلگراد را تهدید به اخراج از این جامعه کرده است. برخی گزارش‌ها حاکی است آمریکا و آلمان در صدد قطع مناسبات دیپلماتیک با یوگسلاوی‌اند. یوگسلاوی با جدایی کرواسی، سلوونی، بوسنی - هرزگوینا و مقدونیه، اکنون از صربستان و مونه‌گری تشکیل شده است. در صورت قطع مناسبات دیپلماتیک آمریکا و جامعه اروپا با یوگسلاوی، امکان تبعیت سایر کشورها از

حرفات :

ما خواهان صلح شجاعانه ایم نه خواهان تسلیم طلبی

یاسر عرفات سال‌های بسیاری است که از معروفترین و مورد بحث‌ترین سیاستمداران است، او که در سال ۱۹۲۹ به عنوان پسر یک تاجر منسوجات در اورشلیم زاده شد، در جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ سلاح در دست گرفت. بعدها در قاهره به تحصیل الکترونیک پرداخت و در آنجا اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی را بنیان گذاشت و در جبهه مصر در جنگ سوئز سهم جست. او ۸ سال در کویت به کار پرداخت.

یاسر عرفات که از پایه‌گذاران الفتح محمترین سازمان فلسطینی بود، در سال ۱۹۶۹ صدر شورای مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین شد. در آن زمان این سازمان قدمتی پنج ساله داشت. در نتیجه اشغال نظامی لبنان توسط ارتش اسرائیل در ژوئن سال ۱۹۸۲، رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین مقرر خود را از بیروت به تونس انتقال داد. پس از آنکه در نوامبر سال ۱۹۸۸ بر زمینه انتفاضه، دولت فلسطین برپا شد، شورای مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین عرفات را به ریاست جمهوری آن برگزید.

خودداری او از قرار گرفتن در جبهه‌های نظامی ایالات متحده در جنگ امپریالیستی خلیج بر علیه عراق و نیز خودداری از بی طرفی، در این اواخر برای بی‌وجه نمودن شخص وی و سازمان آزادیبخش فلسطین مورد استفاده قرار گرفت. گفتگوی ذیل بلافاصله پس از دیدار عرفات با رهبری هیئت مذاکره فلسطینی حاضر در کنفرانس صلح خاور نزدیک توسط کای مژنر خبرنگار نشریه "نویس دویچلاند" با وی صورت گرفته است.

* اواخر آوریل از واشنگتن چنین به گوش رسید که امکان از سرگیری مجدد مذاکرات خاور نزدیک فراهم شده است. به هرحال نتایج چهار دور تاکنونی این مذاکرات زمینه‌چندانی برای خوشبینی بوجود ندهی آورد.

متأسفانه من هم باید اذعان کنم که هیچ‌گونه پیشرفتی در زمینه صلح در خاور نزدیک وجود ندارد. علت این امر کله شقی اسرائیل است، اسرائیل به اجرای تصمیمات قانونی کمیته‌های بین‌المللی تن در نمی‌دهد و این تنها بر اساس حمایت بی‌حد و مرز ایالات متحده آمریکا و برخی دول اروپایی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی امکان پذیر است. اسرائیل به غارت خاک فلسطین ادامه می‌دهد و در مناطق اشغالی اقدام به دهکده‌های دفاعی برای مهاجرین جدید می‌کند. اسرائیل به مقابله با تصمیمات سازمان ملل و معاهده چهارم (کنوانسیون) ژنو (در مورد مصونیت افراد غیر نظامی در زمان جنگ تحریریه) می‌پردازد و در فلسطین اشغالی به جنایت بر علیه خلق ما، کودکان ما و زنان ادامه می‌دهد.

اسرائیلی‌ها نه برای دادن که برای گرفتن به مذاکره می‌پردازند. به عنوان مثال اکنون در تمامی نوار فزه مقررات منع عبور

و مرور اعلام شده است، مردم حق ندارند از خانه‌های خود خارج شوند. مقررات مشابه در بیت‌الحم و تمامی شهرهای مقدس دیگر مانند رام‌الله نیز برقرار شده است. دو ماه است که بین و بخش قصبه شهر نابلس هر صبح چپین اقدامات خود سرانه‌ای است. آیا این اقدامات موثر در راه صلح هستند؟ یا نه آیا این هاروند صلح را بیشتر منفرجه نمی‌کنند؟ هر روزه در سرتاسر فلسطین اشغالی کسانی به شهادت می‌رسند. در اساس این علی السویه است که این افراد توسط ارتش اسرائیل، سایر ارگان‌های امنیتی و یا مهاجرین مسلح به شهادت برسند. به یک نیروی نظامی سوم تبدیل شده‌اند چرا که آن‌ها اجازه هر نوع استفاده از اسلحه را دارند.

* طرف فلسطینی در پی چه اهدافی است؟

ما خواهان آنیم که قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل (عقب نشینی اسرائیل از مناطق اشغالی و پذیرش مذاکرات صلح بین اعراب و اسرائیل - تحریریه) تحقق یابند. ما خواهان حفظ منافع قانونی سیاسی خلق فلسطین و امنیت تقسیم ناپذیر برای همگان هستیم. اما اسرائیلی‌ها نه برای دادن که برای گرفتن به مذاکره می‌پردازند. و گرنه چه معنایی می‌تواند داشته باشد وقتی شامیر واگذاری زمین برای صلح را نمی‌کند و اعلام می‌نماید که حاضر نیست حتی یک قدم از سرزمین‌های اشغالی عربی و فلسطینی را واپس دهد؟ او صلح نمی‌خواهد.

* پس اصلاً چرا شما بر سر میز مذاکره می‌نشینید؟

ما نمی‌خواهیم فقط نقاب از چهره کریه‌ای دولت اسرائیلی برداریم، ما می‌خواهیم پیش از هر چیز همانگونه که در ابتکار مربوطه شورای ملی فلسطین در سال ۱۹۸۸ مورد تصمیم گیری قرار گرفته است، آرزوی خود مبنی بر صلح را اعلام نماییم. من این ابتکار صلح را در همان سال در مقابل سازمان ملل متحد در ژنو اعلام کرده‌ام. ما می‌خواهیم آمادگی و هزم خود برای برقراری صلح شجاعانه و نه برای آن تسلیم طلبی که از طرف شامیر عرضه می‌گردد، میان سازیم.

* آیا پس از نیم سال سخنرانی بدون پیشرفت هنوز این سیاست در مناطق اشغالی قابل دفاع است؟

مسلم است که استمرار سیاست اسرائیل و آمادگی نازل آنها برای صلح، رهبری فلسطین را در مقابل شرایط و به و خامت در میان خلق خود قرار می‌دهد.

* رهبری فلسطین در مذاکرات ابتدا در واسطه‌انوائیه و اکنون در اوایل مارس به صورتی دقیق تر پیشنهادی در باره مقررات موقت در مناطق فلسطینی اشغال شده در سال ۱۹۶۷ کرده است. این پیشنهاد چه شمائی دارد؟

آن صورت می‌گیرد حفاظت شود. در این رابطه ما بامدل نامیبیا موافقیم. ولی روح واپس‌گرایی رهبری اسرائیل آن را در مشاهده تغییرات جهان امروز کور می‌سازد. اما اصلاً چه لزومی به تجدید نظر رهبری اسرائیل وجود دارد هنگامی که اروپا، هنگامی که غرب تمامی حمایت ممکنه را از آن به عمل می‌آورد. در ۴۰ سال گذشته تنها از جمهوری فدرال آلمان ۳۸/۶ میلیارد مارک به اسرائیل جاری شده است. در این محدوده زمانی فلسطینی‌ها مجموعاً ۸۸ میلیون مارک دریافت داشته‌اند. آخر این خردمندانه است؟ آیا این خلق فلسطین است که باید حساب جنایاتی را پس دهد که آلمان در مورد یهودی‌ها مرتکب شده است؟ در تراژدی خلق فلسطین یک مسئولیت اروپائی نیز وجود دارد.

* آیا شما می‌توانید پیشنه‌های طرف اسرائیلی را بپذیرید؟

اسرائیلی‌ها پیشنهادهای بی‌محتوی عرضه کرده‌اند. آن‌ها از ما خواسته‌اند که اشغالگران اسرائیلی را در سطح ادارات محلی بهادش و آموزش مورد حمایت قرار دهیم. آن‌ها از ما خواسته‌اند که به این اشغالگری مشروطیت بخشیم. ولی قطعنامه ۲۴۲ خواهان عقب‌نشینی اسرائیل از تمامی سرزمین‌های فلسطینی و متعلق به سایر کشورهای عربی است که در سال ۱۹۶۸ اشغال شده‌اند. آیا اسرائیل حاضر است این را به رسمیت بشناسد یا نه؟ آیا اسرائیل حاضر است حداقل ابتکار بوش را بپذیرد؟ این اساس مذاکرات صلح است جدا از اینکه این مذاکرات در مادرید، مسکو یا واشنگتن صورت گرفته‌اند. و آیا اروپا و ایالات متحده آمریکا هزم آن دارند که اسرائیل را وادار به پذیرش این پایه‌ها بکنند؟ این امر برای ما مهم است.

* شما چه انتظاری از انتخاباتی که در اسرائیل صورت می‌گیرد بویژه از پیروزی انتخاباتی محتمل حزب کارابین دارید؟

شاید رایین آمادگی بیشتری برای پذیرفتن ابتکار بوش داشته باشد. متأسفانه هر دو حزب بزرگ اسرائیل، هم حزب کار و هم حزب لیکود در بسیاری از زمینه‌ها مواضع یکسان یا مشابه دارند. کماکان سوال اساسی این است که آیا خلق فلسطین حق تعیین سرنوشت و برقراری یک دولت مستقل را دارد؟ تنها قطعنامه تقسیم فلسطین، قطعنامه ۱۸۱ ملل متحد مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ شناخته‌شده دولت اسرائیل است.

این قطعنامه در بند اول خود تشکیل یک دولت عربی فلسطینی را پیش بینی می‌کند و در بند دوم تشکیل یک دولت یهودی را که بعدها به نام اسرائیل شکل گرفت. یعنی دو دولت بر این سرزمین.

پس چرا خلق فلسطین نباید حق دارا بودن یک دولت مستقل را داشته باشد؟ چرا خلق

فلسطین در اتر ناتو بهائی قرار می‌گیرد که یا تحت اشغال و یا در بطن ملتی دیگر زندگی کند و اروپا دوشادو ایالات متحده آمریکا بر این امر می‌نگرد؟ چرا اسرائیل را وادار به پذیرفتن قطعنامه‌های سازمان ملل متحد نمی‌کنند، درحالی که این امر در مناقشه خلیج تا این حد مشرور بود؟ یا اینکه قانونیت دو چهره دارد، یک چهره در خلیج و چهره‌ای دیگر در فلسطین؟ آیا این نظم نوین جهانی است؟ آیا این عدالت است؟

* جنگ خلیج تنها نشانه تفرقه دولت عربی نبود، است. آیا در این زمینه هماهنگی وجود دارد؟

یک هماهنگی دائمی با مصر، سوریه، لبنان و اردن وجود دارد. این امر در موردیم و دول شمال آفریقا نیز صادق است. در ضمن هماهنگی مقطعی و نه دائمی با دول خلیج نیز موجود است.

* آیا شما یک کمپ دیوید دوم را ممکن می‌دانید؟

اسرائیلی خواهان کمپ دیوید دومی است. اما آیا این به معنی صلح است؟ بگین، کارتر و سادات بعد از کمپ دیوید گفتند "از امروز به بعد هرگز جنگی نخواهد بود." اما هلیرغم آن از آن روز به بعد درگیری‌های بسیاری در منطقه رخ داده‌اند. آیا کمپ دیوید به تراژدی فلسطین پایان داده و گره از معضلات خاور نزدیک گشوده است؟ بدون یک صلح عادلانه در این منطقه هیچ‌گونه ثباتی حاکم نخواهد بود.

* شما مکرراً به ابتکار بوش اشاره کرده‌اید؟ شما علائق کنونی واشنگتن و سیاست آن را در خاور نزدیک چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ایالات متحده آمریکا در صدد آن است که ذخایر نفتی را تحت کنترل خود در آورده و بتواند با قدرت‌های بزرگ آلمان و ژاپن و با اروپای متحد مقابله کند. و اکنون پس از جنگ خلیج واشنگتن خود را با این نیاز مواجه دیده که در فلسطین نیز مانند کویت قطعنامه ملل متحد را تحقق بخشد. برای اطمینان بخشیدن به کنترل بر ذخایر نفتی ایالات متحده آمریکا نیازمند ثبات در خاور نزدیک است. برای ما این سوال پیش می‌آید که آیا این ثبات به قیمت آزادی ما کسب خواهد شد؟ ما این سوال را با جامعه جهانی در میان می‌گذاریم. تغییر و تحولات دهه اخیر نشان داده است که در شرایط عدم تحقق حقوق قانونی خلق فلسطین هیچ‌گونه ثبات و امنیتی در این منطقه وجود نخواهد داشت. ما امر فیر ممکن را طلب نمی‌کنیم.

* ... و آیا در مناطق اشغالی انتفاضه، قیام خلق فلسطین ادامه دارد؟

حتی طرف متخاصم اسرائیلی ما نیز اذعان دارد که انتفاضه نمرده است. برعکس، انتفاضه ادامه خواهد یافت تا هنگامی که ما بتوانیم بر فراز اورشلیم آزاد شده پرچم فلسطین را برافرازیم. ما بخاطر از دست دادن ۲۵۵۰ شهید که ۶۰ درصد آن‌ها زیر ۱۶ سال بودند متأسفیم. تاکنون ۱۲۳ هزار زندانی، ۹۸ هزار مجروح، بیش از ۶۵۰۰ معلول و ۷۸۵۰ ناقص الخلقه

داشته‌ایم. کودکان ناقص الخلقه نتیجه کار بر دنا رنج‌های شیمیائی هستند. این نارنجک‌ها با عنوان رسمی نارنجک‌های گاز اشک آور به کار برده می‌شوند. دو تیم پزشکی: یک تیم بلژیکی و یک تیم آمریکایی، نمونه برداری‌هایی انجام داده‌اند، که در آزمایشگاه‌های بلژیک و آمریکا مورد تحقیق قرار گرفته‌اند و ثابت شده است که این مواد سلاح‌هایی هستند که در سطح جهانی ممنوع اعلام شده‌اند.

مسئولیت نرخ افزایش کودکان ناقص الخلقه بر عهده کار برد این گازهاست. هزاران هکتار از درختان میوه نابوده شده‌اند. هزاران خانه که به توده‌های خواه ناخواه فقیر ما تعلق دارند مورد خسارت قرار می‌گیرند، نابود و یا بسته می‌شوند. حملات مداوم به اماکن اسلامی و مسیحی مانند مسجد الاقصی در اورشلیم صورت می‌گیرد.

* اما وضعیت اقتصادی نیز وخامت‌یافته است.

در این زمینه انجمن فلسطینی ما در کویت که ثروتمندترین انجمن‌هایمان محسوب می‌شود، نقش اصلی را بازی می‌کند. ۴۵۰ هزار تن از آنان شناسائی شده‌اند، ۴۵ هزار تن دیگر نتوانسته‌اند مورد شناسائی قرار گیرند چرا که اسناد لازم را در دست ندارند.

خسارات فلسطینی‌های متقیم کویت بالغ بر ۱۲/۶ میلیارد دلار بود. بحران خلیج تأثیراتی بر تمامی اهالی کرانه غربی و نوار فزه داشته است. اما کمیته اروپائی - آمریکائی که در رم گرد هم آمد خسارت تمامی طرف‌هایی را که توسط جنگ خلیج متحمل خساراتی شده‌اند جبران نموده است؛ به استثناء فلسطینی‌ها.

انتفاضه تا پایان یافتن اشغال اسرائیلی‌ها ادامه خواهد یافت

در حال حاضر در نوار فزه گرسنگی حاکم است؛ گزارش U N W R A: سازمان کمک رسانی ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی را مطالعه کنید. کرانه غربی یک فاجعه اقتصادی را از سر می‌گذراند. کمک‌های عربی بعد از جنگ خلیج متوقف شده‌اند و اروپا تنها یک نظاره‌گر است. در این زمینه باید "کمک‌های" قدرت بزرگ اقتصادی آلمان در چهار دهه اخیر مورد توجه قرار گیرد؛ به طور متوسط سالانه ۲/۲ میلیون مارک. یک وقاحت، یک وقاحت واقعی. من متعجبم که چگونه مردم آلمان می‌توانند اجازه چنین چیزی را بدهند.

* اما آیا با این حال تمام این‌ها بر انتفاضه تأثیری ندارد؟

نتیجه این بوده است که انتفاضه بطرز قابل توجهی قدرت گرفته است. حتی یک گریه‌را هم نمی‌توان بدون انتظار مقاومت به کنجی نشرد. چه رسد به کل یک خلق. انتفاضه اکنون در پنجمین سال حیات خود است؛ و بزرگترین و طولانی‌ترین قیام خلقی در تاریخ جدید. و انتفاضه تا پایان بخشیدن به اشغال اسرائیل ادامه خواهد یافت. این خواست مشترک فلسطینی‌هاست.

جنگ قدرت در افغانستان

بقیه از صفحه ۱۲

برجسته آن است و ارتش افغانستان وارد مرحله تازه‌ای شد. حداقل یک هزار تن از افراد احمد شاه مسعود به همراه یک سرهنگ ارتش به کابل نزدیک شدند و همراه افسران ارتش در حومه کابل موضع گرفتند. گزارش‌ها حاکی از آن بود که نیروهای مشترک ارتش و احمد شاه مسعود با ایجاد یک حلقه دفاعی به دور کابل به مقابله با هرگونه رخنه نظامی به کابل برخاستند و در این کمر بند دفاعی نزدیک به دو هزار تن از نیروهای "رشید دوستم" رهبر یک گروه شورشی از یک که چندی پیش شهر مزار شریف افغانستان را تصرف کرد، شرکت داشت.

در همین حال در طول هفته گذشته شهرهای بزرگ افغانستان از جمله هرات، قندهار و جلال‌آباد یکی پس از دیگری به تصرف شورشیان درآمد.

روزهای پیش از تصرف کابل هلیرغم توافقی ده گروه شورشی افغان در پیشاور، به علت مخالفت حکمتیار با این طرح و اساساً هرگونه ائتلافی برای بدست گرفتن قدرت در کابل، اوضاع رفته‌رفته بسوی یک تصادم نظامی میان نیروهای وابسته به احمد شاه مسعود و نیروهای حزب اسلامی حکمتیار پیش می‌رفت. اما روز سوم اردیبهشت ماه گزارش‌هایی منتشر شد که نشان‌دهنده آمادگی احتمالی حکمتیار برای نشان دادن خویشتن داری بود. رادیو کابل در این روز خبر داد حکمتیار در منطقه تحت کنترل خود با معاون و رئیس‌جمهور افغانستان دیدار کرده و پذیرفته است که از حکومت موقتی که طرف یکسال انتخابات آزاد را برگزار نماید، حمایت به عمل آورد. شرط حکمتیار این است که در حکومت مزبور همه شورشیان "به نسبت نیروی خود" شرکت داشته باشند.

به نظر می‌رسد همین توافق و کلابرتی قوای مخالفین حکمتیار در اطراف و داخل کابل بدنبال همکاری و ائتلاف جدیدی که برخی مطبوعات غربی آنرا متشکل از رهبران جدید حزب وطن، مجاهدین میانه‌رو و ژنرال‌های ارتش می‌دانند، او را وادار به سازش با احمد شاه مسعود برای ورود بدون خونریزی به کابل کرده است. هم‌اکنون فرماندهی حفظ نظم و امنیت شهر کابل برعهده احمد شاه مسعود است و شورایی که در پیشاور برپایه توافق ده گروه افغانی حاصل شده احمد شاه مسعود را در این مقام مورد حمایت قرار داده است. اما در هین حال حکمتیار تهدید کرده است، هیچ‌یک از اعضای این شورا حق ورود به کابل را - قرار بود تا روز جمعه گذشته وارد کابل شوند - ندارد و هر هوائیمایی که از پیشاور به کابل برسد آنرا ساقط خواهد کرد. بنابراین هلیرغم آرامش ظاهری در کابل اوضاع همچنان آبستن حوادث است و هرآن احتمال دارد جاه طلبی حکمتیار این آرامش کنونی را به یک کشت و کشتار خونین بدل کند. حکمتیار خواهان حل مسالمت‌آمیز بحران افغانستان نبوده و نیست. او تاکنون تمام کوشش‌های صلح‌آمیز را بایکوت کرده چرا که تسخیر قدرت از طریق قهرآمیز برای او امری است که بقای سیاسی‌اش بدان بستگی دارد.

جنگ قدرت در افغانستان

بقیه از صفحه اول

گرفته اند.

تایک روز پیش از تصرف کابل در حالیکه دولت تازه کابل که در پی برکناری نجیب الله قدرت را در دست گرفته بود اعلام داشته بود حاضر است قدرت را به مجاهدین انتقال دهد، میان گروههای شورشی بر سر چگونگی انتقال قدرت و ترکیب شورایی که میبایست قدرت را در دست بگیرد، اختلاف بود. این اختلافات جدی بود که دو گروه عمده شورشی یعنی مجاهدان تحت فرمان احمدشاه مسعود

و نیروهای وابسته به حکمتیار را در مقابل هم قرار داده بود و در حلقه احتمال آن میرفت این رویارویی به تصادم خونین بیانجامد. احمدشاه مسعود خواهان انتقال مسالمت آمیز قدرت به شورای مورد توافق مجاهدین بود، اما، حکمتیار ضمن مخالفت با هرگونه پیشنهادی درباره تشکیل یک شورای مجاهدین، خواستار تسلیم فوری کابل بود و تهدید کرده بود در غیر این صورت به کابل حمله خواهد کرد. اما بنظر می رسد در آخرین ساعات، توافقی میان احمدشاه مسعود و حکمتیار حاصل شده و

افغانستان: تضادها و راه صلح

بقیه از صفحه اول

درشت شورشی مجاهد از میان برخاسته است و اینک هر گروه در فکر سهم خود از قدرت و گروههای اصلی و بزرگ در فکر سهم بیش از حد خود از قدرت هستند. و در درون خود گروهها، رقابت های خفته به سرعت بیدار میشوند.

افغانستان، کشوری است چند ملیتی متشکل از پشتون ها، تاجیک ها، ازبک ها، ترکمن ها، هزاره جات، بلوچ ها، نورستانی ها و پشه ای ها. پشتون ها بنشابه بزرگترین گروه ملی در افغانستان، در آنسوی خط دیورند واقع در پاکستان با بیش از ده میلیون پشتون پاکستانی، هم تبار، هم قوم و قبیله و حتی خویشاوند هستند. در زبان ها و تاجیک ها، به بنشابه رقیب تاریخی پشتون ها با هم تبارهای ملی خود در ایران و تاجیکستان همبسته اند. ملیت های بزرگ ازبک و ترکمن از شمال این کشور، پیوندهای همیق ملی، زبانی و مذهبی با دو جمهوری ازبکستان و ترکمنستان دارند. هزاره جات، این ملیت همیشه محروم افغانستان که پیرو مذهب شیعه اند، در پیوند با ایران و جمهوری اسلامی هستند. بلوچ ها، این ششمین گروه ملی، در زاویه بین بلوچستان پاکستان و ایران جای گرفته اند و بیشتر باین دو در ارتباط هستند تا با مرکز افغانستان. و نورستانی ها و پشه ای ها در شرق کشور، موجودیت خاص خود را دارند.

اما تقسیمات در افغانستان بهیچوجه به تقسیمات ملی محدود نمیشود. در درون ملیت پشتون، دهها قوم و قبیله وجود دارد که گاه فاصله آنها از همدیگر کمتر از فاصله های فرهنگی با گروه های ملی دیگر نیست. بر هر قبیله و قومی، یک بزرگ قوم و یا سر قبیله نفوذ دارد. این امر در مورد برخی از ملیت ها با درجاتی کمتر صادق است.

از نظر مذهبی، اگر چه اکثریت مردم افغانستان سنی و اقلیت آن شیعه است، اما وابستگی های مذهبی به مراکز و مراجع مهم جهان اسلام، تفرقه درون جامعه اسلامی افغانستان را بیشتر دامن زده است. سنی وابسته به وهابیت عربستان و تغذیه شده با دلار شیوخ این کشور با سنی های دیگری که شیوخ خود را در پاکستان و یا دیگر نقاط جستجو میکنند، تفاوت دارد.

و از همه مهمتر، تجزیه همیق سیاسی و سر برآوردن دهها گروه نظامی و شبه نظامی در طول

کرومهای مجاهد صبح روز شنبه پنجم اردیبهشت با ورود به کابل، پایتخت افغانستان را که آخرین شهر خارج از کنترل مجاهدین بود، به تصرف خود درآوردند.

پیشینه حوادث روزهای اخیر کابل:

تصرف کابل زمانی صورت گرفت که حدود ده روز پیش از آن نجیب الله رئیس جمهور افغانستان در تلاشی از سوی اطرافیان و بدنبال ماهها اختلاف درونی از مقام خود برکنار شد و شورایی مرکب از ۴ معاون وی قدرت را در کابل بدست گرفت. عبدالوکیل وزیر خارجه افغانستان در نخستین اظهار نظر در پی برکناری نجیب اعلام کرد نجیب در یک تلاش نافرجام برای خروج از کشور از تمام مسئولیت های خلع شده و قدرت در دست یک شورای فوق العاده ۴ نفره که هر چهار تا معاونان نجیب هستند، قرار گرفته است. وکیل هم چنین گفت این شورای نظامی قدرت را به شورای حکومتی تعیین شده از سوی سازمان ملل تحویل خواهد داد. یکی از اعضای این شور افرید احمدزاد که پس از برکناری نجیب رهبری حزب وطن را در دست گرفته است. او از جمله رهبران حزب است که از اواخر سال ۱۳۷۰ به نجیب فشار می آوردند برای تشکیل یک دولت موقت استعفا دهد. در گزارش های انتشار یافته در شمار آن بخش از رهبری حزب و وطن که نجیب را از قدرت خلع کرده اند، آن عبدالوکیل وزیر خارجه و محمود بریالی حضور هیئت اجرایی حزب وطن و معاون پیشین نخست وزیر افغانستان نیز نام برده شده است.

شورای مرکزی حزب وطن بدنبال برکناری نجیب در بیانیه ای که از رادیو کابل پخش شد نجیب را مانع اصلی صلح معرفی کرده و اعلام داشت همه چیز برای صلح آماده است. در همین حال محافل نزدیک به حزب وطن افغانستان



گلبدین حکمت یار

گفتند نجیب الله از مقام خود کناره گرفت تا از قتل عام در کابل جلوگیری کند. در همین حال رادیو جمهوری اسلامی در همان روز برکناری نجیب اعلام کرد که نجیب الله رئیس جمهور افغانستان فرار کرده و مخالفان او در داخل حکومت در حال تصفیه طرفداران نجیب و ایجاد ارتباطات همکاری با مجاهدان هستند.

قبل از برکناری نجیب الله مجاهدان مستقر در شمال افغانستان پیشروی خود به سوی کابل را آغاز کرده بودند. در روز پیش از برکناری نجیب پایگاه هوایی بگرام که یکی از مهمترین پایگاه های هوایی ارتش است بدون هیچ مقاومتی به تصرف مجاهدین تحت فرمان احمدشاه مسعود درآمد. به هنگام برکناری نجیب مجاهدان افغانستان به کابل

نزدیک شدند، و تقریباً از شمال و جنوب آن شهر را در محاصره گرفته بودند.

با سقوط دکتر نجیب الله سرنوشته افغانستان در حاله ای از ابهام فرو رفت. امیدها و خوشبینی های محافل بین المللی نسبت به کوشش های سازمان ملل و بنون سوان نماینده این سازمان در امور افغانستان برای حل و فصل مسالمت آمیز بحران افغانستان، جای خود را به نگرانی از بابت درگیر شدن افغانستان در یک جنگ داخلی خونین دیگر داد. پطروس قالی دبیرکل سازمان ملل که به هنگام برکناری نجیب در پکن بسر می برد، ناخشنودی و نگرانی خود را نسبت به تحولات افغانستان ابراز نمود. بنون سوان نماینده سازمان ملل در نخستین روزهای پس از برکنای نجیب، طرح سازمان ملل پیرامون افغانستان از سر گرفت. پیش از این او توانسته بود موافقت اقلب طرف های درگیر افغانی، برای



احمد شاه مسعود

تشکیل یک شورای حکومتی ۱۵ نفره متشکل از شخصیت های بیطرف تا تشکیل دولت موقت را جلب نماید. اما با سقوط نجیب الله این کوشش ها ناکام ماند. بلافاصله پس از سقوط نجیب الله رهبران چند گروه شورشی اعلام کردند با فروپاشی دولت کابل، دیگر مبنایی برای طرح صلح سازمان ملل نموده است. سخنگوی حزب اسلامی حکمتیار اعلام کرد این حزب به هیچ دولت ائتلافی نخواهد پیوست و کماکان در برقراری یک دولت بنیادگرای اسلامی خواهد جنگید. با همه اینها کوشش های سوان ادامه یافت. او با فرماندهان شورشی در مزار شریف و با احمد شاه مسعود و شورای نظامی مستقر در کابل به گفتگو و مذاکره نشست. از سوی دیگر عبدالوکیل با احمد شاه مسعود ملاقات و مذاکره کرد.

همزمان در پیشاور پاکستان، ده گروه شورشی در اجلاس طولانی و با شرکت نواز شریف نخست وزیر پاکستان بر سر تشکیل شورایی متشکل از مجاهدین برای انتقال مسالمت آمیز و منظم قدرت به توافق رسیدند. براساس این توافق از هر گروه شورشی دو نفر یک سیاستمدار و یک فرمانده نظامی در ترکیب شورای مزبور عضویت خواهند داشت. اما حکمتیار در این نشست شرکت نکرد.

در همین روزها کابل در محاصره گروه های مجاهدین قرار گرفت. نیروهای تحت فرمان احمدشاه مسعود در شمال و نیروهای وابسته به حکمتیار در جنوب کابل موضع گرفتند. در طول هفته گذشته همکاری میان جمعیت اسلامی که احمد شاه مسعود یکی از فرماندهان

بقیه در صفحه ۱۱

نبرد در بوسنی هرزگوین

بالا گرفت

سازمان ملل به درگیری ها می رود. تاکنون از شمار کشته شدگان درگیری های آخر بوسنی - هرزگوین خبری نرسیده است. برخی اجساد کشته شدگان تا ساعت ها در خیابان های ساریوو مانده بود و به علت تداوم تیراندازی میان شبه نظامیان صرب و نیروهای مسلح بوسنی - هرزگوین، امکان جمع آوری آن وجود نداشت.

یک افسر عالی رتبه ارتش فدرال یوگسلاوی اظهار داشت نیروهای ارتش در زرد خوردهای ساریوو شرکت ندارند. وی گفت این درگیری ها میان واحدهای شبه نظامی حزب اقدام دمکراتیک (حزب مسلمانان بوسنی) و حزب دمکراتیک صرب جریان دارد. حزب اخیر از جمهوری بوسنی - هرزگوین که اخیراً مورد شناسایی جامعه اروپا، آمریکا و چندین کشور دیگر قرار گرفت، اعلام استقلال کرده است.

در مقابل اظهارات افسران ارتش، یک نماینده رهبری جمهوری بوسنی - هرزگوین گفت ارتش می تواند به جنگ خاتمه دهد و جلوی عملیات شبه نظامیان را بگیرد.

در بوسنی - هرزگوین مسلمانان و کروات ها علیه صربها متحد شده اند. صربها می خواهند بخشی از خاک این کشور را ضمیمه صربستان کنند. طبع، هفته های

هفته گذشته در جنگ داخلی بوسنی - هرزگوین، نبرد بر سر تصرف ساریوو مرکز این جمهوری پیشین یوگسلاوی تاحد زرد خوردهای مداوم و سنگین بالا گرفت. صربهای مقیم این جمهوری مدعی حدود نیمی از شهر ساریوو هستند. شبه نظامیان صرب از صبح اول اردیبهشت شهر را زیر آتش توپخانه سنگین گرفتند. همزمان با این تهاجم، اعمال فشار بین المللی بر صربستان گسترش یافته است.

وزارت کشور بوسنی - هرزگوین گزارش داد شبه نظامیان صرب از ساعت پنج صبح اول اردیبهشت به یک قرارگاه پلیس ساریوو حمله کردند. این گزارش می افزاید نیروهای تقویتی از صربستان در این حمله شرکت داشته اند. در پیرامون ایستگاه تلویزیون ساریوو و در محلات قدیمی شهر نیز چند خپاره منفجر شد. یک هدف دیگر حملات، نیروگاه شهر بود. آتشباران ساریوو از تپه های اطراف شهر که تحت کنترل ارتش فدرال یوگسلاوی و شبه نظامیان صرب است، صورت میگیرد.

مقر نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل که وظیفه کنترل آتش بر سر جمهوری کرواسی در همسایگی بوسنی - هرزگوین را برعهده دارند، در منطقه ای از ساریوو واقع شده است که جنگ در آن جریان دارد. امکان کشیده شدن محافظان مقر

برقراری ارتباط از طریق فاکس

دوستانی که در اقصی نقاط جهان می خواهند بادیبر خانه مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) رابطه برقرار کنند، خوانندگان و هلاچندگان نشریه کار که می خواهند خبر، مقاله و یا سندی را سرعاً برای نشریه ارسال بدارند، از طریق شماره فاکس 3318290 - 221 - 00 49 آلمان با ما تماس بگیرند.

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل های اشتراک، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت های اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
○ شش ماهه ۴۵ مارک	○ شش ماهه ۴۵ مارک
○ یک ساله ۹۰ مارک	○ یک ساله ۹۰ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

KAR	ارگان مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
No 33	
29. APR 1992	
مساب بانکی: M.ABD NR-35263011	آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY
کد بانک: 37050198	
Stadtsparkasse Köln GERMANY	